



محبت عیسیٰ مسیح به مسلمانان عامیانه ویا (محل)

Jesus' Love for Folk Muslims

توسط

Don McCurry

منتشر شده در اگست 2021

Published August 2021

Ministries برای مسلمانان

Ministries to Muslims

نقل قول های قرآنی از معنای قرآن کریم عبدالله یوسف علی است © 1409
هجری قمری / 1989 میلادی انتشارات Amana ، Beltsville ، MD

*Quranic quotations are from The Meaning of the Holy Qur'an Abdullah
Yusuf Ali ©1409 AH / 1989 AD Amana Publications, Beltsville, MD*

نقل قول های کتاب مقدس از کتاب مقدس ESV (نسخه استاندارد انگلیسی) حق چاپ 2001 توسط Crossway Bibles، یک وزارتخانه انتشاراتی از ناشران Good News است. با اجازه استفاده می شود. تمامی حقوق محفوظ است

Scripture quotations are from the ESV® Bible (The Holy Bible, English Standard Version®) Copyright ©2001 by Crossway Bibles, a publishing ministry of Good News Publishers. Used by permission. All rights reserved.



فداکاری

این کتاب تقدیم به بنده گان صادق تو، پروردگارا، که گذشته ، حال و آینده، خود را به عنوان زحمات زیاد در مزارع خرمین جهان اسلام به تو سپرده اند.



سپاسگزاری ها (قدردانی)

Acknowledgements

فقط خود خدا می داند که آیا این آخرین کتابی است که او قصد دارد از طریق من بنویسد یا خیر. اما اگر چنین است، این کار در جشن شادی و سپاسگزاری هفتاد سال خدمتی است که او صادقانه آن را ممکن ساخته است.

سپاسگزارم از ریسهای بوردم، دوستان عزیز و برادران مهربان و آنهایی که در تمام سال هایی که آنها در مسیح بوده اند و برای مدت طولانی با من این راه را پیمودند.

اضافه از 30 سال، Global Initiatives فرصت هایی را برای من فراهم کرد تا این مطالب را آموزش دهم، و در نتیجه تا حد زیادی امکان توسعه و اصلاح همه این موارد را فراهم کرد که خداوند به تو برکت دهد! از دوستان عزیز ما که سخاوتمندانه و به صورت ناشناس برای تولید این کتاب کمک مالی کرده اند. متشکرم!

من عمیقاً از Bryan and Gayle که با من در رساندن این کتاب به شکل نهایی آن همکاری کردند، قدردانی می کنم.

و سپس مری جو، همسر باخدا و دوست داشتنی، دوستی بی همتا و شریکی زنده گی من است.



فهرست مطالب

Table of Contents

4	Dedication	فداکاری
		.
6	Acknowledgements	سپاسگزاریها
		.
11	Introduction	معرفی
		..
14	Chapter-1	فصل اول جهان بینی کتاب مقدس
24	Chapter-2	فصل دوم برخوردهای قدرت در کتاب مقدس
28	Chapter-3	فصل سوم نمونه هایی از اعمال غیبت در سراسر تاریخ کتاب مقدس
34	Chapter-4	فصل چهارم آماده شدن برای خدمت در پرتونور ماموریت عیسی

39	فصل پنجم 5 - Chapter اسلام ارتدکس به عنوان یک میزبان طبیعی برای مردم اسلام
51	فصل ششم 6 - Chapter آمادگی معنوی برای کار در میان مسلمانان
60	فصل هفتم 7 - Chapter مواجهه با بسیاری از فرقه های اسلام
66	فصل هشتم 8 - Chapter درک همسایه مسلمان خود
70	فصل نهم 9 - Chapter پیوند گمشده در اسلام
78	فصل دهم 10 - Chapter تقابل اسلام ارتدکس و عامیانه
82	فصل یازدهم 11 - Chapter سؤالاتی که اسلام عامیانه سعی در انجام آنها دارد
90	فصل دوازدهم 12 - Chapter ندای بیداری به حقیقت
101	فصل سیزدهم 13 - Chapter تأثیر شیاطین
111	فصل چهاردهم 14 - Chapter خدمت مسیحی به شیطان شدگان
122	فصل پانزدهم 15 - Chapter لمس شفای عیسی
135	فصل شانزدهم 16 - Chapter مطالعات موردی معاصر فعالیت شیطان
158	فصل هفدهم 17 - Chapter زندگی بدون عیسی
173	فصل هجدهم 18 - Chapter فقط عیسی می تواند قلب یک مسلمان عامی را راضی کند
183	پیوست الف - جغرافیای قرآنی و قبله های اوایل اسلام
185	مراجع کتاب مقدس
198	منابع قرآنی
199	مطالب پیشنهادی

فقط چند نکته در مورد فارمت این کتاب:

Just a few notes on the formatting of this book:

• به دو دلیل انتخاب کرده ام ضماین شخصی را که با خدا سروکار دارند، با حروف بزرگ بنویسم:

- در بسیاری از آیات به تشخیص خدا و دیگران کمک می کند.
- من احساس می کنم که این نشان دهنده درجه بیشتری از احترام به خدا است. در حالی که بسیاری از ترجمه های کتاب مقدس، به هر دلیلی، این کنوانسیون را کنار گذاشته اند، من ترجیح می دهم این کار را در نقل قول های خود ادامه دهم.
- من اغلب تأکید را، معمولاً به صورت پررنگ، در آیات کتاب مقدس بدون نشان دادن آن با علامت مرسوم «تاکید اضافه شده» اضافه می کنم. لطفا توجه داشته باشید.

- که این تأکید من است، نه آنچه در متن اصلی ESV یافت می شود.
- تأکیدات در نقل قول های قرآنی در نسخه اصلی علی آمده است.
- در عصر و عصر ما، استفاده از اصطلاحات مذکر هنگام اشاره به کل بشریت رایج نیست. اینها عبارتند از «انسان»، «مردان»، و غیره. با این حال، در بیشتر موارد، کتاب مقدس ESV هنوز از آنها استفاده می کند.



معرفی

Introduction

این کتاب برای مسیحیان که در میان مسلمانان زندگی و کار می کنند طراحی شده است. این بر اساس پیشینه کارگرانی نوشته شده است که تعلیمات دینوی داشته اند و ممکن است در ابتدا انبوهی از عقاید و اعمال غیر ارتدوکس را که در زندگی مسلمانان با آن مواجه می شوند درک نکنند. این موارد ممکن است شامل موارد زیر باشد:

- چشم شیطان "The evil eye"
- انیمیشن Animism
- نفرین Curses
- روح گرایی (ارواح شیطانی، جلسات، تابلوهای Ouija)

طلسم، تعویذ) و غیره.

این مناسک و سایر مراسم به طور کامل در سراسر این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. برای سادگی، من این فعالیت‌ها و باورها را زیر چتر کلی «عمل‌های غیبی» نامگذاری کرده‌ام. استفاده ترکیبی (ادغام سیستم‌های اعتقادی) از این اعمال در زندگی مسلمانان را «اسلام عامیانه» می‌نامم و کسانی که در این عقاید و اعمال مشارکت دارند، «عامیانه» نامیده می‌شوند.

مسلمانان».

«برخورد با قدرت» عبارتی است که به دو واقعیت می‌پردازد: قدرت خدا، خدای واقعی، و قدرتی که فرد می‌یابد که تمرین کنندگان اعمال غیبی را در چنگال خود نگه می‌دارد. پشت این اعمال غیبی است

شیطان، دشمن باستانی خدا. این دو قدرت زمانی که انجیل عیسی مسیح در رابطه بین یک کارگر مسیحی و یک مسلمان که عادات غیبی را انجام می‌دهد وارد می‌شود، با هم برخورد می‌کنند. در پشت این برخورد سطحی دو شخصیت وجود دارد: عیسی مسیح به عنوان پسر خدا، و شیطان، که همچنین شیطان، فریبکار، دشمن، دشمن و غیره نامیده می‌شود

فریب شیطان ریشه در تلاش‌های او دارد تا مردم را با تلاش خود به دنبال راه حلی برای خلا دلشان بگرداند. کار عیسی بر روی زمین از مردم می‌خواهد باور

کنند که او تمام آنچه را که برای عادل ماندن در برابر خدای پدر و خالق ما لازم بود انجام داد. این دو راه حل متضاد - انجیل شیطان در مورد اتکا به خود در مقابل انجیل خدا در مورد اتکا به مسیح - کانون اصلی برخورد قدرت بین کار شیطان و کار عیسی است.

اسلام عامیانه که توسط مسلمانان عامیانه اجرا می شود، تلاشی برای ارضای آرزویی است که خداوند در قلب هر انسانی نهفته است. جامعه 3:11 می گوید: «[خدا] ابدیت را در قلب انسان قرار داده است، اما او نمی تواند دریابد که خدا از ابتدا تا انتها چه کرده است.» برای خود بشریت غیرممکن است که میل ذاتی ارتباط با خدا را ارضا کند.

درک این میل ارضا نشده در قلب مسلمانان عامیانه، در چارچوب تضاد اصلی بین خدا و شیطان - که در زندگی عیسی به واقعیت ملموس رسیده است - مستلزم آن است که خود را با یک جهان بینی کتاب مقدس استوار کنیم.



فصل - اول

Chapter-1

جهان بینی کتاب مقدس

A Biblical Worldview

برترین واقعیت، خدای خالق ابدی است. همه خلقت دست اوست. همه موجودات در عالم ارواح توسط او آفریده شده اند، به عنوان مثال، سلسله مراتب فرشتگان. با توجه به همه موجودات زنده روی زمین، به آنها توانایی بازتولید خود از جمله انسان ها را داد. در یکی از کتاب‌های اولیه کتاب مقدس، موسی از خدا به عنوان پدر ما یاد کرد: "آیا او [خدا] پدر شما نیست که شما را آفرید...؟"

(Deuteronomy 32:6) به این معنا، او پدر همه ماست

در مورد موجودات فرشته ای، او به آنها این توانایی را داد که از او اطاعت کنند یا عصیان کنند. در آخرین کتاب کتاب مقدس می خوانیم که در بهشت جنگی رخ داده است. می توانید در Revelation 12:7-17

در مورد آن بخوانید. در اینجا گزیده هایی از آن قطعه آمده است

اکنون جنگ در بهشت به پا شد. مبارزه مایکل و فرشتگانش با اژدها و اژدها و فرشتگانش به مقابله پرداختند، اما او شکست خورد. و دیگر جایی برای آنها در بهشت وجود نداشت. و اژدهای بزرگ، آن مار باستانی که شیطان و شیطان فریبده جهان نامیده می شود، به زمین افکنده شد، و فرشتگان بالوبه پایین انداخته شدند

و چون اژدها دید که او را به زمین انداخته اند، به تعقیب زنی که فرزند بچه را به دنیا آورده بود، رفت... آنگاه اژدها بر زن خشمگین شد و رفت تا با بقیه فرزندانش جنگ کند. کسانی که احکام خدا را نگه می دارند و به شهادت آن پا بند هستند.

در کتاب مقدس دقیق نیست که شیطان در چه زمانی به زمین افکنده شد. آنچه می دانیم این است که او در باغ عدن با آدم و حوا بود. داستان اغوای روحانی حوا و تأثیر او بر شوهرش آدم، برای بقیه کتاب مقدس، که در آمدن مسیح، پسر خدا، به زمین به اوج خود می رسد، حیاتی است. داستان «سقوط» حوا و آدم آنقدر برای کل این کتاب مهم است که در اینجا تکرار می کنیم (Genesis 3:1-24)

اکنون مار از هر جانور صحرا که خداوند آفریده بود حيله گرتتر بود.

او به زن گفت: «آیا واقعاً خدا گفته است که از هیچ درختی در باغ نخورید؟» و زن به مار گفت: "ما می توانیم از درختان باغ بخوریم، اما خدا گفت: "از درختی که در میان است نخوری و به آن دست نزنی، مبادا بمیری." مار به زن گفت: «حتماً نخواهی مرد. زیرا خدا می داند که وقتی از آن بخورید چشمان شما باز می شود و مانند خدا خواهید بود و نیک و بد را می شناسید.» پس چون زن دید که آن درخت برای غذا خوب است و برای چشمان خوشایند است و آن درخت برای دانایی مطلوب است، از میوه آن برداشت و خورد و مقداری نیز به او داد. شوهری که با او بود و خورد. سپس چشمان هر دو باز شد و دانستند که برهنه هستند. و برگهای انجیر را به هم دوختند و برای خود کمر بند درست کردند.

و صدای یهوه خدا را شنیدند که در هوای خنک روز در باغ راه می رفت، و مرد و زنش خود را از حضور یهوه خدا در میان درختان باغ پنهان کردند. اما یهوه خدا آن مرد را صدا زد و به او گفت: «کجا هستی؟» و گفت: صدای تو را در باغ شنیدم و ترسیدم زیرا برهنه بودم و خود را پنهان کردم. گفت: چه کسی به تو گفته که برهنه هستی؟ آیا از درختی که به شما دستور دادم از آن نخورید خورده اید؟» مرد گفت: زنی که به من دادی، میوه درخت را به من داد و من خوردم. آنگاه خداوند خدا به زن گفت: «این چه کاری است که کردی؟» زن گفت:

»

مار مرا فریب داد و خوردم.»

خداوند به مار گفت: «چون این کار را کردی، بر همه چارپایان و بر همه حیوانات صحرا ملعون هستی. روی شکم خود خواهی رفت و در تمام روزهای زندگی خود خاک خواهی خورد. بین تو و زن، و بین نسل تو و نسل او دشمنی خواهم کرد. او سرت را می کوبد و تو پاشنه او را می کوبی.» به آن زن گفت: «مطمئناً درد تو را در فرزندآوری چند برابر خواهم کرد. در درد، فرزندانی به دنیا خواهید آورد. میل تو بر خلاف شوهرت باشد، اما او بر تو حکومت خواهد کرد.»

و به آدم گفت: «چون به صدای همسرت گوش دادی و از درختی که به تو دستور دادم که از آن نخوری، خوردی، زمین به خاطر تو ملعون است. در درد تمام روزهای زندگی خود از آن بخورید. خار و خار برای شما خواهد آورد. و گیاهان مزرعه را خواهید خورد. با عرق صورت خود نان خواهید خورد تا به زمین بازگردید، زیرا از آن گرفته شده اید. زیرا تو خاکی و به خاک باز خواهی گشت.»

مرد نام همسرش را حوا گذاشت، زیرا او مادر تمام زندگان بود. و خداوند خداوند برای آن آفرید

آدم و همسرش از پوست لباس پوشیدند و به آنها لباس پوشیدند.

آنگاه خداوند گفت: «اینک، آن مرد در شناخت نیک و بد مانند یکی از ما شده است. حال مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز بگیرد و بخورد و تا ابد زنده بماند.» پس یهوه خدا او را از باغ عدن بیرون فرستاد تا زمینی را که از آن گرفته شده بود کار کند. او مرد را بیرون کرد و در شرق باغ عدن کروبیان و شمشیر آتشی را قرار داد که از هر طرف می چرخید تا راه درخت زندگی را حفظ کند.

این قسمت آنقدر پیش‌نمایش می‌کند که در داستان نوع بشر و رستگاری ما از طریق مرگ قربانی عیسی مسیح آشکار می‌شود. من می‌خواهم مشاهدات زیر را برجسته کنم:

• شیطان در تلاش نفرت انگیز خود برای فریب دادن و نابودی بشریت بسیار ظریف است.

• اولین قدم او متقاعد کردن زن به شک در شخصیت خدا بود.

• با وعده های دروغین او را فریب داد تا از خدا نافرمانی کند.

• او با این روش حيله گرانه، او را وادار کرد که توکلش به خدا را رها کند و ندانسته با

پیروی از پیشنهادات شیطان، با او بیعت کند. این منجر به مرگ روحی و سپس مرگ جسمانی شد.

• آدم و حوا با از دست دادن بی گناهی خود سعی کردند شرم خود را با لباس دست ساز از برگ انجیر بپوشانند. برای خدا اصلاً قابل قبول نبود.

• خداوند با کشتن حیوانات، احتمالاً بره‌هایی که در نقشه آشکار خداوند نقش برجسته‌ای دارند، و در نتیجه خون آنها ریخته شد، پوست این حیوانات قربانی را گرفت و پوشش مناسبی برای برهنگی و شرم آنها ساخت. بعداً در کتاب موسی می‌خوانیم: «زیرا حیات جسم در خون است و آن را برای شما در قربانگاه دادم تا برای جانهای شما کفاره [پوششی] باشد، زیرا خونی است که با جان کفاره می‌کند». (Leviticus 17:11)

• خداوند، برای نجات بشریت از این مرگ ابدی، دشمنی بین شیطان و مردم را در فیض حاکمیت خود قرار داد و یک برخورد مرگبار بین شیطان و انسان را پیشگویی کرد. شیطان در نهایت توسط یک مرد قهرمان که جان خود را در انجام این کار می‌دهد، درهم شکسته

خواهد شد. این البته در طول زندگی آدم اتفاق نمی افتد. در نهایت به مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب اشاره دارد.

این هفت مشاهدات را در ذهن داشته باشید، زیرا ما همچنان به ارائه یک جهان بینی کتاب مقدسی ادامه می دهیم.

اکنون، بیایید به زندگی عیسی در طول خدمت زمینی او نگاه کنیم. پس از حدود سی سال زندگی در گمنامی، عیسی برای غسل تعمید نزد یحیی بپتیست آمد. هنگامی که او از آب بیرون آمد، آسمان باز شد و صدای پدر گفت: "این است پسر محبوب من که از او خشنود هستم." در همان زمان، روح خدا به شکل کبوتر بر عیسی نازل شد و بر او آرام گرفت (Matthew 3:16-17). در ادامه روایت در مورد عیسی در انجیل متی، سپس می خوانیم: "سپس عیسی توسط روح به بیابان هدایت شد تا توسط شیطان وسوسه شود"

² (Matthew 4:1) این وسوسه در پایان چهل روز روزه داری شبانه روز عیسی روی داد. این برای خدمت عیسی بسیار مهم بود. هنگامی که مسیح از بهشت نازل شد تا از یک باکره به دنیا بیاید، به طور معمول یک انسان بود که در معرض هر وسوسه مشترک بشریت قرار می گرفت و سرانجام شخصاً با وسوسه کننده ملاقات می کرد و در هر نقطه با موفقیت در برابر او مقاومت می کرد. از اطاعت او از خواست خدای پدر. با استناد به کلام الله علیه هر یک

1- این موضوع بعداً با جزئیات بیشتر توضیح داده خواهد شد

2- برای کل قسمت Matthew 4:1-11 را ببینید.

وسوسه شد، او در برابر شیطان مقاومت کرد، سپس او را ترک کرد، و فرشتگان آمدند و او را خدمت کردند.

در همان زمان، عیسی نماینده خدا بر روی زمین به عنوان پسر خدا بود. با تواضع خود برای تبدیل شدن به یک انسان، او خود را از تمام اختیارات الهی خود سلب کرد تا به عنوان یکی از ما با دشمن خدا روبرو شود. اما ما همچنین باید به خود یادآوری کنیم که او در یک مأموریت بود.

مأموریت عیسی این بود که پادشاهی خدا را در میان سلطه این فرمانروای شریر معرفی کند، که به گونه‌های مختلف «شاهزاده این جهان»، «خدای این جهان» و «حاکم این جهان» نامیده می‌شود. کتاب مقدس به ما می‌گوید که "تمام جهان در قدرت شریر است"

(John 5:19 1) در این مرحله، ما باید به روایت کتاب مقدس نفوذ کنیم تا به کسانی از ما که در یک محیط دینوی و سیستم‌های اعتقادی آن بزرگ شده‌اند، که اغلب «انسان‌گرایی دینوی» نامیده می‌شوند، بپردازیم. به طور خلاصه، به ما آموختند که هیچ دنیای ارواح وجود ندارد: نه خدا (فقط تکامل)، نه فرشتگان، نه شیطان، نه شیاطین، نه هیچ چیز ماوراء طبیعی. تمام آنچه وجود دارد را می‌توان «علمی» توضیح داد. بسیاری از انجیل در غرب تحت تأثیر منفی برخی از این مفکوره‌ها قرار گرفته است. به همین دلیل، برخی از مبلغان ما آنچه را که در اسلام عامیانه، یعنی در زندگی مسلمانان عادی که گرفتار اعمال غیبی شده‌اند و در چنگال آنها گرفته شده است، نمی‌دانند. آنها قدرت شیطانی پشت این اعمال را درک نمی‌کنند و اغلب آنها را به عنوان خرافات بی‌ضرر نادیده می‌گیرند.

با بازگشت به جهان بینی کتاب مقدس، خدمت آغازین عیسی با این کلمات توصیف می‌شود: "دلیل ظهور پسر خدا این بود که اعمال شیطان را از بین ببرد" (1 John 3:8b). خدمت او با این کلمات آغاز شد: "او در سراسر جلیل رفت و در کنیسه‌های آنها تعلیم داد و انجیل

پادشاهی [خدا] را اعلام کرد و هر بیماری و هر مصیبت را در میان مردم شفا داد"
(Matthew 4:23)

این کلمات برای کسی که در اخلاق اومانیسم سکولار آموزش دیده است، بی معنی است. اما آن‌ها برای کسانی که در تاریخ طولانی رفتار خدا با نوع بشر در طول اعصار غرق شده‌اند، همانطور که در کتاب مقدس ثبت شده است، معنی برجسته‌ای دارند. این کلمات، "انجیل ملکوت"، به همه ما که تحت ظلم و ستم شیطان رنج می‌بریم، به خوبی سخن می‌گوید. کلمه آشنای «انجیل» در واقع به معنای «خبر خوب» است. کلمه "پادشاهی" به پادشاهی خدا و مهمتر از آن ورود خود پادشاه به میان انسانها بر روی زمین اشاره دارد. پس از هزاران سال از حکومت شیطان، بدون شک ورود پادشاه جهان به زمین، امواج شوک را در سراسر پادشاهی شیطان، غاصب، ایجاد کرد.

آنچه بسیار شگفت‌انگیز است این است که پادشاه (عیسی) به عنوان یک پادشاه ظاهر نشد، بلکه به عنوان یک شفا دهنده و یک رهایی آرام از کسانی که در چنگال شیطان بودند ظاهر شد.

برخورد این دو حاکم، عیسی به عنوان پسر خدا، و دشمن او شیطان، اجتناب ناپذیر بود. برخورد اولیه که قبلاً شرح داده شد، در بیابان بر سر شخصیت خدا و صحت سخنان او جنگید. شیطان رد شد و پادشاه اکنون آزاد بود که کارهای شیطان را از بین ببرد.

شگفتی بزرگ این است که چگونه خداوند متعال برای سرنگونی شیطان و پادشاهی او آماده می‌شود. بر خلاف تصور برای اینکه یک درگیری فوری و نهایی با دشمن و یارانش رخ دهد، عیسی تصمیم گرفت که در گمنامی - در یک روستای کوهستانی در میان فقرا - آغاز

شود. اگر سقوط شیطان به دلیل غرور و شهوت او برای قدرت بود، عیسی راه حقیر فروتنی و اطاعت از اراده پدر آسمانی خود را انتخاب کرد.

عیسی که از باکره ای تحت قدرت روح القدس متولد شد، تصمیم گرفت خود را در خانواده ای فروتن و خداپرست در شهر تپه ای ناصره در منطقه جلیل جاسازی کند. در آن خانواده، عیسی بزرگترین خانواده از چهار برادر کوچکتر و چندین خواهر کوچکتر بود. در حالی که بزرگ شد، خود را نزد پدر رضاعی خود، یوسف، که یک نجار بود، شاگرد کرد.

او به مدت سی سال در گمنامی با خانواده خود باقی ماند. در محلی، او بخشی از صحنه مذهبی بود که در اطراف کنیسه متمرکز بود. این شامل شرکت او در زیارت سالانه خانوادگی اورشلیم سه بار در طول سال بود. اما او همچنین در «جلیل ملل» در میان غیریهودیان، مشرکان غیریهودی زندگی می کرد.

چه آموزشی او در هر دو جهان زندگی می کرد.

در آن سی سال، او به عنوان یک ناظر زیرک صحنه انسانی، فرصت کافی برای ارزیابی ویرانی هایی که شیطان بر بشریت به بار آورده بود، داشت. از یک طرف، او یاد گرفت که انگیزه های قلب انسان را "بخواند". این منجر به این نظر در یوحنا 2: 24-25 شد، "اما عیسی از طرف خود خود را به آنها سپرد، زیرا او همه مردم را می شناخت و نیازی به شهادت کسی در مورد انسان نداشت، زیرا او خود می دانست که در انسان چیست."

3-انسان ها با طبیعت گناه آلود به دنیا می آیند.

و از سوی دیگر، از شخصیت دشمن خود شیطان آگاه بود: «او از اول قاتل بود و حقیقت را قبول نمیکرد.

زیرا هیچ حقیقتی در او وجود ندارد. وقتی او دروغ می گوید، از روی شخصیت خود صحبت می کند، زیرا او دروغگو و پدر دروغ است.» (John 8:44) .

هنگامی که عیسی در میان تمام شهرها و روستاهای جلیل سفر می کرد، بشارت پادشاهی خدا را در کنیسه های آنها اعلام کرد. او تا مدتها بعد در زندگی خود بر روی زمین خود را به عنوان پادشاه نشان نداد. اما او با انجام معجزات خارق العاده خود در شفا و رهایی مردم از ستم اهریمنی، کاری را انجام می داد که فقط پادشاه، پسر خدا، می توانست انجام دهد. به عبارت دیگر، او اجازه داد کارهایش برای خود صحبت کنند: او پادشاه است.

اکنون بیایید در کتاب مقدس شرحی از آغاز خدمت او را بخوانیم: (Matthew 4:23-24) "و در تمام جلیل رفت و در کنیسه های آنها تعلیم داد و انجیل ملکوت را بشارت داد و هر بیماری و هر مصیبت را در میان مردم شفا داد. مردم. پس آوازه او در سراسر سوریه پیچید و همه بیماران، مبتلایان به بیماریها و دردهای گوناگون، ستمدیدگان دیو و فلج را برای او آوردند و او آنها را شفا داد».

در این قسمت، ما قدرت خارق العاده عیسی را برای شفا دادن و رهایی مردم از ظلم اهریمنی می بینیم. عیسی در تمام مدت خدمت خود از قدرت خدا برای رویارویی با قلمرو شیطان و

خنثی کردن بسیاری از کارهای فریبکارانه خود استفاده می کرد. او زندگی می کرد و هر روز درگیر «برخورد با قدرت» بود.

انگیزه او برای تمام تلاش هایش عشق و محبت بود. "زیرا خدا جهان را چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را داد". (John 3:16). مسیح روی زمین بهترین ابراز محبت و شفقت خود خدا برای جهانی گمشده و در حال مرگ بود. این بیانیه در مورد عیسی از Matthew 9:36 تأیید می شود: "وقتی جمعیت را دید، بر آنها دلسوزی کرد، زیرا آنها مانند گوسفندان بی شبان آزار و اذیت و درمانده بودند."

هر بار که عشق کامل با نفرت بی رحمانه روبرو می شود و تقدس خالص با شر ویرانگر روبرو می شود، یک برخورد قدرت رخ می دهد. خدا در برابر شیطان یک واقعیت پنهانی است که در تمام کتاب مقدس و در طول تاریخ جهان ما نشان داده شده است. و به همین دلیل است که برای ما مهم است که خود را بهتر با این حقیقت کهن و معاصر آشنا کنیم.



فصل دوم

Chapter-2

قدرت برخورد در کتاب مقدس

Power Encounters in the Bible

از ابتدا تا به امروز، ما می آموزیم که خدا حاکم است و در عدالت حکم می کند. علیرغم آنچه با secular humanists مفروضات ضد ماوراء طبیعی خود ممکن است بیاموزند، نباید از او غافل شد. مهم است که ما خود را با سوابق کتاب مقدس مربوط به زمان های مهم در طول تاریخ که خدا نشان داده است که بر تخت سلطنت است و قدرت خود را هنگام رویارویی با شیطان نشان داده است، آشنا کنیم. روایت های زیادی از برخورد او با شر وجود دارد. موارد زیر را متذکر می شویم:

- ما از طغیان در بهشت از جانب یک موجود فرشته ای عالی می خوانیم که غرور و شهوت قدرت را در پیش گرفت و یک سوم فرشتگان را به بیراهه کشاند. او جنگ خود را با خدا در بهشت شکست داد و به زمین انداخته شد. (Revelation 12) در کتاب آغازین [پیدایش] داستان غم انگیز اولین مرد و زنی را می خوانیم که شخصیت خدا را زیر سوال بردند و در کلام او تردید کردند. این منجر به اختلال روحی در رابطه نوع بشر با خدا و سپس مرگ فیزیکی شد. (Genesis 3)

- وقتی انسان ها شروع به تکثیر کردند، می خوانیم که افکار انسان ها پیوسته شیطانی بود و زمین پر از خشونت بود. خدا انتخاب کرد که همه آنها را به استثنای یک مرد عادل، نوح، و خانواده اش محو کند. (Genesis 6) نسل ها بعد، وقتی همه انسان ها به یک زبان صحبت می کردند و برای تعالی خود تا آسمان عمل می کردند، از دادن جلال به خدا که به درستی سزاوارش بود، امتناع کردند و برای ساختن شهری و ایجاد نامی برای خود توطئه کردند. خدا آنها را در سطح زمین پراکنده کرد و زبانها را به آنها آشفستگی داد. (Genesis 11).

- حدود چهار هزار سال پیش، خداوند مردی با ایمان به نام ابراهیم را انتخاب کرد تا ملتی را بسازد که به او وفادار باشد، که وسیله ای برای بازگرداندن همه مردم به سوی خود

خدا باشد. (Genesis 12) صدها سال بعد، وقتی آن ملت مرتد شدند، خواهیم دید که خداوند با آنها نیز چگونه رفتار کرد.

- به روش منحصر به فرد خود، خداوند قوم اسرائیل را تشکیل داد در حالی که آنها توسط بزرگترین ملت روی زمین در آن زمان، یعنی مصر، برده بودند. در آنجا، خدا با «خدایان» مصری‌ها در ده رویارویی با قدرت دراماتیک، که جهان تا به حال هرگز مانند آن‌ها را ندیده بود، پذیرفت (Exodus 3:7-12:42)

- هنگامی که زمان فرا رسید، تحت رهبری Joshua، خدا با تمام «خدایان» قوم کنعانی در سرزمینی که قرار بود بعداً به اسرائیل داده شود (کتاب Joshua) به چالش کشیده شد.

- در روزگار داوود (حدود 1000 سال قبل از میلاد) بود که خداوند از این پادشاه مسح شده برای جنگ با همه استفاده کرد.

ملتهای اطراف اسرائیل که مخالف خدا بودند و از ادیان و بتهای خود پیروی می کردند. (Exodus 3:7-12:42) توسط داوود با الهام از روح القدس سروده شد. در آن، خداوند برای همه صاحبان قدرتی که خود را به مخالفت با خدا و پادشاه مسح شده او می کشیدند، یک چالش فرستاد:

چرا ملت ها خشمگین می شوند و مردم توطئه بیهوده می کنند؟ پادشاهان زمین بر ضد خداوند و مسح شده اش مشورت می کنند و می گویند: «بندهای ایشان را بشکنیم و ریسمان های ایشان را از خود دور کنیم.»

آن که در آسمان می نشیند می خندد؛ خداوند آنها را به تمسخر می گیرد. آنگاه با خشم خود با آنها سخن خواهد گفت و آنها را در خشم خود خواهد ترساند و خواهد گفت: «اما من پادشاه خود را بر صهیون نهادم.

تپه مقدس من. »

من [داوود] درباره حکم خواهم گفت: خداوند به من گفت: «تو پسر من هستی. امروز تو را به دنیا آوردم از من بخواهید تا اقوام را میراث شما و اقصای زمین را ملک شما کنم. با میله ای آهنین بر آنها حکومت خواهی کرد و آنها را مانند ظرف کوزه گری تکه تکه کن. »

اکنون ای پادشاهان، عاقل باشید. ای فرمانروایان زمین هشدار دهید. خداوند را با ترس خدمت کنید و با لرز شادی کنید. پسر را ببوس، مبادا خشمگین شود و تو در راه هلاک شوی، زیرا خشم او به سرعت شعله ور می شود. خوشا به حال کسانی که به او پناه می برند.

این پیشگویی دو کاربرد دارد: یک کاربرد نزدیک که در مورد خود داوود به کار می رود و دیگری کاربرد دور که در مورد عیسی ناصری که «پسر داوود» نیز نامیده می شود، صدق می کند. اما او همچنین با توجه به زندگی پیش از تجسد با پدر آسمانی اش «پسر خدا» نامیده می شود.

• در قرون بعدی پس از دوران داوود و سلیمان، گاه شماری کتاب مقدس از شورش (با استثنائات نادر) توسط پادشاهان اسرائیل و نحوه رفتار خدا با آنها در حاکمیت خود وجود دارد. در انجام این کار، او از ملل بت پرست اطراف برای تنبیه مردم سرکش خود استفاده کرد.

• اما خداوند نیز به موقع با آن ملل بت پرست در مورد قیام خود علیه خدا و روی آوردنشان به بت ها برخورد کرد. شما در اشعیا، ارمیا و حزقیال نبی ها گزارشاتی را خواهید یافت که چگونه خداوند بر آنها حاکمیت خود را اعمال کرد. در زیر فهرستی از آن ملت هایی است که مانند اسرائیل آموختند که خدا مورد تمسخر قرار نمی گیرد: آشور، بابل، سوریه، صور، صیدا،

دمشق، موآب، عمون، فلسطین، ایران، و یونان. او بارها و بارها، قرن به قرن، قدرت خود را نشان داده است.

تاریخ کتاب مقدس با آمدن شگفت انگیز عیسی، به عنوان پسر خدا بر روی زمین، و بهره برداری های رسولان او در انتشار خبر خوش عیسی و پادشاهی او به پایان می رسد. با ریزش روح القدس در پنطیکاست و پس از آن ضبط خدمات شگفت انگیز رسولان عیسی، کتاب مقدس به پایان رسید. از آن نقطه به بعد، کتاب مقدس همیشه «کتاب موردی» مطالعات ما برای راهنمایی در زمان ما بوده و خواهد بود. لطفاً به دو مرجع مهم در این موضوع توجه کنید: «الان این چیزها برای آنها به عنوان نمونه اتفاق افتاد، اما برای تعلیم ما مکتوب شده است» (1 Chronicles 11:1-20:8) و « زیرا آنچه در دوران پیشین نوشته شده بود برای تعلیم ما نوشته شده بود.».

همانطور که این فصل را به پایان می‌رسانیم، درسی که می‌خواهیم برای شما بگذاریم این است: خدای پدر مهربان ما بر تخت است و به طور مقتدرانه حکومت می‌کند. ما این تاریخچه گسترده این «مطالعات موردی» را در برخورد با جهان کتاب مقدس به عنوان پادزهری برای سکولاریزاسیون فزاینده ای که غرب را فرا گرفته است و تا حدی بر تلاش های مأموریت مسیحی ما، به ویژه در مورد این حوزه از اسلام عامیانه تأثیر گذاشته، استناد کرده ایم. .

رویارویی با قدرت یک واقعیت مداوم و ثابت است که هر مسیحی چه متوجه باشد چه نداند، درگیر آن است. یا مسیح از طریق شاگردانش در سراسر جهان پیشروی می کند یا آنها در حال عقب نشینی هستند. حد وسطی وجود ندارد. نبرد دائمی است، درگیری بی وقفه، دشمن روحانی ما بی امان است، و با این حال خدای ما در تلاش، مراقبت و کار دائمی خود به نفع ما و برای جلال خود، "نه می خوابد و نه می خوابد" (Psalm 121:4b).

در این صورت، درک گسترده تر و عمیق تر از انواع عقاید و اعمال غیبی که در کتاب مقدس ثبت شده‌اند، به تعمیق درک ما از آنچه که با پیشرفت در تجهیز بهتر برای این درگیری با آن روبرو خواهیم شد، کمک می‌کند.



فصل - سوم

Chapter-3

نمونه هایی از اعمال غیبی

در سرتاسر تاریخ کتاب مقدس

Examples of Occultic Practices

Throughout Biblical History

اصول جهان بینی کتاب مقدس ما را به خاطر بسپارید. شیطان، دشمن مرگبار خدا و انسان، وجود دارد که اولین مادر و پدر ما، آدم و حوا را به مرگ معنوی و بیولوژیکی کشاند. تاکتیک های او این بود که در مورد شخصیت خدا و درستی کلام خدا شک و تردید ایجاد کند (Genesis 3).

انسانها در بیگانگی خود از خدا، به دلیل سرکش بودن، در تلاش برای یافتن پاسخ نیازهای خود، یعنی نیازهای روحی، جسمی، عاطفی و روانی، به دنیای غیبی یعنی دنیای ارواح دیگر روی آوردند. ما به کتاب مقدس باستان خواهیم رفت، متونی که در یک دوره پانزده صد ساله نوشته شده اند، از موسی (1400 قبل از میلاد) تا یوحنا رسول (100 پس از میلاد). در آنجا متوجه می شویم که در طی این قرن ها، مردم خدایان خود را خلق کردند که با تصاویر دست ساز چوب، سنگ و فلز نشان داده می شد، و با انجام این کار، انواع اعمال شیطانی را اختراع کردند که به موجب آن تحت قدرت شیطان، شیطان قرار گرفتند: "تمام جهان در قدرت شیطان نهفته است" (1 John 5:19).

اکنون بیایید در کتاب مقدس قدم بزنیم و برخی از انتخاب ها را مرور کنیم و در عین حال به نقش شیطان و بسیاری از اعمال غیبی که مردم را تحت قدرت شیطان و شیاطین قرار دادند اشاره کنیم:

- Job 1:6-12 شیطان اجازه یافت تا ایوب را بیازماید. این شامل نابودی خانواده اش، از بین بردن تمام دارایی هایش، از بین رفتن سلامتی خودش و حتی توصیه های شیطانی همسرش بود.

- در Genesis 31:19 داستان یعقوب، در حالی که آنها در حال آماده شدن برای فرار بودند، همسرش راحیل خدایان خانواده پدرش را دزدید.

- Genesis 41:8 در دربار فرعون جادوگرانی بودند.
- Exodus 7-12 در سرزمین مصر، مردم رودخانه نیل، قورباغه ها، پشه ها، مگس ها، دام های خود، سلامتی، تگرگ، ملخ، خورشید را می پرستیدند و در نهایت به خدایی شدن فرعون ایمان آوردند.
- Exodus 7:11 فرعون جادوگران خود را فراخواند.
- Deuteronomy 4:19 فرهنگهای اطراف بنی اسرائیل خورشید، ماه و ستارگان را می پرستیدند.
- Deuteronomy 7:5 فرهنگهای اطراف اسرائیلی ها در عبادت خود، محراب ها، ستون ها، توتم ها و تصاویر حکاکی شده ای را که نماد باروری بود، گنجانده بودند.
- Deuteronomy 16:21 به اسرائیل دستور داده شد که درختان مقدس را برپا نکند.

⁴ به یاد داشته باشید که شیطان یک ویرانگر است.

- 1 Samuel 15:23 همانطور که به شائول پادشاه گفته شد، «زیرا طغیان گناه پیشگویی است... کلام خداوند را شما رد کرده اید.»

- 1 Samuel 28 پادشاه از یک جادوگر استفاده کرد تا جلسه ای ترتیب دهد و سموئیل نبی را از مردگان بازگرداند.

- 1 Chronicles 21:1 شیطان داوود را برانگیخت تا از افراد مبارز خود سرشماری کند.

- 2 Kings 17:17 اسرائیل نزد پیشگویان و جادوگران آمد و فرزندان آنها را به عنوان قربانی برای خدایان خود در آتش سوختاند.

- 2 Chronicles 33:3-6 - Manasseh، پادشاه یهودا «مقام‌های بلند [زیارتگاه‌ها] را بازسازی کرد، قربانگاه‌هایی برای Baals برپا کرد و آشروت [totems برای الهه باروری زن] ساخت، و تمام لشکر [ستارگان] بهشت را پرستش کرد. آنها خدمت کرد ... پسرانش را به عنوان قربانی سوزاند ... و از فال و فال و سحر و جادو استفاده کرد، با رسانه ها و قاتل ها برخورد کرد.
- [کسانی که سعی می کنند با مردگان ارتباط برقرار کنند]».

- Matthew 4:1-11 این قسمت برخورد عیسی با شیطان را در بیابان توصیف می کند.

- Matthew 8:16 بسیاری را که تحت ستم دیوها بودند نزد [عیسی] آوردند، و او ارواح را با کلامی بیرون کرد و همه بیماران را شفا داد.»

⁵ این در زمان سقوط پادشاهی اسرائیل، در حدود 722 قبل از میلاد اتفاق افتاد.

- Luke 13:11-13, 16 «زنی بود که هجده سال روحیه ناتوانی داشت. او خم شده بود و نمیتوانست خود را راست کند... و [عیسی] دستهای خود را بر او گذاشت و بلافاصله راست شد و خدا را تمجید کرد. هنگامی که او را به خاطر انجام این معجزه در روز سبت مورد انتقاد قرار دادند، او در پاسخ گفت: «نباید این زن، دختر ابراهیم باشد که شیطان او را به او بسته است.»

هجده سال، از این پیوند رها شده‌ای؟»

- «شیطان قبلاً آن را در قلب یهودای اسخریوطی، پسر شمعون قرار داده بود تا خیانت کند. [عیسی]... شیطان در او وارد شد.

- Acts 8:5-7 Philip به شهر Samaria رفت... صدای او را شنیدند و علایمی را که انجام داد دیدند. زیرا ارواح ناپاک [دیوها] که با صدای بلند فریاد می زدند، از بسیاری از کسانی که آنها را داشتند بیرون آمدند، و بسیاری از افراد فلج یا لنگ شفا یافتند»

- Acts 19:18-20 «همچنین بسیاری از کسانی که اکنون ایمان آورده بودند، آمدند، اعتراف کردند و اعمال [شیطانی] خود را فاش کردند. و تعدادی از آنان که به جادو مشغول بودند، کتابهای خود را گرد آوردند و در نزد همگان سوزاندند. و ارزش آنها را شمردند و دریافتند که به پنجاه هزار قطعه نقره می رسد. بنابراین کلمه خداوند همچنان افزایش می یافت و با قدرت پیروز میشد. »

• 1 Corinthians 10:19-21 - Apostle Paul جوانان ایماندار به مسیح را یافت که

قبل از آمدن به مسیح پیوند خود را با اعمال بت پرستی که بخشی از زندگی آنها بود قطع نکرده بودند. در اینجا از او نقل می کنیم:

آن وقت من به چه چیزی اشاره می کنم؟ اینکه غذایی که به بت ها عرضه می شود چیزی است یا اینکه بت چیزی است؟ نه، منظورم این است که مشرکان آنچه را قربانی می کنند به شیاطین تقدیم می کنند نه به خدا. من نمی خواهم شما با شیاطین شریک شوید. شما نمی توانید جام خداوند و جام شیاطین را بنوشید. شما نمی توانید از سفره خداوند و سفره شیاطین شریک شوید.

در این مرور مختصر و گزینشی اعمال غیبی و نقش شیطان در طول تاریخ کتاب مقدس، درس های زیادی وجود دارد که می توانیم خود را برای کار در میان مسلمانان عامیانه آماده کنیم. به یک معنا، "زیر افتاب چیز جدیدی نیست. (Ecclesiastes 1:9)" ما امروز نه تنها چیزهای مشابهی را می بینیم، بلکه خواهیم فهمید که بسیاری از اعمال غیبی وجود دارد که در هر مرحله از زندگی مسلمانان عامیانه، از تولد تا مرگ، و حتی پس از مرگ وجود دارد.

به همین دلیل است که ما انجیل، بشارت عیسی مسیح را برای مواجهه و رهایی مسلمانان از فریب ها، دروغ ها و تاریکی های شیطان می آوریم که قلب و زندگی آنها را به گونه ای فرا می گیرد که بدون کار روح القدس نمی توانند درک کنند. و همچنین به همین دلیل است که توبه - روی گردانی نه تنها از اعتقادات اسلام ارتدکس، بلکه از تمام اضافات مختلف نهفته در فرهنگ ها و مردمان کهن - بسیار ضروری است و برای دستیابی به درک روشن و در آغوش گرفتن آزادی که در آن وجود دارد بسیار مهم است. تنها در مسیح یافت می شود.



فصل- چهارم

Chapter-4

آماده شدن برای خدمت

در نور مأموریت عیسی

Preparing for Ministry

in the Light of Jesus' Mission

عیسی خدمت خود را با این کلمات آغاز کرد: «توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک است» (Matthew 4:17). چیزی که او در آغاز نگفت این بود که او پادشاه است. ضمناً در این اعلام وضعیت واقعی نوع بشر است. گناه اولیه بشریت که توسط آدم و حوا مرتکب شد، در اصل تصمیمی بود برای مستقل شدن از خدا و نه وابسته شدن به آن. اومانیزم سکولار، در اصل، شورش علیه کنترل دیگری (خدا) و میل به کنترل خودمختار خود است: به جای تمجید و پرستش خالق خود، جلال و حتی خدایی کردن خود. این شورش، این استقلال، «طبیعت گناه» موروثی ماست. آدم و حوا، با قطع مشارکت با خدا - منبع همه زندگی، روحی و جسمی - از نظر روحی و جسمی مردند. این وضعیت همه ما را در آنچه کتاب مقدس "تاریکی" و "مرگ" می نامد زندانی کرد.

کلمه «توبه» از مردان و زنان می‌خواهد که خود را در ارتباط با خدا تغییر دهند، یعنی تمایل خود به خودمختاری را کنار بگذارند و به شراکت با خدا بازگردند و از حکومت و کنترل او استقبال کنند و پذیرای آن باشند.

راه دیگری که عیسی مأموریت خود را اعلام کرد این بود که: «من نور جهان هستم. هر که از من پیروی کند در تاریکی راه نخواهد رفت، بلکه نور حیات خواهد داشت.»

(John 8:12) - Apostle Paul این را به خوبی درک کردند و در توضیح خدمت خود گفت که او فرستاده شده است تا «چشمان [غیر یهودیان] را باز کند تا از تاریکی به روشنایی و از قدرت شیطان به خدا روی آورند». (Acts 26:18)

این تاریکی روحانی است و گناهکاران را تحت قدرت شیطان قرار می‌دهد. فقط یک یادداشت مجدد در مورد تأثیر اومانیزم سکولار: همه کسانی که از طریق عیسی مسیح با خدای زنده مشارکت ندارند، چه باور داشته باشند یا نه، به طور پیش فرض تحت تأثیر شیطان هستند. سخنان یوحنا رسول را به خاطر بسپارید، "تمام جهان در قدرت شریر است"

(1 John 5:19) اکنون، با بازگشت به شرح آغاز خدمت عیسی، می‌خوانیم که عیسی پس از غسل تعمید خود، با قدرت خداوند به جلیل بازگشت. او در کنیسه خانگی خود در ناصره، با فراخوانی طومار اشعیا، این قطعه را برای کسانی که در آنجا جمع شده بودند خواند: «روح خداوند بر من است، زیرا او مرا مسح کرده است تا به فقرا بشارت دهم. او مرا فرستاد تا اسیران را آزادگی و برای نابینایان بازیابی بینایی اعلام کنم، تا مستضعفان را آزاد کنم، تا سال لطف خداوند را اعلام کنم» (Luke 4:18-19)، به نقل از (Isaiah 61:1-2). پس از خواندن این کلمات، "عیسی شروع به گفتن کرد: "امروز این کتاب مقدس در شنیدن شما محقق شد". (Luke 4:21). به این فکر کنید: هفتصد سال قبل از اینکه او به شکل جسمانی به زمین بیاید، روح عیسی این کلمات نبوی را به Isaiah گفت. بیایید به هر نکته از این پیشگویی بپردازیم:

▪ روح خدا بر او بود و او را قادر می ساخت تا کاری را انجام دهد که فقط خدا می توانست انجام دهد.

Isaiah⁶ پیامبری بود که هفتصد سال قبل از میلاد مسیح می زیست.

▪ او توسط روح خدا برای مأموریت ویژه خود مسح شد. کلمه مسح در زبان عبری است

«مسیح» و به یونانی «کریستوس».

• مأموریت او این بود که در گفتار و عمل این خبر شگفت انگیز را اعلام کند که نجات برای همه کسانی که به او ایمان دارند رسیده است.

▪ این «مژده» برای فقرا است، کسانی که راهی برای نجات خود نداشتند. مسیح نجات دهنده از بهشت آمد تا ما را نجات دهد.

- «آزادی اسیران» راهی معنوی برای توضیح این موضوع است که کسانی که ایمان آورده اند از حکومت، سلطه و قدرت شیطان بیرون آمده و به عنوان شهروندان ملکوت خدا به آزادی و آزادی رسیده اند.

- «بازیابی بینایی» هم از نظر جسمی در بینایی به نابینایان انجام شده است، بلکه به صورت عمیق‌تر، به کسانی که در فریبکاری بزرگ زیر خدایان دروغین، یعنی شیاطین، بصیرت، درک و حقیقت می‌بخشیدند.

- منظور از «مظلومان» کسانی نیست که تحت ستم سیاسی ظالم قرار گرفته اند، بلکه به کسانی اطلاق می‌شود که توسط شیاطین و علائم جسمانی ناشی از آنها عذاب دیده اند.

- «سال لطف خداوند» یک عبارت بسیار گسترده است که به این عصر کنونی اشاره دارد که نجات برای میلیون‌ها نفری است که به خبر بزرگ قربانی شگفت‌انگیز مسیح بر روی صلیب برای گناهان همه کسانی که ایمان دارند پاسخ می‌دهند. در او و محبت و اطاعت او.

- در فرصتی دیگر، عیسی در مورد مأموریت خود اینگونه توضیح داد: «زیرا خدا جهان را چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی داشته باشد. زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند، بلکه برای اینکه جهان به وسیله او نجات یابد» (John 3:16-17).

اگرچه خدا به عنوان خالق مقتدر ما حق دارد از این جهان به عنوان قاضی بازدید کند (و این در آخرالزمان اتفاق خواهد افتاد)، او ابتدا انتخاب کرده است که عاشقانه از دنیای ما دیدن کند. یوحنا رسول به ما یادآوری می کند که ذات اساسی خدا محبت است (1 John 4:8, 16).

این عصر فضل است. عیسی مردی بسیار دلسوز بود. متی در مورد خدمت خود در جلیل با این کلمات نوشت:

و عیسی در تمام شهرها و روستاها رفت و انجیل ملکوت را بشارت داد و هر بیماری و هر رنجی را شفا داد. وقتی جمعیت را دید، بر آنها دلسوزی کرد، زیرا آنها مانند گوسفندان بی شبان آزار و اذیت و درمانده بودند. سپس به شاگردان خود گفت: «درو زیاد است، اما کارگران اندک. پس از خداوند درو صمیمانه دعا کنید تا کارگرانی را برای درو خود بفرستد» (Matthew 9:35-38).

پیش از این، ما قبلاً در مورد "خبر خوب" حضور پادشاه در شخص عیسی اظهار نظر کرده ایم. این کیفیت شفقت اوست که می خواهیم توجه را به آن جلب کنیم. او مردان، زنان و کودکان را دید که هم توسط انسان ها و هم از سوی شیاطین مورد آزار و اذیت قرار می گرفتند – ناتوان از نجات خود. او در خدمت خود «هر بیماری و هر رنجی را شفا می داد» (Matthew 4:23).

تصور کنید که یکی از شاگردان او هستید. آنها شاهد این معجزات رهایی از بیماری و شیاطین بودند. در زمان مناسب، عیسی قدرت و قدرت نام خود را به آنها داد تا همین کار را انجام دهند. و این کار را کردند! سوال داغ امروز ما این است که آیا عیسی هنوز این شفاهای

و رهایی معجزه آسا را از طریق شاگردانی مانند ما انجام می دهد؟ اگر تحت تأثیر آموزه های اومانیست های سکولار قرار گرفته اید - اشتباه - پاسخ منفی است. اگر شما یک جهان بینی کتاب مقدس - حقیقت - را پذیرفته اید، پاسخ مثبت است.

یک سوال مرتبط این است: "این شفاها و رهایی چه ربطی به شیطان دارد؟" جواب همه چیز است! دلیل ظهور پسر خدا این بود که اعمال شیطان را از بین ببرد. (1 John 3:8b)

با این درک مبتنی بر حقیقت و کتاب مقدس به عنوان پایه ما، زمان آن فرا رسیده است که توجه خود را به طور خاص بر اسلام متمرکز کنیم، هم شکل به اصطلاح ارتدوکس این دین و هم رویه های رایج اسلام عامیانه - شکل غیر متعارف



فصل- پنجم

Chapter-5

اسلام ارتدوکس به عنوان میزبان طبیعی برای اسلام عامیانه

Orthodox Islam as a Natural Host for Folk Islam

همانطور که ما شروع به بررسی رابطه اسلام عامیانه با اسلام ارتدوکس می کنیم، حقایق خاصی وجود دارد که باید آنها را در نظر داشته باشیم. به یاد داشته باشید، ما در منطقه ای از جنگ معنوی بین دو وفاداری متضاد برای روح انسان ها هستیم. اجازه دهید برخی از باورهای اساسی مسیحیت خود را در حین ورود به این مطالعه مرور کنیم. دلیل این امر خطر فریب خوردن توسط استاد فریبکار شیطان است.

- 2 Corinthians 11:14-15 «زیرا حتی شیطان خود را به صورت فرشته نور در می آورد. پس جای تعجب نیست که بندگان او نیز خود را به بندگان عدالت مبدل کنند».
- John 14:6 «عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر نمی آید مگر به وسیله من».
- Acts 4:12 "در هیچ کس دیگری نجات نیست، زیرا هیچ نام دیگری در زیر بهشت به مردم داده نشده است که باید به وسیله آن نجات پیدا کنیم".

- 1 Peter 3:18 «زیرا مسیح نیز یک بار برای گناهان رنج کشید، عادلان برای ستمکاران، تا ما را به خدا بیاورد، در جسم کشته شد اما در روح زنده شد».

7-در فصل 7- چپتر تعریف شده

- Hebrews 10:19, 22 «بنابراین، برادران، چون اطمینان داریم که با خون عیسی، از راه جدید و زنده وارد مکان‌های مقدس می‌شویم... بیایید با قلبی واقعی و با اطمینان کامل از ایمان نزدیک شویم».
 - Acts 1:8 «اما هنگامی که روح القدس بر شما نازل شد، قدرت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود... تا انتهای زمین».
 - 1 Corinthians 6:19-20 «یا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس در درون شماست که از جانب خدا دارید؟ شما از آن خود نیستید، زیرا [به وسیله خون گرانبهای عیسی] به بهایی خریده شدید. پس خدا را در بدن خود تسبیح کنید».
- اکنون می‌توانیم با اطمینان از شناخت و درک خود از این حقایق تغییر ناپذیر، به شکل‌گیری اسلام از طریق بنیان‌گذار آن، محمد بنگریم. بیایید ببینیم چگونه شروع شد.
- محمد به عنوان مردی متفکر به غاری در کوه‌های بالای پترا عقب نشینی می‌کرد. یک روز یک روح-

از دور ظاهر شد و به محمد امر کرد که بخواند. ترسیده بود و جوابی نمی داد. روح وجود
نصف فاصله نزدیکتر شد

و دوباره به او دستور داد که بخواند. محمد هنوز جواب نداد. آنگاه آن روح نزد محمد آمد و
او را چنان فشار داد که به سختی توانست.

8- اشاره به حضور در محضر خداست.

9- نه مکه: به پیوست الف مراجعه کنید.

آنقدر او را سخت کرد که به سختی نفس کشید و همان فرمان را تکرار کرد. محمد خود را به کنترل روح سپرد و شروع به تلاوت کرد. هنگامی که روح خارج شد، محمد با وحشت نزد همسرش به خانه بازگشت و گفت: «فکر می‌کنم جن شده‌ام» (دیو). همسرش به همراه یک راهب «مسیحی» که از خویشاوندانش بود، محمد را متقاعد کردند که روح جن نیست، بلکه فرشته جبرئیل است و آیاتی از جانب خدا برای او می‌آورد. در روزهای بعد، محمد در چندین نوبت، که از این تجربه بسیار ناراحت بود، به کوه رفت و به فکر خودکشی افتاد. سرانجام محمد به اصرار همسرش دوباره با آن روح-وجود ارتباط برقرار کرد و اکنون متقاعد شد که آن فرشته جبرئیل است. همه اسلام با هویت آن روح می‌ایستد یا سقوط می‌کند.

در طول زمان، در نتیجه این «مکاشفه‌ها» و همچنین قرار گرفتن در معرض اعمال و اعتقادات مذهبی یهودیان و مسیحیان در محیط خود، محمد سیستم اعتقادات و اعمال مذهبی خود را به نام «ارتدوکس» یا «ارتدکس» توسعه داد. اسلام رسمی در اینجا خلاصه ای از این باورها و اعمال آمده است:

اسلام ارتدکس، به نام ایمان

● ایمان به خدای یگانه که مسلمانان تنها او را می‌شناسند

● اعتقاد به فرشتگان: شامل شیطان و جن (شیاطین) می‌شود.

10 -یکی از علائم مظلومیت شیاطین، احساس خفگی است.

11- نه پدر، نه پسر، و نه روح القدس وجود دارد.

- اعتقاد به چندین پیامبر عهد عتیق و فقط عیسی به عنوان پیامبر.
 - اعتقاد به تورات (تورات)، زبور (زبور) و انجیل (انجیل)، و اعتقاد به اینکه قرآن آخرین کلمه خداوند به نسل بشر است.
 - ایمان به روز قیامت در آخرالزمان.
 - ایمان به احکام خداوند (اعمال اسلام به نام دین).
 - اقرار الایمان به نام شهادت: «لا اله الا الله و محمد رسول الله.»
 - نمازهای رسمی به زبان عربی که صلوات نامیده می شود.
 - صدقه دادن، یعنی دو و نیم درصد از درآمد خود به فقرا، زکات نامیده می شود.
-
- روزه گرفتن 30 روز از سال جنتری مسلمانان به نام صوم.

11-نسخه قرآنی پیامبران تحریف شده یا در بسیاری از موارد صرفاً نام آنها را ذکر می کند

12-قرآن با تکرار مطالبی از تورات، مهمترین مطالبی را که به درک واقعی دعوت ابراهیم می دهد و همچنین هیچ اشاره ای به عید فصح در روزگار موسی نمی کند. هیچ تصویری از یک مزمور وجود ندارد و فقط اشاره های اندکی به پیامبران کتاب مقدس دارد.

این ارتباطی را ایجاد نمی کند که عیسی به عنوان قاضی باز خواهد گشت.

اینها تکرارهای زیادی دارند

• زیارت مکه یک بار در عمر به نام حج.

• تلاش در راه اسلام به نام جهاد.

در ابتدا، هنگامی که به این بیان عقاید و اعمال اسلامی نگاه می کنیم، این تصور را به دست می آوریم که این یک راه کاملاً مناسب برای ارتباط با خدا (بدون پدر، پسر یا روح القدس) است. اما همانطور که این باورها و اعمال را در پرتو کتاب مقدس، کلام الهام شده خدا بررسی می کنیم، متوجه می شویم که از نظر برخورد با گناه انسان، آشتی با خدا، نیاز به قدرت الهی برای رهبری یک زندگی واقعاً دگرگون شده، کاملاً ناکافی هستند. و مبنایی برای امید به آنچه در آن سوی قبر اتفاق می افتد.

توجه داشته باشید که این کمبودها در نظام اسلامی صدها سال قبل با آمدن عیسی مسیح و نزول روح القدس در زندگی کسانی که با خدا آشتی کرده اند برطرف و برطرف شده است. بگذارید مختصر توضیح دهم:

- سیستم قربانی عهد عتیق با ریختن خون به عنوان کفاره گناهان فقط قربانی عیسی مسیح را به عنوان بره قربانی خدا بر روی صلیب برای گناهان تمام جهان پیش بینی می کرد.

- خون گرانبهای خداوند عیسی مسیح که بر روی آن صلیب ریخته شد، موجب آشتی همه کسانی شد که معتقدند عیسی پسر خداست، و بنابراین، قربانی کفاره او خشم خدا را برای گناه انسان راضی کرد.

- به قیامت او عیسی از مردگان، با شکست دادن مرگ و شیطان، زندگی ابدی را به همه کسانی که به او به عنوان پسر خدا ایمان دارند، تقدیم می کند.

• با ریزش روح القدس بر همه کسانی که ایمان دارند، اکنون در حضور خدای پدر، پسر او و روح القدس برای ابدیت تغییر شکل یافته و آماده می شویم.

هنگامی که عقاید اسلامی را با جزئیات بیشتری بررسی می کنیم، از این که در قرآن می خوانیم هیچ ذکری از خدا به عنوان پدر خالق ما نشده است، وحشت زده می شویم. عیسی تنها به عنوان یک پیامبر انسانی توصیف شده است، نه پسر خدا که بر روی صلیب مرد. و هیچ درکی از اینکه روح القدس کیست وجود ندارد. پولس رسول در زمان خود با موقعیت های مشابهی روبرو شد و در مورد «کسانی که ظاهر خدایرستی دارند، اما قدرت آن را انکار می کنند» نوشت. (2 Timothy 3:5)

وقتی تعلیم واقعی قرآن را بررسی می کنیم، درمی یابیم که اسلام خود را در مخالفت کامل با ترتیبات خداوند برای نجات ما قرار می دهد. در زیر برخی از این انکارهای قرآنی حقیقت خداوند ذکر شده است:

• 4:157-ق «آنها گفتند: «مسیح عیسی، پسر مریم، رسول خدا را کشتیم.»

اما او را نکشتند و مصلوب نکردند، بلکه چنین شد.

برای آنها ظاهر شد.»

• 19:88-92 - ق «آنها می گویند: [خداوند] رحمان پسری به دنیا آورد!»

در حقیقت، شما بسیار وحشتناک ترین چیز را مطرح کردید... که برای

[خداوند] رحمان فرزندی بخوانند. زیرا با عظمت خداوند رحمان همخوانی

ندارد که فرزندی داشته باشد. «

• 9:30 - ق «مسیحیان مسیح را پسر خدا می نامند. این سخنی است که از زبان آنها آمده است. (در این مورد) جز آنچه را که کافران پیشین می گفتند تقلید می کنند. لعنت خدا بر آنان باد؛ چگونه از حق منحرف شده اند.»

• 4:171 - ق «ای اهل کتاب [مسیحیان]، در دین خود اسراف نکنید و به خدا جز حق نگویید. مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلام او که به مریم عطا کرد و روحی برآمده از او بود، پس به خدا و رسولانش ایمان بیاورید. نگویید «تثلیث»؛ دست بردارید که برای شما بهتر است، زیرا خداوند یکتا است، منزّه است او از داشتن فرزند پسر.

• 10:54 - ق «هر کس که گناه کرده باشد، اگر تمام آنچه روی زمین است داشته باشد، او را به عنوان فدیّه خواهد داد».

• 22:37 - ق «نه گوشت و نه خون آنها [قربانی کفار گناهان] به خدا می - ق «به عیسی بن مریم نشانه های روشن دادیم و او را با روح القدس تقویت کردیم.» روح القدس

• در پاورقی این آیه از قرآن کریم ترجمه مولانا محمد علی، 1973، چاپ ششم توضیح داده شده است: «از نظر قرآن کریم، روح القدس فرشته جبرئیل است که وحی می کند... پس عیسی با تقویت روح القدس فقط به این معناست که به او وحی الهی مانند سایر پیامبران قبل از خود داده شده است» ص 40.

بیایید موارد فوق را خلاصه کنیم:

• قرآن تعلیم می دهد که عیسی مصلوب نشد.

قرآن تعلیم می دهد که عیسی پسر خدا نبود.

- قرآن تعلیم می دهد که همه کسانی که معتقدند عیسی پسر خداست، مورد لعنت خدا هستند.

- قرآن تعلیم می دهد که خداوند سه نیست: پدر، پسر و روح القدس. خداوند یکی است و شریکی ندارد.

- قرآن تعلیم می دهد که هیچ کس نمی تواند برای گناه خود فدیة بدهد. در اسلام کفاره وجود ندارد.

- قرآن تعلیم می دهد که خون قربانی نمی تواند کفاره گناه انسان باشد.

• قرآن بر اساس درک مسلمانان دلالت دارد که روح القدس فرشته جبرئیل است

16 - کتاب مقدس اصرار دارد که از ابتدا تا انتها خدا یکی است: پدر، پسر، روح

17 - قربانی های OT پیشگویی از آنچه مسیح به عنوان بره خدا در مصلوب شدن خود از آن گذشت بود.

در پرتو تعالیم کتاب مقدس، اسلام ارتدوکس (یا رسمی) از قدرت دیگر، شیطان است. سخنان پولس رسول را به خاطر بسپارید که مردم می توانند «از تاریکی به نور و از قدرت شیطان به خدا روی آورند...» (Acts 26:18) و به یاد داشته باشید که یوحنا ی رسول در نامه اول خود به مقدسین چه نوشت: "دروغگو کیست جز آن که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ این

دجال است، کسی که پدر و پسر را انکار می کند. هیچ کس پسر را انکار نمی کند، پدر را ندارد. هر که به پسر اعتراف کند پدر را نیز دارد». (1 John 2:22-23)

مطالب فوق توضیح می دهد که چرا اسلام ارتدوکس یا رسمی میزبان طبیعی اعمال غیررسمی یا عامیانه اسلامی است. اسلام ارتدکس از جانب خدا نیست. اعمال اسلامی عامیانه الهام گرفته از همان روح ضد مسیحی است. به عبارت دیگر، هر دو شکل اسلام توسط همان قدرت ضد مسیحی هدایت می شوند که از جانب کسی که عیسی او را به عنوان «حاکم این جهان» توصیف می کند. (John 12:31) است. هر دو راه حل های جذاب و فریبنده ای برای نیازهای هر انسان هستند که فقط خدا در مسیح می تواند آنها را برآورده کند.

قبل از اینکه به تصویر کاملتری از اسلام عامیانه بپردازیم، اجازه دهید نگاهی بیندازیم که چگونه اسلام عامیانه به اصطلاح ایمان (نظام اعتقادی اسلام ارتدکس) و دین (عمال اسلام) را تباه کرده است. ما می گوئیم «فاسد» به این دلیل که نحوه استفاده از این چیزها خارج از آن چیزی است که آموزه های اسلامی واقعاً آموزش می دهند.

¹⁸- یعنی منجی مسح شده خدا به جهان فرستاده شد تا گناهکاران را نجات دهد و به همه کسانی که به او ایمان دارند آمرزش گناهان و زندگی جاودانی بدهد.

ایمان

ایمان به الله. مسلمانان از نام خدا در جادو استفاده می کنند

- ایمان به فرشتگان. برخی از فرشتگان جادو را آموزش می دهند و برخی از مسلمانان به دنبال قدرت شیطانی هستند.
- ایمان به پیامبران. ظاهراً سلیمان بر شیاطین قدرت داشت. همچنین شامل پرستش قدیس و حتی بزرگداشت حضرت محمد می شود.
- اعتقاد به کتاب مقدس. قرآن به عنوان یک کتاب ظاهراً دارای قدرت جادویی برای محافظت از مردم است. از آیات قرآن در تعویذ برای محافظت استفاده می شود.
- اعتقاد به روز قیامت. این به اعمال بسیاری منجر شده است که ظاهراً آمرزش گناهان را تضمین می کند. از تعلیم قرآن و روایات (حدیث) آنچه که محمد گفته و انجام داده است، علاوه بر مطالب قرآن، نظام قوانینی از هر جنبه از رفتار انسان به وجود آمد که شریعت نامیده می شود. فرض بر این است که اگر حسنات مسلمان بر اعمال بد او بیشتر باشد، در روز قیامت به بهشت می رود.
- ایمان به احکام خداوند. در روزهای خاص در سال تقویم مسلمانان تصور می شود که بهشت برای تغییر آینده فرد برای دعاها و ویژه باز است.

دین

- شهادت (عقیده). تکرار آن از شر محافظت می کند.
- صلوات (نماز رسمی). تصور می شود که «وضو» [پاکسازی] آیینی تأثیر شیطانی «آلودگی» را از بین می برد.
- زکات (صدقه دادن). کمک های مالی برای جلوگیری از تأثیر چشم بد دیگران انجام می شود.

- ساوم (روزه دار). این شامل مراسم شفای بیماری های ناشی از ارواح شیطانی است.

- حج (زیارت). از آب مقدس مکه برای شفا استفاده می شود. حتی قربانی های حیوانی برای آمرزش گناهان هنگام زیارت مکه انجام می شود.

نتیجه

نظام اعتقادی (ایمان) و اعمال (دین) بر اساس گفته های یک مرد، محمد است. قرآن، مجموعه رسمی آموزه های او، و مجموعه اضافی از سخنان او و شرح رفتار او در چندین مجلد گرد آمده است که در پرتو مطالب کتاب مقدس که مربوط به نوع بشر است، "احادیث" نامیده می شود. رستگاری، ما را به این نتیجه می رساند که الهام همه این مطالب از جانب خدا نیست، بلکه از «روح ضد مسیح» می آید، و کسانی که خود را به این باورها و اعمال متعهد می دانند تحت قدرت این روح ضد مسیح هستند. . هنگامی که ما به عنوان کارگران مسیحی مژده پادشاهی خداوند عیسی مسیح را معرفی می کنیم، بلافاصله درگیر چیزی می شویم که «برخورد با قدرت» می نامیم - مواجهه با حقیقت و غلبه بر خطا.

حتی زمانی که ما به درک عمیق تری از جهان بینی کتاب مقدس، درک آموزه های قرآن، و ادراک اعمال غیبی در زندگی مسلمانان عامیانه مجهز شده ایم، اینها برای مواجهه با قدرت مقاومت کافی نیست. توسط شیطان سوخت هنگامی که عیسی گفت: "به جز من هیچ کاری نمی توانید انجام دهید" (John 15:5)، منظور او این بود که کاملاً و همه جانبه درست باشد. مسیحیان که مایل به تعامل با مسلمانان هستند، نباید به توانایی های ذهنی خود تکیه کنند، بلکه باید به زندگی عیسی در آنها که توسط روح القدس او قدرت یافته است، تکیه کنند. در این صورت، چه راه هایی وجود دارد که اطمینان حاصل کنیم به مسیح و نه به خودمان تکیه می کنیم؟



فصل – ششم

chaper-6

آمادگی معنوی برای

کار در میان مسلمانان

Spiritual Preparation for Work Among Muslims

در طول زندگی خودم، و تعامل من با برادران و خواهران مسیحی بیشماری در سراسر جهان، تنها فعالیتی که برای خدمت پیروزمندان ضروری است، دعا است. این نقل قول کوتاه توسط جان هنری جووت، بسیاری از چیزهایی را که من آموخته‌ام و می‌دانم در مورد دعا درست است، ترکیب می‌کند:

در میدان دعاست که نبردهای حیاتی باخت یا پیروز می‌شود. ما باید تمام شرایط خود را در آنجا فتح کنیم. اول از همه باید آنها را به آنجا بیاوریم. ما باید آنها را آنجا بررسی کنیم. ما باید در آنجا به آنها مسلط شویم. ما در نماز، دشمنان روحانی خود را به پیشگاه خداوند می‌آوریم و در آنجا با آنها می‌جنگیم... وقتی در میدان نبرد با دنیا و جسم و شیطان می‌جنگیم، پیروزی حتمی داریم.

عیسی وعده‌ها و دستورات باشکوهی در مورد دعا به ما داد، از جمله:

- "اگر چیزی به نام من از من بخواهید، انجام خواهم داد." (John 14:14)

¹⁹- کشیش بریتانیایی، 1863-1923-

- اگر در من می‌مانید و کلام من در شما می‌ماند، هر چه می‌خواهید بخواهید که برای

شما انجام خواهد شد». (John 15:7)

- اگر دو نفر از شما بر روی زمین در مورد هر چیزی که بخواهند توافق کنند، پدر من در آسمان برای آنها انجام خواهد داد" (Matthew 18:19).

این وعده ها نفسم را می بندد! آه، اگر واقعاً باور می کردیم که اینها تا حدی صادق هستند که عیسی می خواهد ما به آنها اعتماد کنیم! بسیاری از نبردها در مأموریت ها و در زندگی مسیحیان، خارج از این «میدان دعا» صورت می گیرد. چه پیروزی هایی ممکن است ببینیم وقتی فعالانه و مداوم خدای خود را در هر کاری که انجام می دهیم درگیر کنیم!

با این اوصاف، در اینجا تعدادی از ویژگی ها، تلاش ها و نگرش های ضروری، خداپسندانه و مسیح مانند (که با دعا شروع می شود) وجود دارد که باید نشانه های شخصیتی و نحوه تعامل ما با دیگران، به ویژه دوستان مسلمان مان باشد:

- واجب ما به دعا ای برادران، آرزوی قلبی من و دعای خداوند برای آنها این است که نجات یابند. زیرا من به آنها شهادت می دهم که برای خدا غیرت دارند، اما نه بر اساس دانش. زیرا چون از عدالت خدا بی خبرند و در صدد استقرار عدالت خود هستند، تسلیم عدالت خدا نمی شوند. زیرا مسیح پایان شریعت است برای عدالت برای هر که ایمان دارد»

(Romans 10:1-4).

دعا کردن در همه حال در روح، با تمام دعا و نیایش. برای این منظور با تمام استقامت هوشیار باشید. « (Ephesians 6:18).

- دستور ما به محبت «همسایه خود را مانند خود دوست بدار»

(Matthew 22:39).

○ "اما من به شما می گویم که دشمنان خود را دوست بدارید"

”(Matthew 5:44).

○ ای عزیزان، اگر خدا ما را [در دادن پسرش بر صلیب] چنین محبت کرد، ما نیز باید یکدیگر را دوست داشته باشیم». (1 John 4:11)

○ به این اراده همه مردم خواهند دانست که شما شاگردان من هستید، اگر به یکدیگر محبت کنید». (John 13:35).

● پاسخ ما به نیازها○

○ آنگاه پادشاه به کسانی که در سمت راست خود هستند می گوید: «بیایید، ای کسانی که پدر من برکت داده‌اید، ملکوتی را که از ابتدا برای شما آماده شده است، به ارث ببرید. زیرا گرسنه بودم و به من غذا دادی، تشنه بودم و به من آب دادی، مسافر بودم و مرا داخل آوردی، برهنه بودم و مرا پوشاندی، مریض بودم و مرا عیادت کردی، در زندان بودم و نزد من آمدی». (Matthew 25:34-36)

○ اما اگر کسی مال دنیا را داشته باشد و برادر خود را نیازمند ببیند، اما دل خود را بر او ببندد، چگونه محبت خدا در او می ماند؟ ای فرزندان، در گفتار و گفتار محبت نکنیم، بلکه در عمل و حقیقت محبت کنیم». (1 John 3:17-18)

○ «مردی ثروتمند بود که لباس‌های ارغوانی و کتان نازک پوشیده بود و هر روز مجلل جشن می گرفت. و در دروازه او مرد فقیری به نام ایلعازر با زخم پوشیده شده بود که می

خواست از آنچه از سفره مرد ثروتمند می افتاد سیر شود. علاوه بر این، حتی سگ ها آمدند و زخم های او را لیسیدند. فقیر مرد و فرشتگان او را نزد ابراهیم بردند. آن مرد ثروتمند نیز مرد و دفن شد و در هادس که در عذاب بود چشمان خود را بلند کرد و ابراهیم را از دور دید و ایلعازر را در کنار او دید. و فریاد زد: «ای پدر، ابراهیم، به من رحم کن، و ایلعازر را بفرست تا انگشت خود را در آب فرو کند و زبانم را خنک کند، زیرا من در این شعله در اندوه هستم!» اما ابراهیم گفت: «فرزند، این را در زمان حیات خود به خاطر بسپار. شما چیزهای خوب خود را دریافت کردید، اما اکنون او در اینجا تسلی یافته است و شما در اندوه هستید. و علاوه بر همه اینها، شکاف بزرگی تعبیه شده است، تا کسانی که از اینجا به سوی شما می روند، نتوانند و هیچ کس از آنها به سوی ما عبور نکند. (Luke 16:19-26)

• احترام ما به دیگران یا «خدا انسان را به صورت خود آفرید». (Genesis 9:6)

"o او مرد تصویر و جلال خداست" (1 Corinthians 11:7)

o هیچ کاری را از روی جاه طلبی یا خودپسندی انجام ندهید، بلکه با فروتنی دیگران را مهمتر از خود بدانید». (Philippians 2:3)

"o به عنوان بندگان خدا زندگی کنید، همه را گرامی بدارید". (1 Peter 2:16b-17a)

• قلب ما برای همه

o زیرا خدا جهان را چنان محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاودانی داشته باشد. زیرا خدا پسر خود را به جهان نفرستاد تا جهان را محکوم کند». (John 3:16-17a)

" o زیرا اراده پدر من این است که هر که به پسر نگاه کند و به او ایمان آورد حیات جاودانی داشته باشد و من او را در روز آخر برخیزانم". (John 6:40)

" o خدای نجات دهنده ما، که مایل است همه مردم نجات یابند و به شناخت حقیقت برسند"
(1 Timothy 2:3b, 4).

o «خداوند در وفای به وعده خود تأخیر ندارد، چنانکه برخی آهسته می‌دانند، بلکه نسبت به شما شکینا است و نمی‌خواهد کسی هلاک شود، بلکه می‌خواهد همه به توبه برسند»
(2 Peter 3:9).

• ثروت طرز برخورد مابا خدا

o از خدا می‌خواهم که نه تنها شما که امروز مرا می‌شنوید مانند من [به فیض خدا نجات یافته] شوید - به جز این زنجیرها" 48. (Acts 26:29)

o مسیح در تو، امید جلال. او را اعلام می‌کنیم و به همه اخطار می‌دهیم و همه را با خرد کامل تعلیم می‌دهیم تا همه را در مسیح بالغ معرفی کنیم. برای این کار کوشش میکنیم و با تمام نیرویی او که در من کار می‌کند مبارزه می‌کنم»
(Colossians 1:27b-29).

o بنابراین که ما مشتاق شما بودیم، آماده بودیم که نه تنها انجیل خدا، بلکه خود خود را نیز با شما در میان بگذاریم، زیرا شما برای ما بسیار عزیز شده بودید»

(1 Thessalonians 2:8).

● سخنرانی مابا دعای فیض وبرکت

و همه توصیف اورا کردند و از سخنان نیکویی که از دهان او بیرون می آمد تعجب کردند"
(Luke 4:22).

○ "گفتار شما صمیمانه وبامهربانی باشد تا بدانید که چگونه باید به هر فردی پاسخ دهید"

(Colossians 4:6).

○ بنده خداوند نباید نزاعگر باشد، بلکه باید با همه مهربان باشد، قادر به تعلیم باشد، شرارت را صبورانه تحمل کند، مخالفان خود را با ملایمت اصلاح کند. خداوند می تواند به آنها بفهماند توبه کند که منجر به شناخت حقیقت شود، و آنها ممکن است به خود بیایند و پس از اسیر شدن توسط او برای انجام اراده خود، از دام شیطان فرار کنند.» (2 Timothy 2:24-26)

● حساسیت ما نسبت به فرهنگ های دیگر»

[Paul's spirit] در وجود او تحریک شد زیرا دید که شهر پر از بت است. پس استدلال کرد

در کنیسه... و هرروز دربازار با کسانی که اتفاقاً آنجا بودند. برخی از

Epicureans and Stoic philosophers نیز با او گفتگو کردند... پس پولس که در وسط Areopagus ایستاده بود، گفت: «ای مردان Athens ، می دانم که شما از هر نظر بسیار مذهبی هستید... او [خدای واقعی] از یک انسان ساخته شده است. هر ملتی از بشریت... که

خدا را بجوبند... زیرا «ما در او زندگی می‌کنیم و حرکت می‌کنیم و هستی داریم» [نقل از شاعر یونانی، Epimenides] همانطور که حتی یک تعداد از شاعران خود شما گفته‌اند: «ما در واقع از او هستیم. فرزندان [نقل از Aratus]. پس از آن‌جا که فرزندان خدا هستیم، نباید فکر کنیم که موجود الهی مانند ... تصویری است که توسط هنر و تخیل انسان شکل گرفته است ... اکنون او به همه مردم در همه جا دستور می‌دهد که توبه کنند»

(Acts 17:16-17, 22, 26a, 28-30).

● انعطاف پذیری پرشور ما

○ چرا که من از همه آزادم، اما خود را خدمتکار همه کرده‌ام تا بتوانم تعداد بیشتری از آنها را به دست بیاورم. من برای یهودیان یهودی شدم تا یهودیان را به دست بیاورم. برای کسانی که تحت شریعت بودند مانند یک نفر تحت قانون شدم (اگرچه خودم تحت قانون نبودم) تا بتوانم کسانی را که تحت قانون هستند برنده شوم. برای کسانی که از شریعت خارج بودند، مانند فردی خارج از شریعت شدم (که خارج از شریعت خدا نبودم، بلکه تحت شریعت مسیح بودم) تا کسانی را که خارج از شریعت بودند به دست بیاورم. برای ضعیفان ضعیف شدم تا ضعیفان را پیروز کنم. من برای همه مردم همه چیز شده‌ام، تا به هر طریق بتوانم برخی را نجات دهم.

همه به خاطر انجیل انجام می‌دهم، تا در برکت آن با آنها شریک باشم»

(1 Corinthians 9:19-23).

● غلبه ما از طریق وابستگی

وقتی [پیتر و یوحنا] از بازجویی خصومت آمیز خود توسط رهبران یهود آزاد شدند، آنچه را که کاهنان اعظم و بزرگان به آنها گفته بودند گزارش دادند. و چون [دیگر مؤمنان] آن را شنیدند، صدای خود را به سوی خدا بلند کردند و گفتند: «پروردگارا... به تهدیدهای آنها بنگر

و به بندگانت عطا کن که سخت را با شهادت تمام به زبان آورند و تو دستت را برای شفا دراز کن و معجزات به نام بنده مقدس تو عیسی انجام می شود بکن.» و چون دعا کردند، مکانی که در آن جمع شده بودند متزلزل شد و همه از روح القدس پر شدند و به گفتن کلام خدا با شهادت ادامه دادند. « (Acts 4:23-24, 29- 31).

بله، می دانم، اگر این لیست به عهده ما گذاشته شود، واقعا غیرممکن است. اما همانطور که عیسی به ما گفت، "برای انسان این غیر ممکن است، اما برای خدا همه چیز ممکن است". (Matthew 19:26) وابستگی کامل ما به او این آزادی را می دهد که سپس تمام این «فیض» را در ما اعمال کند تا در واقع اجازه دهیم نور مسیح همیشه در ما بدرخشد، صرف نظر از آنچه ممکن است با آن روبرو شویم.

این ویژگی ها، این رشته ها، این فعالیت ها و نگرش ها برای تجسم ما بسیار ضروری است، به طوری که وقتی با تنوع باورهای زیادی در اسلام روبرو می شویم که روزانه توسط نزدیک به دو میلیارد پیرو انجام می شود، بتوانیم مانند پولس باشیم. ، "همه چیز برای همه مردم تا به هر طریقی [ما] برخی را نجات دهیم". (1 Corinthians 9:22)

به یاد داشته باشید که خود خدا با ماست. او با روح القدس مقیم خود، قدرت خود را به ما عطا کرده است تا شاهدان جسور و محبت آمیز او در میان آزار دیده ها و درمانده های دنیای تاریک مسلمانان عامیانه باشیم.



فصل هفتم

Chapter-7

مواجه شدن با بسیاری از مذهب های اسلام

Encountering the Many Sects of Islam

همانطور که می توانید تصور کنید، وقتی به طور کلی با اسلام سر و کار دارید، با گروهی از مردم سروکار دارید که تعداد آنها نزدیک به دو میلیارد نفر است. آنها یک گروه مشابه از مردم نیستند. آنها در بسیاری از کشورها زندگی می کنند، از نژادهای زیادی هستند و به زبان های مختلف صحبت می کنند. ما قبلاً هسته سیستم اعتقادی آنها را شرح داده ایم که اکثر آنها مشترک هستند. اما همانطور که در سراسر جهان اسلام سفر می کنید، در کمال تعجب متوجه خواهید شد که انواع مختلفی از مسلمانان وجود دارد. برخی از این گروه ها اصطلاحات کلیدی دارند که با آن خود را معرفی می کنند، مانند سنی ها، شیعیان، صوفیان، احمدیه ها (همچنین به نام احمدی ها نیز شناخته می شوند). گروه های دیگر با اعتقادات یا فعالیت های متمایز شناخته می شوند، مانند جهادی ها، مدرنیست ها، مسلمانان سیاهپوست (در ایالات متحده)، و سپس این دسته گسترده از مردم وجود دارند که در اعمال غیبی که ما آن را «مسلمانان عامیانه» می نامیم، زیاده روی می کنند.

لطفاً توجه داشته باشید: این گروه آخر از مردم خود را مسلمان عامیانه نمی دانند. واقعیت این است که آنها تقریباً در تمام فرقه های نامبرده دیگر نفوذ کرده اند. مسلماً یک مسلمان می تواند به هر یک از فرقه های خاص تعلق داشته باشد، اما بیشتر آنها تمایل دارند با دنیای روحی «دیگر» ارتباط برقرار کنند، و این تلاش آنها را به عنوان «مسلمانان عامیانه» طبقه بندی می کند. برخی از کسانی که اسلام را به خوبی می شناسند تخمین می زنند که هشتاد

و پنج درصد از همه مسلمانان به نحوی فعالانه در این جهان روحی دیگر مشارکت دارند. توصیه می‌کنیم با نام‌ها و ویژگی‌های این فرقه‌هایی که به راحتی قابل شناسایی هستند آشنا شوید.

مسلمانان اهل سنت

سنت در لغت به معنای راه پیموده شده است. آنها بر این باورند که قرآن کلام خداست، و تمایل دارند به مجموعه وسیعی از سنت‌های همه آنچه که محمد گفته و انجام داده است، ایمان بیاورند. این مجموعه‌ها در عربی «حدیث» نامیده می‌شوند. مکاتب حدیثی زیادی وجود دارد. علمای مسلمان از قرآن و روایات، نظام قوانین، همه بایدها و نبایدهای رفتاری را استخراج کرده‌اند.

مجموعاً به قوانین «شریعت» می‌گویند. در زبان عربی کلمه شار در اصل به معنای راه رسیدن به آب بوده است. آنها این را با مفهوم "مسیر زندگی" یکی دانسته‌اند. برای آنها، محمد الگوی زندگی آنهاست. محمد در نزد اهل سنت بسیار مورد احترام است و سخن گفتن علیه او مسئول اعدام است.

مسلمانان شیعه

کلمه «شیعه» در لغت به معنای «حزب» است - به معنای سیاسی «حزب علی»، داماد محمد. هنگامی که محمد درگذشت، سه دوست صمیمی محمد علیه داماد او گروhek کردند و یکی از خود را به نوبت به عنوان جانشین محمد به عنوان رهبر اسلام انتخاب کردند. علی و یارانش هر بار اعتراض کردند و پس از مرگ سه نفر اول، رهبر اسلام شد. او در جنگ توسط بستگان «خلیفه» قبلی (جانشین) کشته شد. شیعیان پس از آن خود را وارث و رهبر برحق می‌بینند

محمد تا به امروز. آنها امام پیشوای خود را «آیت الله» می نامند و معتقدند که او باید رهبر همه مسلمانان باشد. امروزه این رقابت تلخ در شرایط خطرناک ایران (کشوری شیعه) و عربستان سعودی (کشوری سنی مذهب) به نمایش گذاشته شده است. شیعه نیز معتقد است قرآن کلام خداست، اما سنت ها (حدیث) و قوانین (شریعت) خود را توسعه داده اند. شهادت علی و فرزندان حسن و حسین را با ده روز عزاداری سالانه جشن می گیرند. شهادت در راه اسلام برای آنها ارزش بالایی دارد.

مسلمانان صوفی

این گروه بزرگی از مسلمانان هستند که فقط به احکام شرعی اسلام راضی نیستند. آنها خواهان صمیمیت با خدا هستند. به جای عربی برای غیر عرب، می خواهند به زبان مادری خود عبادت کنند. می توان از آنها به عنوان عارف یاد کرد. آنها تمایل دارند که در اطراف یک رهبر "کاریزماتیک" جمع شوند و بیرون از مسجد ملاقات کنند. آنها اغلب شعرهای "عاشقانه" برای خدا می سرایند، اغلب آن را موسیقی می گذارند و می خوانند و حتی می رقصند. برای بسیاری، آرزوی آنها این است که برای خود بمیرند (نابودی) و به دنبال اتحاد با خدا باشند. آنها نسبت به قانون سهل انگاری می کنند و به سمت اعمال غیبی کشیده می شوند. آنها اغلب یک گروه محلی را تشکیل می دهند که حرفه مشابهی دارند یا منافع مشترکی دارند. بسیاری از گروه ها نظمی برای تلاوت برخی کلمات یا عبارات ایجاد می کنند که می تواند ساعت ها ادامه داشته باشد که برای ایجاد خلسه در تلاش آنها برای رسیدن به "اتحاد" با خدا طراحی شده است.

مسلمانان احمدی

میرزا غلام احمد در سال 1835 در هند به دنیا آمد و در سال 1908 در پاکستان درگذشت. او ادعا می کرد که "پیامبر اصلاح طلب" است. مسلمانان ارتدوکس معتقد بودند که هیچ پیامبری پس از حضرت محمد (ص) نیامده است. اعتقادات اصلی این بخش رو به رشد عبارتند از:

- به اصطلاح «قانون ارتداد» لغو شد، یعنی کسانی که از اسلام خارج می شوند باید کشته شوند. تنها مسلمانانی که در جنگ مسلمانان فرار می کنند باید کشته شوند.
- جهاد باید به تبلیغ اسلام تعبیر شود نه دفاع مقدس.

- اسلام با علم مدرن سازگار است

مؤسس میرزا مناظره ای بزرگ و نویسنده ای پرکار بود. مسلک خاص او این بود که او ادعا می کرد مسیح بازگشته مسیحیت، ظهور مهدی - شخصی که در آخرالزمان باز خواهد گشت - و تناسخ خدای هندو، کریشنا، است. این مذهب معتقد است که عیسی بر روی صلیب نمرده است، بلکه او فقط غمگین شد، در قبر زنده شد، به کشمیر مهاجرت کرد و در 120 سالگی در آنجا درگذشت. واعظان در آن منطقه کتاب مقدس را می شناسند و در تفسیر نادرست آن بسیار خوب عمل می کنند. .

مسلمانان عرفی شده

اینها مسلمانانی هستند که به درجات مختلف ایده هایی از تمدن غرب را در خود جای داده اند. آنها ممکن است صبح و عصر نماز بخوانند، اما در سه وقت دیگر نه، یا اصلاً نخوانند. ممکن است در ماه رمضان روزه نگیرند. آنها ممکن است به طور تصادفی یا اصلاً در

نمازهای مسجد در ظهر جمعه شرکت نکنند. و ممکن است در عمرشان هرگز به مکه نروند. اما آنها همیشه خود را در نظر خواهند گرفت

مسلمان هستند و هرگز آرزو نمی کنند که مسلمان نباشند.

آنها معمولاً قوانین رژیم غذایی خود را برای نخوردن گوشت خوک به هر شکلی یا نوشیدن مشروبات الکلی رعایت می کنند، اما استثناهایی وجود دارد.

مسلمانان مبارز

همانطور که می توانید تصور کنید، این مسلمانان هستند که دین خود را بسیار جدی می گیرند. قرآن تعلیم می دهد که همه مسلمانان باید از هر جهت در راه اسلام تلاش کنند: نظامی، آموزشی، موعظه یا استفاده از اهرم های اقتصادی برای پیشبرد امر، و در مواردی که به عنوان گروه اقلیت زندگی می کنند، باید در راه سیاسی تلاش کنند. قدرت. در داخل حضور گسترده اسلام در سرتاسر جهان، ستیزه جویان همچنین علیه مسلمانانی که از تعهد کامل به اسلام منحرف می شوند، جنگ خواهند کرد. بنابراین در حال حاضر نباید از تعداد جنگ هایی که مسلمانان در حال جنگ با مسلمانان هستند تعجب کنید.

مسلمانان سیاه پوست

این گروه در ایالات متحده به عنوان یک جنبش اعتراضی اجتماعی توسط سیاه پوستانی که از تعصبات نژادی و تبعیض به دلیل رنگ پوست خود رنج می برند، برخاسته است. این را از نظر آموزشی، اقتصادی و به طور کلی اجتماعی احساس کرده اند. تأثیر این جنبش، هویتی جدید به سیاهپوستان و ابتکاری برای ظهور با قدرت سیاسی به عنوان جامعه ای کاملاً مشخص با غرور و عزت فراوان است. این جنبش همچنین دریافته است که بسیاری از افرادی که در اصل به عنوان برده به این کشور آورده شده اند مسلمان بوده اند. بنابراین یک عنصر در این حرکت، ایده شناخت ریشه آنهاست.

مسلمانان عامیانه

این گروه بزرگ از مسلمانان با آنچه در عالم ارواح انجام می دهند شناسایی می شوند. عرفی ها رفتار خود را خرافی می نامند و درگیر اعمال بی ضرر هستند. اما کسانی که از جهان بینی کتاب مقدس استقبال می کنند می دانند که در ارتباط با قدرت روح مرتبط با شیاطین و شیطان نقش دارند. این مسلمانان می توانند سنی، شیعه، صوفی و در واقع هر نوع مسلمانی باشند.

نتیجه

حقیقت موضوع این است که همه این چندپارگی به نفع ما به عنوان مسیحیان ماموریت گرا است. ما باید به خاطر داشته باشیم که چرا خداوند از طریق معرفی زبانها در بابل، جمعیت را در سراسر جهان پراکنده کرد. او نه تنها تلاش های آنها را برای تجلیل از خود کوتاه کرد، بلکه با آینده نگری و خرد بی پایان خود، بشریت را از هم پاشید تا زمانی که زمان «رفتن به تمام جهان برای مواعظه انجیل به همه مردمان» فرا رسید، آنها را ساخت. برای بشارت بیشتر قابل دسترس است، زیرا آنها در مخالفت خود با او متحد نبودند.

بنابراین، همانطور که ما خود را مسلمانان خطاب می کنیم، خوشحال باشیم که حتی اگر مسلمانان ممکن است از طریق اسلام در یک سطح متحد شوند، اما حقیقت این است که آنها در واقع از طریق مذاهب و عامل کمک کننده اعتقادات و اعمال عامیانه کاملاً متفاوت هستند.

علاوه بر آن، عیسی حقیقت دیگری را به ما گفت که قدرت و اثربخشی زیادی به همراه دارد: "و من وقتی از زمین بلند شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید" «مسیح و او مصلوب شد» پیام وحدت بخشی است که ما باید به همه مسلمانان بدهیم، صرف نظر از اینکه واقعاً به چه اعتقاد دارند یا به چه فرقه ای تعلق دارند. با این وعده، اکنون باید در نظر بگیریم که چه نوع تحقیق و تکلیفی را برای آماده شدن برای ارتباط با دوستان مسلمان خود انجام دهیم.



فصل هشتم

Chapter-8

همسایه مسلمان خود را بشناسید

Understanding Your Muslim Neighbor

این فصل فرض می کند که شما در میان همسایگان مسلمان زندگی می کنید یا با آنها در تماس هستید. این می تواند اینجا در ایالات متحده باشد، جایی که ما تعداد زیادی مهاجر مسلمان داریم، یا هر کشور دیگری که دارای جمعیت اقلیت مسلمان است، یا در هر یک از پنجاه و یک کشور با اکثریت شهروندان مسلمان.

معمولاً ایجاد دوستی با همسایگان مسلمان خود به زمان نیاز دارد. همانطور که دوستی شما عمیق تر می شود، دوستان شما ممکن است شروع به به اشتراک گذاشتن کارهایی که برای دریافت پاسخ به نیازهای خود انجام می دهند، چه فیزیکی، عاطفی، اجتماعی یا معنوی را با شما انجام دهند. اینها برخی از چیزهایی است که ممکن است بخواهید با آشنایی بیشتر با دوست خود به دنبال آنها باشید و به آنها توجه کنید:

• اعتقادات مذهبی دوست شما چیست؟

بگذارید به شما یاد بدهند. طبق تجربه من، دوستان مسلمانم دوست داشتند به من بگویند که چه اعتقادی دارند. سپس ممکن است بخواهید از آنها بپرسید که چه معنایی برای آنها دارد. نسبت به نیازهای روحی آنها واقعاً هوشیار و حساس باشید. هر سیستمی اعتقادات خاص خود را دارد که آن را منحصر به فرد می کند. مهم است که نسبت به نحوه شناسایی خود حساس باشید. اما در اینجا یک نکته احتیاط وجود دارد: مسلمانان از همه گروه ها محمد را به عنوان آخرین و بزرگترین پیامبر گرامی می دارند. پس مراقب باشید در مورد او بی احترامی نکنید. به عنوان مثال، در پاکستان اگر چیزی منفی در مورد محمد بگویید، ممکن است به زندان بیفتید و اعدام شوید.

• ویژگی های فرهنگ و آداب و رسوم خودشان چیست؟

مراقب باشید که چه چیزی قابل قبول است و چه چیزی باید از آن اجتناب کرد. در میان آنها دوستی پیدا کنید. به عنوان یک غریبه، از نظر فرهنگی "اشتباه" خواهید کرد. تا زمانی که عذرخواهی کنید و سپس از دوستان خود بخواهید راه های خود را به شما آموزش دهند، اشکالی ندارد. اگر یادگیرنده باشید، از شما قدردانی خواهند کرد و دوست دارند به شما آموزش دهند. اما شما باید از روح القدس کمک بگیرید تا به شما قدرت تشخیص معنوی بدهد. شما نمی خواهید گرفتار چیز بدی شوید.

• چه راه هایی وجود دارد که می توانید به آنها کمک و خدمت کنید؟

به دنبال راه هایی برای مفید بودن باشید. هیچ کس هرگز خودکفا نیست. همه ما نیازهای مختلفی داریم: مشکلات سلامتی، انجام وظایف، نیازهای خانگی، خرید، نیازهای عاطفی. وقتی دوستان شروع به اعتماد به شما می کنند، ممکن است بار خود را رها کند. همیشه آماده دعا با آنها باشید. من شخصاً هرگز دوست مسلمانی نداشته ام که نخواست به برای آنها دعا کنم.

به یاد داشته باشید که آنها معتقدند عیسی زنده از صلیب به بهشت برده شد و شما به عنوان یک مسیحی با او در ارتباط هستید و می توانید برای او دعا کنید. آنها معتقدند که عیسی به دعا‌های شما پاسخ خواهد داد.

• اعمال غیبی که آنها انجام می دهند چیست؟

در کارهای عادی روزمره، همانطور که دوستی شما با دوست مسلمان خود افزایش می یابد، متوجه خواهید شد که ممکن است به نظر شما آداب و رسوم عجیب و غریبی باشد که بخشی از عبادت معمول مسلمانان نیست. همانطور که این عادات غیبی را مشاهده می کنید، نه تنها آنها را یادداشت کنید، بلکه سعی کنید به این فکر کنید که چه نیازهایی در زندگی دوستان وجود دارد که آنها را به انجام این کارها سوق می دهد. در فصل های آینده، به جزئیات بیشتر به این مسائل خواهیم پرداخت.

مفکوره آنها برای تغییر چیست؟

این پذیرش یک جنبه الهی دارد و یک جنبه انسانی. در انجیل یوحنا، ما این سخنان شگفت انگیز عیسی را داریم: "هر چه پدر به من می دهد به سوی من خواهد آمد و هر که نزد من بیاید هرگز بیرون نخواهم کرد... هیچ کس نمی تواند به سوی من بیاید مگر اینکه پدری که مرا فرستاد او را بکشد." (John 6:37, 44a) خداوند حاکم است. به همین دلیل است که به

او دعا می کنیم که اراده او بر روی زمین نیز مانند بهشت انجام شود. اما عوامل انسانی وجود دارد که باعث می شود فرد در معرض تغییر باشد.

سال ها پیش، از من خواسته شد که مقاله ای درباره «مقاومت و پذیرش انجیل» بنویسم. این چیزی است که من دریافتم: عامل کلی، از نظر انسانی، که فرد را مستعد می کند تا بتواند عقاید خود را تغییر دهد، استرس شدید در زندگی است. چندین تصویر از آنچه می تواند باعث این استرس شدید شود عبارتند از:

○ آسیب های ناشی از جنگ که منجر به صدمه روحی می شود.

○ پناهنده شدن و از دست دادن تمام سیستم های حمایتی خود.

از دست دادن شغل و درآمد

○ زمان طولانی بیماری و افسردگی.

○ فوت یکی از عزیزان یا طلاق.

○ خشکسالی و قحطی.

○ خیانت یک رهبر مذهبی که قبلاً به او اعتماد داشت.

و شما می توانید بسیاری از عوامل استرس زا را به این لیست اضافه کنید. فقط یک کلمه احتیاط: استرس به طور خودکار باعث نمی شود که کسی پذیرای انجیل باشد. به طور کلی، افراد برای خود یا دیگران استرس ایجاد می کنند. اما در بسیاری از موارد، خدا از استرس استفاده می کند، زیرا مردم را به سمت مسیح می کشاند. در برخی موارد، خدا ابتکار عمل را به دست می گیرد، برای مثال، در نوری کورکننده، در جاده اورشلیم به دمشق به خاخام شائول ظاهر می شود و در نتیجه شائول موقتاً نابینا می شود و سپس تبدیل به تغییر دین می شود.

(Acts 9).

صرف نظر از اینکه استرس عاملی است یا خیر، ترکیبی از شفاعت دعا، میل به جاری شدن عشق مسیح در شما، علاقه فروتنانه به زندگی همسایگان مسلمان خود، و اعتماد قلبی به خدا که در قلب آنها پذیرا است. ، فرمولی است که خداوند آن را گرامی می دارد و شیطان از آن متنفر است.

به اینها توصیه خدا به Joshua اضافه شده است، که مطمئناً قوی است که می توانیم ادعا کنیم و به کار ببریم: «قوی و شجاع باش. نترس و هراسان مباش، زیرا خدایت هر جا که بروی با توست». (Joshua 1:9)



فصل - نهم

Chapter-9

ارتباط گمشده در اسلام

The Missing Connection in Islam

در آغاز، خداوند ما را برای مشارکت با او آفرید. با نافرمانی عمدی آدم و حوا در باغ عدن، و با گوش دادن به دروغ های فریبنده شیطان و عمل به آن، این مشارکت از بین رفت. اگرچه آدم و حوا مدتی به زندگی فیزیکی ادامه دادند، اما مشارکت مستقیم خدا از آنها سلب شد. زوج اول به جای داشتن یک زندگی مشترک زیبا و راه رفتن و صحبت با خدا، قرار بود بدون آن سطح از ارتباط صمیمانه با او به زندگی ادامه دهند. تاریخ اولیه بشریت پر از تراژدی بود. اولین فرزندی که به دنیا آمد، قابیل، معلوم شد که یک قاتل است. (Genesis 4:8)

تمدن بدون وابستگی محبت آمیز به خدا به قدری فاسد شد که به عنوان مردمی توصیف شد که «تمام افکار [آنان] فقط شرارت پیوسته بود... زمین پر از خشونت بود» (Genesis 6:5, 11b).

. پس از قضاوت و نابودی آن توسط یک طوفان جهانی، خداوند با خانواده دیگری شروع کرد، خانواده نوح. با این حال، این نیز یک نسل سرکش بود. خدا آنها را با تقسیم زمین و فرار مردم به هر جهت برای توسعه زبان خود آزار داد. (Genesis 11:7-9)

اخيراً، حدود چهار هزار سال پیش، 21، خداوند مردی با ایمان به نام ابراهیم را برگزید تا قومی به نام عبرانیان را برای خود بسازد و وسیله او برای نجات بقیه نوع بشر باشد. خداوند از طریق موسی 22 به فرزندان ابراهیم قوانین و یک نظام دینی بسیار توسعه یافته بر اساس

قدوسیت خداوند و این مفهوم که انسان گناهکار می تواند با قربانی هایی که شامل ریختن خون است با خدا آشتی دهد به فرزندان ابراهیم داد.

این نظام دینی پیشرفته با قربانی شدن پسر خدا که از بهشت آمد، به عنوان یک انسان تجسم یافت، عیسی ناصری، و بر روی صلیب به عنوان تنها وسیله برای آشتی مردم با خدا به اوج خود رسید. مرگ، رستاخیز و عروج او به بهشت با سرازیر شدن روح القدس خدا بر همه کسانی که از گناهان خود توبه کردند، به عیسی به عنوان پسر خدا ایمان آوردند و او را به عنوان پروردگار و نجات دهنده خود پذیرفتند، دنبال شد. بدین ترتیب، مؤمنان با خدای پدر ما آشتی کردند و دوباره با او مشارکت کردند.

ما برای خدا آفریده شدیم. او ما را به صورت خود آفرید تا بتوانیم با هم شریک شویم. پولس رسول این را به شیوه ای بسیار منحصر به فرد خلاصه کرد: «یا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس در درون شماست که از جانب خدا دارید؟ شما از آن خود نیستید، زیرا به بهایی [خون گرانهای مسیح] خریداری شده اید. پس خدا را در بدن خود جلال دهید»

(1 Corinthians 6:19- 20).

21 2000 قبل از میلاد

22 1400 قبل از میلاد

²³ «زیرا حیات جسم در خون است و من [خدا] آن را برای شما بر مذبح داده‌ام تا برای جانهای شما کفاره شود، زیرا این خون است که به وسیله حیات کفاره می‌کند»

(Leviticus 17:11)

با این همه به کجا می‌روم؟ تمام آموزش های قبلی برای پاسخ به دو سوال ضروری است:

"چرا اسلام؟" و «چرا اسلام عامیانه؟»

به نوعی اسلام به معنای تسلیم (تسلیم در برابر خدا) از حضرت ابراهیم شروع شد. ابراهیم دو پسر داشت: اسماعیل پسر اولش بود که از کنیزی به نام هاجر که کنیز همسرش بود به دنیا آمد. اسحاق، پسر دوم او، چهارده سال بعد به طور معجزه آسایی از همسرش سارا، که در آن زمان حدود نود سال داشت، به دنیا آمد. اسحاق وارث واقعی ابراهیم بود. از اسحاق دو پسر به دنیا آمد، عیسو و یعقوب. شکل گیری قوم یهود از خانواده یعقوب که بعداً اسرائیل نام گرفت رشد کرد.

در زمان عیسی، یهودیان دینی را که موسی به آنها داده بود، تباه کرده بودند. عیسی آمد تا پادشاهی جهانی خدا را معرفی کند. در زمان محمد (570-632 پس از میلاد)، یهودیانی که عیسی مسیح و پیروان مسیحی او را رد کردند، در شهر محمد، پترا، زندگی می کردند. متأسفانه مسیحیان ساکن آنجا نیز با نامیدن مریم مادر خدا، دین خود را تباه کرده بودند. در این محیط مسیحیان و یهودیان یکتاپرست اما خطاکار، محمد پرورش یافت.

محمد توسط روحی عجیب هدایت شد تا یک نسخه عربی از توحید - بدون روح القدس - ایجاد کند. آنچه او خلق کرد هم از یهودیان و هم از مسیحیان به عاریت گرفته شد. در قرآن آمده است که اسلام نه از یهودیان و نه مسیحیان است، بلکه بازایی دین اصلی ابراهیم است. محمد در این کار از اسماعیل به عنوان پیامبر خدا یاد کرد. پولس رسول

24- به پیوست الف مراجعه کنید.

کلمه ای که در نامه او به Galatians آمده است امروز مانند زمانی است که برای اولین بار آن را نوشت: «اما همانطور که در آن زمان او که از بدن متولد شد.

[اسماعیل] او را که بر اساس روح متولد شد [اسحاق] جفا کرد، اکنون نیز چنین است»

Galatians 4:29). 25

در شناسایی ابراهیم از طریق اسماعیل، آنچه محمد در نهایت خلق کرد منجر به نگرش ضد یهودی و ضد مسیحی مسلمانان شد، ریا 5:54a ق. «ای کسانی که ایمان آورده اید [مسلمانان]. یهود و نصارا را دوست و یاور خود نگیرید که آنها دوستان و حامی یکدیگرند».

محمد با رد مسیح به عنوان پروردگار و نجات دهنده بشریت، قدم به قدم، از طریق قرآن همه مردم را به پیروی از او تشویق کرد. آیات زیر از قرآن رشد خودآگاهی او را در مورد اینکه او کیست آشکار می کند:

- در آغاز، محمد به سادگی هشدار داد، 7:188b ق «من فقط هشدار دهنده و بیم دهنده مزده دهند هستم ه».

- محمد یک پیامبر عرب است، 41:44. ق ، «چه!

یک [کتابی] غیر عربی و [پیامبر] عرب».

• قرآن یک کتاب عربی است، 12:2a . ق،

«ما [خدا] آن را به عنوان قرآن عربی نازل کردیم تا شما [مردم عرب] حکمت بیاموزید».

²⁵ - همچنین به Genesis 17:15-21 و Genesis 21:8-14 مراجعه کنید.

• همه پیامبران برابرند، 2:136. ق، «بگویید ما به خدا و وحی که به ما داده شده و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و قبايل و آنچه به موسی عیسی و آنچه از جانب پروردگارشان به پیامبران داده شده است، ما بین یکی از آنها فرقی نمی کنیم».

• محمد به عنوان خاتم الانبیاء اعلام شده است، 33:40. ق، «اما [او] فرستاده است.

الله و خاتم النبیین».

• عیسی ظاهراً آمدن محمد را پیشگویی کرده است، 61:6. ق، «و عیسی بن مریم را به یاد آورید که گفت: ای بنی اسرائیل! من فرستاده خدا به سوی شما هستم و شریعت را تأیید می کنم و به رسولی که بعد از من می آید که نامش احمد است مژده می دهم.» به زبان عربی محمد، یعنی ستوده.

• محمد به عنوان الگوی عالی برای همه مسلمانان معرفی شده است، 33:21. ق، «به راستی که شما در رسول خدا الگوی رفتاری زیبایی دارید».

• مسلمانان به اطاعت از محمد سفارش شده اند، 3:32 ق،

«بگو: از خدا و رسولش اطاعت کنید».

• اگر از محمد پیروی کنید، گناهان شما آمرزیده می شود، 3:31 ق، «بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید: خداوند شما را دوست خواهد داشت و گناهان شما را می بخشد».

• اگر از محمد نافرمانی کنی در آتش جهنم خواهی سوخت، 4:14 ق، «ولی کسانی که خدا و رسولش را نافرمانی کنند و از حدود او تجاوز کنند، در آتشی وارد می شوند که در آن جاودانه اند».

اطاعت از محمد، اطاعت از خداست، 4:80 ق، «کسی که از رسول [محمد] اطاعت کند، اطاعت از خدا کرده است».

همه اینها به بزرگداشت شدید محمد منجر شده است. این به شیوه ای دراماتیک در روستای مسلمان نشین پاکستان به من رسید. ما بخشی از یک تیم پزشکی بودیم که به دنبال کمک به کسانی بودیم که در رنج بودند. پسر جوانی را پیدا کردیم که باید فوراً به بیمارستان منتقل می شد. برای انتقال آنها به بیمارستان از مادر اجازه خواستیم. پاسخ مادر دلخراش بود. گفت: نه، خدا این را خواسته است. از او پرسیدم که این را از کجا آموخته است، پاسخ داد: پدرمان محمد به ما یاد داده است. من هرگز نشنیده بودم که مسلمانی محمد را پدرش خطاب کند.

این باعث شد که فکر کنم اگر مسلمانان از نظر عاطفی خدای واقعی را به عنوان پدر خالق خود شناسند، آن را خلق خواهند کرد. در اسلام آن حضرت محمد است. این باعث شد که فکر کنم برای آنها قرآن، به عنوان کلام فرضی خدا، جایگزین مسیح عیسی شده است. و اگر روح القدس ساکنی وجود نداشته باشد که آنها را راهنمایی کند، راه حل آنها چیست؟ شریعت - قوانین بی پایان در مورد چگونگی انجام هر کاری، بر اساس نمونه یک مرد، محمد.

26- عیسی مسیح به عربی

مسلمانان ناخودآگاه سه گانه گی ویا تثلیث Trinity خود را اختراع کرده اند. مسلمانان به جای خدای یگانه ما - پدر، پسر و روح القدس - تثلیث محمدی را به عنوان کانون محبت خود، قرآن را به عنوان جایگزین عیسی، کلام زنده خدا، و شریعت بر اساس کلمات و شریعت قرار داده اند. اعمال یک مرد عرب قرن هفتم. این مرد آشتی با خدای پدر را از طریق مرگ کفاره پسرش عیسی مسیح رد کرد و از زندگی مملو از روح القدس خدا بی بهره بود. مدتها پیش، در کتاب مقدس نوشته شده بود: "حرف [شریعت موسی] می کشد، اما روح زندگی می بخشد"

(2 Corinthians 3:6).

قانون شرعیت shariah law هم همین کار را می کند. در غیاب کلام راستین خدا و روح خدا، اسلام ارتدکس خلاء را ایجاد کرده است که با ارواح دشمن دیگر خدا پر شده است. پدیده های معنوی ایجاد شده در اسلام عامیانه نتوانسته مشکلات زندگی همه مسلمانان را حل کند. فقط خدای واقعی در مسیح به وسیله روح خود می تواند نیازهای هر قومی را برآورده کند، و در مورد اسلام، کسانی که در زمره مسلمانان عامیانه قرار می گیرند.



فصل - دهم

Chapter-10

تضاد اسلام ارتدکس و عامیانه

Contrasting Orthodox and Folk Islam

"مسلمان عامیانه" عبارتی ابداع شده برای توصیف همه کسانی است که به دنبال قدرت غیبی برای برآوردن نیازهای خود هستند. این نیازها ممکن است فیزیکی، عاطفی، روانی یا معنوی باشند. این افراد ممکن است از افراد حرفه ای ثروتمند و با تحصیلات عالی گرفته تا خدمتکاران روستایی، بی سواد، و هر طبقه ای از افراد در این بین متغیر باشند.

اسلام ارتدکس پاسخی به نیازهایی که در قلب تک تک مسلمانان احساس می شود ارائه نمی دهد. این نمودار تفاوت های بین اسلام ارتدکس و شیوه های اسلامی عامیانه را مشخص می کند.

اسلام ارتدکس	اسلام عامیانه
درباره خدا اظهارات کلامی می کند	قدرت های معنوی را فرا می خواند
نگران خلوص اعتقادی است	نگران کمک اینجا و اکنون هستم
نگران توضیحات	دغدغه راه های حل

توصیفی از موجودات روحانی سلسله مراتبی	به دنبال تماس و دستکاری ارواح است
نگران عزت خدا (خداوند).	به نیازهای شخصی توجه دارد
به دنبال تعریف «حقیقت» است	بسیار تجربی است
نگران "واقعیت های" نهایی	نگران مشکلات روزمره است
با پرستش خدای غیرشخصی مشخص می شود	میل به تماس صمیمی دارد با موجودات روحانی یا "قدرت ها"

در اینجا یک داستان سفر ما از قاهره است، مصر. من و پسر من از مسجد دانشگاه الازهر بازدید کردیم. این دانشگاه مرکز علمیه همه اهل سنت است. هنگامی که مسجد را در زمانی که از ازدحام جمعیت خالی بود، بازدید کردیم، فقط عده ای را دیدیم که به عنوان بخشی از تلاش خود برای جمع آوری فضیلت برای «پرونده» خود در روز قیامت، نمازهای رسمی اضافی را با احترام به خدا می خواندند. هنگامی که از مسجد الازهر خارج شدیم تا از میدان عبور کنیم تا از مسجد سیدنا الحسین بازدید کنیم، مردی جن زده را دیدیم که بسیار کثیف بود و غر می زد و به طرز عجیبی می رقصید. هیچ کس سعی در برخورد با او نداشت. همچنین، در راه، به خیابان های خروجی از میدان نگاه کردیم و دیدیم که آن ها مملو از مغازه هایی بودند که انواع تعویذ، قفل هایی با آیات قرآن برای «حفاظت» آن ها و سایر لوازم برای اهداف جادویی می فروشند.

وقتی وارد مسجد شدیم اولین چیزی که به چشممان آمد قبر حسین نوه محمد بود. در یک محوطه برنجی استادانه و آراسته محصور شده بود که حصارى داشت که از یک گوشه محوطه تا دیوار امتداد داشت. حصار جریان پیوسته مردان و زنان مسلمانی را که برای کمک به نیازهای مختلف خود به سوی محوطه برنجی می آمدند، تقسیم می کرد. برخی فقط می ایستادند و آرام دعا می کردند، برخی دیگر برای دریافت «برکت» دست های خود را بر روی کوره برنجی می مالیدند، و برخی حتی محفظه برنجی را می بوسیدند. همه در مورد کاری که انجام می دادند بسیار جدی بودند.

ما را به دیوار فشار داده بودند و تماشا می کردیم. عمیقاً متأثر شدم. پسر می توانست احساس من را بگوید. بازوم رو گرفت و گفت: بابا اینکارو نکن! او فکر می کرد من می خواهم همانجا در مسجد شروع به تبلیغ کنم. آفرین به قلبش، او می دانست که من می خواهم. فقط کنجکاو، در چنین موقعیتی چه می کردید؟ عیسی وقتی مردمی را دید که آزار و اذیت و درمانده بودند، بسیار متأثر شد. (Matthew 9:36) امیدوارم شما نیز از این صحنه بسیار غم انگیز در قاهره متأثر شوید. هیچ کدام اسلام نمی تواند به دوستان مسلمان ما کمک کند تا با خدای واقعی ارتباط برقرار کنند. ما باید سخنان عیسی را در John 14:6 به خود یادآوری کنیم، "عیسی به او گفت: "من راه و حقیقت و زندگی هستم." هیچ کس جز به وسیله من نزد پدر نمی آید." پطرس، پس از رستاخیز و عروج مسیح به جلال، شهادت داد: «و در هیچ کس دیگری رستگاری نیست، زیرا هیچ نام دیگری در زیر آسمان در میان مردم داده نشده است که به وسیله آن به ما داده شده باشد. باید نجات یابد». (Acts 4:12). پولس رسول به ما هشدار می دهد: «شیطان خود را به صورت فرشته نور در می آورد. پس جای تعجب نیست که بندگان او نیز خود را به عنوان بندگان عدالت در آورند». (2 Corinthians 11:14-15a) و به یاد داشته باشید که یوحنا رسول نوشت: "می دانیم که از خدا هستیم و تمام جهان در قدرت شیطان است". (1 John 5:19)

از آنجایی که مسیح تنها راه رسیدن به خداست، باید از خود بپرسیم: «آیا آماده هستیم تا راه و حقیقت و زندگی را به مسلمانان نشان دهیم؟ آیا ما آماده ایم که روح القدس را که دارای قدرت واقعی خداست و می تواند زندگی آنها را متحول کند، به آنها معرفی کنیم؟»



فصل - یازدهم

Chapter-11

سوالاتی که اسلام عامیانه کوشش میکند

که جواب بدهند...و نمیتواند

Questions That Folk Islam Tries

to Answer...and Can't

پیوند گمشده در اسلام، و پیوندی که اسلام عامیانه سعی در پرکردن آن دارد، ارتباط با خدا در سطح رابطه است - ارتباطی که در درجه اول با خلأهای عاطفی و رابطه ای مواجه است. با یگانگی خدا که مسیح بشریت را قادر می سازد هریک از انواع اسلام برای به دست آوردن و لذت بردن در تمام جنبه های آن که کاملاً گم شده است دسترسی پیدا کند.

به همین دلیل مهم است که با دوستان مسلمان خود به اصل موضوع بپردازید. مفاهیم و پرسش‌های زیر به شما این امکان را می‌دهد که با اتکای صمیمانه به کار روح‌القدس، آزاردهنده‌ترین و ناامیدکننده‌ترین جای خالی را که فقط عیسی مسیح می‌تواند با خود پر کند، لمس کنید.

درک دوست مسلمان خود در چارچوب اعتقادات آنها

- آنها از چه می ترسند؟
 - چه احساسی دارند؟
 - جهان خود را چگونه درک می کنند؟
 - سعی کنید مبانی جهان بینی آنها را درک کنید.
- اسلام عامیانه تلاش می کند با واقعیت و چالش های زندگی روزمره مقابله کند
- بحران ها: بیماری ها، حوادث، قحطی، سیل، جنگ، مرگ، پناهندگی.
 - رویدادهای مهم زندگی: تولد، ختنه، بلوغ، ازدواج، بارداری.
 - نگرانی در مورد "قدرت" بر ارواح (شیاطین) - چه کسی آن را دارد؟

- ارواح غیر اخلاقی: دسترسی به ارواح "خوب" که ظاهراً به افرادی که به آنها خدمت می کنند کمک می کند. مماشات و یا تسکین بخش appeasing "بد" که ممکن است به کسانی که از آنها را غفلت کند آسیب برساند.
- اعتقاد به بسیاری از ارواح، شیاطین، ارواح، و نحوه برخورد با آنها.
- اعتقاد به بسیاری از اعمال: فال، تعبیر خواب و فال، ترس از «چشم بد»، طلسم و تعویذ، نذر و قربانی، جلسه، دعای خیر، لعن و نفرین بر دشمن.
- اسلام عامیانه سعی در ایجاد «راه حل» برای بسیاری از انواع احساسات و مشکلات دارد
- ترس از ناشناخته، از افراد دیگر، از شیاطین، از مرگ.
- بی قدرتی: چگونه با قدرت ارتباط برقرار کنیم.
- شرم: چگونه

27- بعداً به تفصیل به این موارد خواهیم پرداخت.

- شرم: چگونه به هر قیمتی از آن اجتناب کنیم.
- انتقام: تعهد به آن، حتی استفاده از ارواح شیطانی و نفرین های جادویی.
- بی مفهومی و تنهایی: پیوستن به فرقه یا حلقه ای از افراد همفکر.
- گناه و قربانی کردن حیوانات.

سؤالات عملی بیشتری که اسلام عامیانه سعی در پاسخ به آنها دارد

- مسلمانان عامیانه برای محافظت از ارواح شیطانی در زمان تولد، ازدواج، مراسم تشییع جنازه چه می کنند؟

- چگونه می توان از رفاه لذت برد و از بدبختی جلوگیری کرد؟

- چگونه باید با بیماری ها، طاعون، اپیدمی ها، ناباروری، حوادث، خشکسالی، آتش سوزی ها، زلزله ها، یا انواع دیگر بلایای «طبیعی» برخورد کرد؟

- چگونه می توان در قبولی در امتحان، شغل، یافتن همسر، موفقیت در یک کسب و کار، پیروزی در نبرد در جنگ موفق شد یا از شکست جلوگیری کرد؟

- چه کسی ماشین مرا دزدید؟

- چه کسی حقیقت را می گوید؟

- چگونه یک فرد روابط انسانی را اداره می کند؟

- چگونه می توان روابط فراطبیعی با اجداد، ارواح، خدایان، شیاطین، حیوانات، گیاهان را مدیریت کرد؟

اسلام عامیانه «تمرین‌کنندگان» با قدرت که غیبی دارد «راه‌حل‌ها» ارائه خواهند کرد.

- در برخی کشورها، امامان، پیشوایان نماز جماعت، ادعای قدرت غیبی دارند.

«مردان مقدس» را گاهی «قدیس» می‌نامند. اگر قدیسی بمیرد، خادمی از قبر، مقبره یا زیارتگاه مراقبت می‌کند و ادعا می‌کند که با روح قدیس در ارتباط است. عناوین این نوع از رهبران غیبی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است.

- کف‌دستان: مترجمان خطوط در کف دست، همراه با «پیش‌گویی».

- ستاره‌شناسان: کسانی که ستارگان را می‌خوانند و درباره زندگی خود پیش‌بینی می‌کنند.

- جادوگران: کسانی که در ازای دریافت هزینه به دیگران نفرین می‌کنند.

- جادوگران: کسانی که ادعا می‌کنند قدرت جادویی دارند.

- مترجمان رویاها.

- نکرومانسرها: کسانی که ادعا می‌کنند با مردگان ارتباط برقرار می‌کنند.

- جن‌گیران: کسانی که ادعا می‌کنند می‌توانند شیاطین را از مردم بیرون کنند.

پیروان در اطراف افرادی با "قدرت" جمع می‌شوند

- گاهی به اشتباه به این «قدرت» گفته می‌شود

«بارکه» به معنای «برکت».

- فرقه های جدید زمانی شکل می گیرند که یک رهبر جدید با نوعی قدرت غیبی برمی خیزد.

- معمولاً در اطراف چنین زیارتگاه هایی ایجاد می شود قدیس " زنده " یا مرده.

- در مقایسه با مساجد، مکان های تجمع بسیار کمی وجود دارد.

- آموزش رسمی در مدارس یا دانشگاه ها برای آموزش رهبران غیبی وجود ندارد.

- رهبرانی ظهور می کنند که «کاریزما» یا قدرت غیبی دارند.

- پاسخ های وعده داده شده توسط رهبران غیبی، کسانی را که به شدت نیازمند هستند جذب می کند.

همه موارد فوق نشان دهنده طیف وسیعی از نیازهایی است که منجر به ایجاد شیوه های غیبی می شود. باز هم، اگر در دنیای اومانیسم سکولار غوطه ور شده اید، ممکن است وسوسه شوید که این «نیازها و راه حل ها» را به عنوان خرافات احمقانه نادیده بگیرید. نکن! اجازه دهید آنچه را که برای یک همکار عزیز اتفاق افتاد به اشتراک بگذارم.

او و همسرش هر دو دکترای مردم شناسی فرهنگی Sacular داشتند. ما همه با هم در همان مدرسه مأموریت های آمریکایی آموزش دیدیم. ما به پاکستان رفتیم. آنها به یک قبیله بدوی در کشور دیگری رفتند. پس از اولین ترم هایمان در رشته های مربوطه، همه ما به همان مدرسه مأموریت برگشتیم تا بیشتر تحصیلات تکمیلی انجام دهیم. یک روز این خواهر عزیز در حالی که شوهرش نبود به ما زنگ زد و گفت: «فکر کنم می‌خواهم خودکشی کنم. می‌توانید همین الان هر دو بیایید؟»

من و همسرم سریع به آپارتمان او رفتیم. شروع کردم به پرسیدن سوالات از او، "وقتی در قبیله بدوی کار می‌کردی، آیا تا به حال به خودکشی فکر می‌کردی؟" او گفت نه. "پرسیدم: این افکار خودکشی از چه زمانی شروع شد؟ او پاسخ داد: به محض اینکه به آمریکا برگشتیم. پرسیدم: «خوب، حالا چه فرقی می‌کند؟ تو قبلاً خیلی خوشحال بودی.» او گفت: «نمی‌دانم. من هم همین سوال را از خودم می‌پرسیدم.» همانطور که در اتاق نشیمن او نشستم، متوجه یک پیپ دودی با ظاهری عجیب به طول سه فوت شدم که با پر و مهره و چیزهای عجیب دیگر روی مانتو او بالای شومینه تزئین شده بود. به او گفتم: خواهر، آن لوله عجیب و غریب روی مانتوی شما چیست؟ او نیشخندی زد و گفت: "اوه، این یک "پیپ مرد دارویی" است که از آن برای طلسم کردن، نفرین کردن یا برکت دادن و پیشگویی استفاده می‌کند. اما من به این چیزهای خرافی اعتقادی ندارم. من آن را برای نمایش و گفتن به خانه آوردم." پرسیدم: «آیا تا به حال او را دیده‌ای که فحاشی می‌کند و برای روحی غر می‌زند؟» او گفت: "این فقط مزخرف است." به او گفتم: «آیا متوجه می‌شوی که او ارواح اهریمنی را دعوت کرد تا به او قدرت غیبی بدهد تا همه آن کارها را انجام دهد؟ ببین، اگر می‌خواهی این افکار خودکشی را از بین ببری، باید از شر لوله خلاص شوی. من به پارکینگی می‌روم که زباله ها را در سبد سیمی می‌سوزانیم و در آن آتش ایجاد می‌کنیم. اگر می‌خواهید بهتر شوید، آن لوله را در آن سبد سیمی پایین آورده و با دست خود در آتش می‌اندازید. شما به هر ارواحی که با آن

آمدند فرمان خواهید داد که به نام خداوند عیسی مسیح رفته و دیگر برنگردند. سپس افکار خودکشی شما را ترک خواهند کرد.» او به اندازه کافی ناامید بود تا این کار را انجام دهد. و وقتی این کار را کرد، گفت: "آن افکار از بین رفته اند." او دوباره به حالت عادی بانشاط تبدیل شد و دیگر هرگز دچار مشکل نشد.

هشدار: Secular humanism جهان ارواح را به رسمیت نمی شناسد. این منجر به نوعی کوری نسبت به آنچه در واقع در دنیای معنوی می گذرد، می شود. در نتیجه، به مسیحیت ناتوان می انجامد. علاوه بر این، منجر به فقدان تشخیص در شناخت پدیده های شیطانی در رفتار انسان می شود.



فصل - دوازدهم

Chapter--12

صدای بیداری در حقیقت

A Wake-Up Call to Truth

به عنوان یک آمریکایی سی ساله، با سابقه تحصیلات معمولی - لیسه، لیسانس علوم ساینس، دو سال فاکولته طب، سه سال مدرسه علوم دینی، دو سال در کشیش، یک و نیم سال تحصیلات تکمیلی. در مأموریت‌ها، مطمئن بودم که برای هر کاری در «میدان مأموریت»، که در مورد من پاکستان بود، آماده هستم. راستش من آماده نبودم تضاد فرهنگی آموزش زبان. با درهم و برهم خوردن با نسخه آسیایی اسلام رسمی، از اینکه واقعاً «اسلام خیابانی» چگونه است غافل بودم. در نتیجه، با این همه سال تحصیل Secular (یعنی ضد ماوراءالطبیعه) و گذر از

معجزات شگفت‌انگیز عیسی و رسولان اولیه، نمی‌دانستم در زندگی متوسط یک مسلمان پنجابی با چه چیزی سر و کار دارم. همچنین متوجه نشدم که نسخه ای به شدت Secularized شده از ایمان انجیلی را پذیرفته‌ام که «قدرت‌هایی» را که ما به آن می‌پردازیم درک نمی‌کند.... مشکل من این بود که در ابتدای کارمان در پاکستان، فکر می‌کردم که نبرد ما فقط چالشی بین حقیقت و دروغ بود. این ما را به عذرخواهی، دفاع از انجیل و رد اتهامات نادرست سوق داد. نگاهی به آموزه‌های کتاب مقدس در مورد قدرت انداختم – هم آموزه‌های خدا و هم شیطان. بنابراین کاری که من اکنون برای شما انجام خواهم داد این است که آموزه‌های قدرت خدا و همچنین آموزه‌های شیطان را مرور کنم.

اقتدار و قدرت خداوند

- Ephesians 6:12-13 «زیرا ما با گوشت و خون مبارزه نمی‌کنیم، بلکه با حاکمان [روحانی شیطانی]، با مقامات [روحانی شیطانی]، با قدرت‌های [شر] کیهانی بر این تاریکی کنونی، با نیروهای معنوی شیطان در مکان‌های بهشتی. پس تمام armor خدا را بردار تا بتوانی در روز بد مقاومت کنی و پس از انجام همه چیز، استوار بمانی».

- Matthew 28:18-20 «عیسی آمد و به آنها گفت: «تمام قدرت در آسمان و روی زمین به من داده شده است. پس بروید و همه امتها را شاگرد سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که هر چه به شما امر کرده‌ام اطاعت کنند. و ببین، من همیشه با شما هستم، تا آخر عمر».

- Proverbs 1:23 «اگر به نکوهش کردن من توجه کنید، اینک روح خود را بر شما خواهم ریخت».

- Ezekiel 36:27 "من [خداوند] روح خود را در وجود شما قرار خواهم داد".

- Joel 2:28 «روح خود را بر هر جسمی خواهم ریخت: پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، پیران و جوانان شما رؤیا خواهند دید».

- Zechariah 4:6 «خداوند می‌گوید: «نه به قدرت [زمینی]، بلکه به وسیله روح من».

- Matthew 10:1 «[عیسی] دوازده شاگرد خود را نزد خود خواند و بر آنها قدرت بیرون کردن ارواح ناپاک را داد و هر بیماری و هر مصیبت را شفا دهند».

- Matthew 17:16-20a او را [پسر جن زده] را نزد شاگردان تو آوردم و نتوانستند او را شفا دهند.» و عیسی پاسخ داد: «ای نسل بی ایمان و پیچ خورده، تا کی باید با شما باشم؟ و عیسی دیو را سرزنش کرد و از او بیرون آمد و پسر فوراً شفا یافت. آنگاه شاگردان به طور خصوصی نزد عیسی آمدند و گفتند: «چرا نتوانستیم آن را بیرون کنیم؟» او به آنها گفت: «به خاطر کم بودن ایمان تان بود».

• Luke 9:1-2 «[عیسی] به [دوازده شاگرد] قدرت و قدرت بر همه دیوها و شفای بیماریها داد و آنها را فرستاد تا پادشاهی خدا را اعلام کنند و شفا دهند».

• Luke 10:1, 9, 17 «پس از این، خداوند هفتاد و دو نفر دیگر را منصوب کرد و آنها را پیشاپیش خود فرستاد... [و گفت] «بیماران را شفا دهید و به آنها بگویید، پادشاهی خدا به شما نزدیک شده است.!»... هفتاد و دو نفر با خوشحالی برگشتند و گفتند: «خداوند، حتی شیاطین هم به نام تو تابع ما هستند!».

• Luke 24:49 «و اینک، من [عیسی] وعده پدرم را بر شما می فرستم. اما در شهر بمان تا قدرتی از بالا بپوشی».

• Acts 1:8 «زمانی که روح القدس بر شما بیاید، قدرت خواهید یافت».

• Acts 2:4 «همگی از روح القدس پر شدند و به زبانهای دیگر صحبت کردند، همانطور که روح به آنها گفت».

Acts 4:24، 29-31 «آنها با هم صداهای خود را به سوی خدا بلند کردند...» [به] بندگان اجازه بده تا به گفتار کلام تو با شهادت تمام ادامه دهند، در حالی که تو دست خود را برای شفا، و نشانه ها و شگفتی ها دراز می کنی. به نام بنده مقدس تو عیسی انجام می شود.» و هنگامی که آنها دعا کردند ... آنها همه از روح القدس پر شدند».

• Acts 6:8 «و Stephen پر از فیض و قدرت، معجزات و نشانه های بزرگی در میان مردم انجام می داد».

• 1 Corinthians 4:20 «زیرا ملکوت خدا در گفتار نیست، بلکه در قدرت است».

• 1 Corinthians 6:19 «یا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس در درون شماست، چه کسی را از خدا داری؟».

• 2 Corinthians 10:3-4 «زیرا اگر چه در جسم راه می رویم، بر اساس جسم جنگ نمی کنیم. زیرا سلاح های جنگی ما از بدن نیست، بلکه دارای قدرت الهی برای ویران کردن پناه گاه های امن است».

• Romans 8:2-27 در این بیست و شش آیه در این یک فصل، در آموزش زندگی در روح، روح القدس شانزده بار ذکر شده است. قرار است این زندگی عادی مسیحی باشد.

دوستان عزیز، "پادشاهی خدا در گفتار نیست، بلکه در قدرت است." عیسی به دنیایی تاریک تحت فرمانروایی شرور وارد شد. هنگامی که انسان های نخستین شروع به شک و تردید در صلاح خدا کردند و از کلام او اعم از اینکه می دانستند یا ندانستند زیر سوال بردند، با شیطان طرف شدند و تحت قدرت او قرار گرفتند. آنها به ویژه توسط این سخنان شیطان جذب شدند،

"شما مانند خدا خواهید بود" (Genesis 3:5) از آن زمان، ما انسان‌ها خودمحور بوده‌ایم، با شهوت قدرت غیر خدایی، میل به کنترل زندگی خود - خودمختار بودن، عملکرد مستقل از خدا. این خیانت است، تا آنجا که به خدا مربوط می‌شود. گناه نامیده می‌شود. گناه یعنی قطع ارتباط با خدا که منبع حیات است. و پیامد آن مرگ است: اولاً مرگ روحی که آنی و در نهایت مرگ جسمانی است. بهبودی ما، یعنی آشتی دوباره با خدا، به قیمت ریختن خون عیسی مسیح بر روی صلیب تمام شد. زندگی هیچ انسان عادی نمی‌تواند این کار را انجام دهد. تنها پسر ابدی خدا شایسته و شایستگی برای به انجام رساندن اتحاد مجدد ما با خدا خواهد بود. و از طریق رستائیز عیسی از مردگان، به واسطه ایمان ما به او و اتحاد ما با او، روح خدا به ما حیات تازه بخشیده است. "مرگ در پیروزی بلعیده می‌شود" (1 Corinthians 15:54)، نقل قول از Isaiah 25:8، "او مرگ را برای همیشه فرو خواهد برد". «بنابراین، اگر کسی در مسیح باشد، مخلوق جدیدی است. قدیم گذشت، اینک نو آمد». (2 Corinthians 5:17).

اجازه دهید چند لحظه بیشتر وقت بگذارم و در مورد کتاب مقدسی که قبلاً استفاده شده است توضیح بیشتری بدهم:

- افرادی که از نظر روحی مرده اند نه حیات معنوی دارند و نه قدرت.
- هم عهد عتیق و هم عهد جدید برای ضرورت مطلق دریافت قدرت روحانی برای عملکرد به عنوان قوم خدا تأکید دارند. این زمانی اتفاق می‌افتد که:
 - ما با توبه به گناهان خود در برابر خدا اعتراف می‌کنیم.

○ سپس ما توسط کلام خدا و روح القدس دوباره متولد می شویم. و

○ سپس ما با روح القدس پر می شویم و با قدرت در برابر نیروهای شیطانی شروع به کار می کنیم.

● قدرت عملکرد معنوی با تسلیم کامل به قدرت عیسی و به²⁸ نام عیسی انجام می شود.

● در Matthew 17:16، شاگردان به دلیل بی ایمانی نتوانستند دیو را از پسری بیرون کنند. در نتیجه، این سؤال پیش می آید: اگر ایمان ندارید، چگونه آن را به دست می آورید؟ در Romans 10:17 می خوانیم: «پس ایمان از شنیدن و شنیدن از طریق کلام مسیح است.» در فصل آینده در مورد شفا، من به اشتراک می گذارم که چگونه من، که هیچ ایمانی به درمان نداشتم، متوجه شدم که ایمان شگفت انگیز منجر به شفای معجزه آسا می شود، زمانی که داکتران مسلکی از بیمار دست کشیدند و گفتند که او می میرد.

28- البته نه به نام خودمان..

- سخنان فراق عیسی به شاگردانش و به ما امروز بسیار قدرتمند است: "از همه امت ها شاگرد بسازید... به آنها بیاموزید که هر چه به شما امر کرده ام رعایت کنند"

- (Matthew 28:19-20) وجه تمایز حضور ملکوت خدا در نسل ما، قدرت ماوراء طبیعی است که توسط روح ساکن در زندگی ما وجود دارد.

خواننده گرامی، اگر این آموزه شما را به چالش می کشد تا جهان بینی خود را دوباره بررسی کنید، از شما می خواهم این کار را انجام دهید تا ببینید کجا و چگونه آگاهانه یا ناآگاهانه تحت تأثیر بی اعتقادی secular humanism قرار گرفته اید. اجازه دهید کلام خدا با شما صحبت کند بدون اینکه آن را از طریق مفروضات از پیش طراحی شده دیگران، بر اساس ایده های secular، که ریشه در بی ایمانی دارد، فیلتر کنید. نتیجه گیری شما بر نحوه برخورد شما با

قدرت شیطان در خدمتتان تأثیر می‌گذارد. ما پیشرفت‌های پزشکی غربی را نادیده نمی‌گیریم. ما خدا را به خاطر آنها شکر می‌کنیم. اما فراتر از مرزهای طب غربی، دنیای ارواح وجود دارد، چه خوب و چه بد. شما به قدرت خداوند در کمک به مسلمانان برای بیرون آمدن از قدرت شیطان نیاز خواهید داشت. کلام پولس رسول به آگریپا پادشاه را به خاطر بسپارید: "چشمهای خود را باز کنند تا از تاریکی به روشنایی و از قدرت شیطان به خدا بیایند".

(Acts 26:18).

بعد، بیایید ببینیم کلام خدا در مورد شیطان چه می‌گوید.

اقتدار و قدرت شیطان

اگر تحت تأثیر Secular، ضد ایده‌های ماوراء طبیعی و در نتیجه وسوسه می‌شوند که آنچه را کتاب مقدس می‌گوید تمسخر کنند، مراقب باشید. تو در قبر هستی.

خطر آیات و آیات زیر با حقیقت عالم غیب که ما را در بر می‌گیرد و تعارض خیر و شر که درگیر آن هستیم، رسوخ دارد:

29- موضوع شیاطین بعداً می آید.

- Matthew 4:8-9 «بار دیگر، ابلیس [عیسی] را به کوهی بسیار بلند برد و تمام پادشاهی های جهان و جلال آنها را به او نشان داد. و به او گفت: «اگر زمین گیر شوی و مرا پرستش کنی، همه اینها را به تو خواهم داد.» این یک پیشنهاد واقعی بود. شیطان آن پادشاهی ها را تحت تأثیر خود داشت.
- 1 John 5:19 "تمام جهان در قدرت شریر است." باور این آیه سخت است، اما آن زمان حقیقت داشت و امروز هم صادق است. اگر در باور این موضوع مشکل دارید، نمی توانید درک کنید که در دنیای ما یا حتی در زندگی خودتان چه می گذرد.

- John 12:31 (عیسی در حال صحبت کردن است) «...اکنون حاکم این جهان [شیطان] رانده خواهد شد.» عیسی به مصلوب شدن آینده اش اشاره می کرد، جایی که او برای ما گناه می شد و در زیر خشم خدا می مرد، بنابراین خواسته های شریعت موسی را برآورده می کرد و شیطان، "متهم برادران" را برای همیشه خلع سلاح می کرد.
(Revelation 12:10).

عیسی بر روی صلیب ما را از قدرت شیطان آزاد کرد.

- 2 Corinthians 4:4 (Paul در حال صحبت است) "خدای این جهان ذهن کافران را کور کرده است تا آنها را از دیدن نور انجیل جلال مسیح که تصویر خداست باز دارد".
- 1 Peter 5:8-9a دشمن شما، ابلیس، مانند شیری غرش به اطراف می چرخد و به دنبال کسی می گردد تا خوردن. در ایمان خود ثابت قدم با او مقاومت کنید».
- James 4:7-8a «شیطان قبلاً آن را در قلب یهوداپسر، Iscariot, Simon's گذاشته بود تا [عیسی] را تسلیم کند... شیطان در او وارد شد.» این ممکن است برای مردم امروز اتفاق بیفتد.

- James 4:7-8a پس خود را تسلیم خدا کنید. در برابر شیطان مقاومت کن، و او از تو فرار خواهد کرد. به خدا نزدیک شوید تا او به شما نزدیک شود.» سوال همیشه این است که آیا شما با میل و محبت تحت اقتدار خدای خوب ما زندگی خواهید کرد یا در نتیجه

میل خود به آزادی و کنترل، تحت قدرت شیطان خواهید ماند؟ زمین خنثی وجود ندارد. این یک افسانه است. همیشه یکی یا دیگری است. همانطور که عیسی گفت: "هر که با من نیست بر ضد من است و هر که با من جمع نمی کند پراکنده می کند"

(Matthew 12:30).

فقط یک نکته در مورد شیاطین شیاطین فرشتگانی هستند که در طغیان شیطان علیه خدا به او پیوستند. شیاطین قدرتمند هستند، بسیار بیشتر از آنچه اکثر مردم فکر می کنند در امور این جهان دخالت می کنند، و بی رحمانه با هر چیزی که با عیسی مسیح، پادشاهی او، کلیسای او و مردم او مرتبط است مخالفند.

اما، و این بسیار مهم است، حتی اگر آنها زنده و فعال بر روی زمین هستند، عذاب آنها مهر و موم شده است و آنها یک دشمن شکست خورده هستند. این را در ادامه کشف خواهیم کرد.



فصل - سیزدهم

Chapter-13

تأثیر شیاطین

The Impact of Demons

قسمیکه ما در شروع درمورد این موضوع نظری به کتاب مقدس میکنیم ، مهم است که آنها را به عنوان نوشته ای با الهام از روح القدس در نظر بگیرید. در غیر این صورت، شما فقط به آنچه طب، روانشناسی و فلسفه غربی می توانند انجام دهند محدود خواهید شد. بنابراین، بیایید نظری به چند مورد قابل توجه از افراد demonized در خدمت عیسی ببندازیم. به یاد داشته باشید که خدا عشق است و عیسی نمونه زنده عشق در عمل است. هنگامی که او با آن مردم ملاقات کرد، آنها را تحت تأثیر قرار داد. او الگوی ماست.

- Matthew 9:32-33a «هنگامی که آنها در حال رفتن بودند، در آنموقع مردی ستم دیده دیو که گنگه بود نزد [عیسی] آورده شد. و چون دیو بیرون رانده شد، مرد گنگه سخن گفت.»

• Matthew 12:22 «سپس مردی ستمدیده دیو که کور و گنگ بود، نزد [عیسی]

آوردند، و او او را شفا داد، به طوری که آن مرد سرگپ آمد و دید.»

• Mark 7:25-30 «اما بلافاصله زنی که دختر کوچکش روح ناپاک داشت از او شنید،

آمد و به پای او افتاد. اکنون آن زن یک یهودی غیریهودی بود که

Gentile, a Syrophoenician بود. و از او التماس کرد که دیو را

از دخترش بیرون کند و به او گفت: «اجازه بده اول بچه‌ها سیر شوند، زیرا درست نیست نان بچه‌ها را بگیری و به سگ‌ها بیندازیم.» اما او به او پاسخ داد: «بله، خداوندا. با این حال حتی سگ‌های زیر میز هم خرده‌های بچه‌ها را می‌خورند.» و به او گفت: «به خاطر این گفته می‌توانی به راه خودت بروی. دیو دخترت را رها کرده است.» و او به خانه رفت و دید که کودک در رختخواب دراز کشیده و دیو رفته است.»

• Mark 9:17-29 مقایسه کنید با (Matthew 17:14- 20a) «استاد، پسر مرا

نزد تو آوردم، زیرا روحی دارد که او را گنگه می‌کند. و هر گاه او را بگیرد او را به زمین می‌اندازد و کف می‌کند و دندان هایش را به هم می‌ساید و سفت می‌شود. پس از شاگردانت خواستم که آن را بیرون کنند، اما نتوانستند.» و او به آنها پاسخ داد: «ای نسل بی ایمان، تا کی باید با شما باشم؟»... و پسر را نزد او آوردند. و چون روح او را دید، فوراً پسر را تشنج کرد و او بر زمین افتاد و غلتید و کف از دهانش بیرون آمد. و عیسی از پدرش پرسید: «چند وقت است که این اتفاق برای او افتاده است؟» و او گفت: «از کودکی. و اغلب او را در آتش و آب می‌انداخت تا او را نابود کند. اما اگر می‌توانی کاری انجام دهی، به ما رحم کن و به ما کمک کن.» و عیسی به او گفت: «اگر می‌توانی! همه چیز برای کسی که ایمان بیاورد ممکن است.» فوراً پدر کودک فریاد زد و گفت: «ایمان دارم، به بی ایمانی من کمک کن!»... [عیسی] روح

ناپاک را سرزنش کرد و به او گفت: «ای روح لال و کرا! من به شما دستور می دهم که از او بیرون بیایید و دیگر وارد او نشوید.» و پس از اینکه فریاد زد و او را به شدت تشنج کرد، بیرون آمد و پسر مانند جسد بود... اما عیسی دست او را گرفت و او را بلند کرد و او را بلند کرد. برخاست... شاگردان او به طور خصوصی از [عیسی] پرسیدند: "چرا نتوانستیم آن را بیرون کنیم؟" و عیسی به آنها گفت: "این گونه را نمی توان با چیزی جز دعا بیرون کرد." بیانیه عیسی در مورد اینکه چرا رسولان نتوانستند دیو را بیرون کنند: "به دلیل ایمان کم شما..."

• Luke 4:33-36 (مقایسه کنید با Mark 1:23-26) «و در کنیسه مردی بود که روح

دیو ناپاک داشت و با صدای بلند فریاد زد: «ها! عیسی ناصری تو با ما چه کار داری؟ آمدی ما رو نابود کنی؟ من می دانم که تو کی هستی، قدوس خدا.» اما عیسی او را سرزنش کرد و گفت: «ساکت باش و از او بیرون بیا!» و چون دیو او را در میان آنها به زیر انداخت، از او بیرون آمد. هیچ آسیبی به او نرساند... او با قدرت به ارواح ناپاک فرمان می دهد.

و آنها بیرون می آیند!»

• Luke 8:27-35 (مقایسه کنید با Mark 5:2-15) «وقتی عیسی به خشکی رفت، مردی

از شهر با او ملاقات کرد که دیو داشت. مدت ها بود که هیچ لباسی نپوشیده بود و نه در خانه ای بلکه در میان قبرها زندگی می کرد. وقتی عیسی را دید، فریاد زد و در برابر او افتاد و با صدای بلند فریاد زد: «ای عیسی، پسر خدای متعال، تو با من چه کار داری؟»

خواهش می‌کنم، مرا عذاب نده.» زیرا او به روح ناپاک دستور داده بود که از آن مرد بیرون بیاید. (مدت‌ها او را گرفته بود. او را تحت مراقبت قرار می‌دادند و با زنجیر و غل و زنجیر می‌بستند، اما بندها را می‌شکست و به صحرا رانده می‌شد.) سپس عیسی از او پرسید: "نام تو چیست؟" او گفت: "لژیون" زیرا بسیاری از شیاطین وارد او شده بودند. و از او التماس کردند که دستور ندهد به سوی پرتگاه حرکت کنند. حالا گله بزرگی از خوک‌ها در آنجا در دامنه تپه تغذیه می‌کردند و از او التماس کردند که اجازه دهد وارد اینها شوند. پس به آنها اجازه داد. سپس شیاطین از مرد بیرون آمدند و وارد خوک‌ها شدند و گله از شیب تند به دریاچه هجوم بردند و غرق شدند. آنگاه مردم... نزد عیسی آمدند و مردی را که دیوها از او رفته بودند، نشستند و پیش پای عیسی دیدند.

عیسی، لباس پوشیده و در عقل خود.»

• Luke 13:10-13, 16 «اکنون [عیسی] در یکی از کنیسه‌ها در روز سبت تعلیم می‌داد. و اینک زنی بود که هجده سال روحیه ناتوانی داشت. خم شده بود و نمی‌توانست کاملاً خود را صاف کند. وقتی عیسی او را دید، او را فرا خواند و به او گفت: «ای ای زن، تو از ناتوانی خود رهایی یافتی.» و دستان خود را بر او گذاشت و بلافاصله او راست شد و او خدا را جلال داد... عیسی گفت: «آیا این زن، دختر ابراهیم که شیطان او را هجده سال بسته بود، نباید در روز سبت از این بند رها شود؟»

درس‌های بسیار مهمی برای آموختن از این مطالعات موردی کتاب مقدس وجود دارد:

- شیطان سازی در زمان عیسی بسیار واقعی بود و امروزه حتی در دنیای غرب بسیار واقعی است.

- قدرت و اقتدار این جن گیری ها در عیسی پسر خدا است.

- شیاطین عیسی را همانگونه که واقعاً بود شناختند. در مورد آن فکر کنید: ما معتقدیم این شیاطین فرشتگانی هستند که با شیطان طغیان کردند و به زمین انداخته شدند. عیسی، البته، ابدی است. او خالق آنها بود (Colossians 1:16) ، که قبل از جنگ در بهشت بر آنها در بهشت سلطنت می کرد. او آنها را می شناخت و آنها او را می شناختند.

- عیسی اقتدار و قدرت خود را به حواریونش داد تا شیاطین را از بین ببرند.

- به این رسولان دستور داده شد که این را به نسل های بعدی از ایمانداران بیاموزند.

Matthew 28:20

را به خاطر بیاورید، «به آنها [کسانی را که به سوی خداوند بردند] بیاموزید که همه آنچه را که به شما امر کرده ام رعایت کنند.»

- حضور پادشاهی خدا در شخص پادشاه، عیسی مسیح، امروز باید با چنین تظاهراتی از عشق، شفقت، اقتدار و قدرت مشخص شود. در غیر این صورت، صحبت از پادشاهی خدا فقط صحبت است - صحبت های پوچ.

- شما باید زمان زیادی را در کلام و دعا صرف کنید تا خود را برای این نوع خدمت آماده کنید.

مشاهدات اضافی در مورد خدمت عیسی

- عیسی هرگز به دنبال افراد شیطان پرست نرفت. ما هم نباید.
- او آنها را با یک کلام بیرون کرد (Matthew 8:16)
- او شیاطین را سرزنش کرد. (Matthew 17:18)
- او آنها را از صحبت منع کرد. (Mark 1:25, 34; Luke 4:35)
- او از طریق قدرت روح القدس عمل کرد. (Matthew 12:28)
- او ارزش دعا و روزه را تعلیم داد. (Matthew 17:20; Mark 9:29)
- او همیشه به شیطان فرمان می داد، نه به شخص.

- او به شیاطین دستور داد که هرگز برنگردند. (Mark 9:25)
- بین مظلوم و فرق نمی گذاشت.
- گاه گاهی، او از راه دور جن گیری می کرد. (Matthew 15:28; Mark 7:30)
- اقتدار عیسی همیشه کلید بود 103. (Luke 10:17, 19a)
- صلیب قدرت شیطان و شیاطین او را شکست. و این همان جایی. (Colossians 2:15)
- است که ما در مواجهه با دنیای غیبی - دنیای روح "دیگر" می ایستیم.

دو تصویر از تجربه خودم: اندونزی

من در حال بازدید از یکی از شاگردان سابق خود از جاوای مرکزی بودم. نزدیکهای صبح به آنجا رسیدم. تیم بسیار هیجان زده بود. در دهکده ای مسلمان نشین نه چندان دور، حدود سه سال قبل، یک دختر مسلمان سیزده ساله شیطانی شد. او بسیار قوی بود و اصرار داشت که همه لباس هایش را در بیاورد. سه یا چهار نفر از اعضای خانواده تلاش کردند تا او را مهار کنند. در سه سال گذشته خانواده او را نزد هر جن گیر مسلمان شناخته شده ای در جاوه برده بودند و هیچ کس نتوانست او را درمان کند. یک روز، خانواده مسلمان شنیدند که یک تیم مسیحی وجود دارد که موفق شده است یک فرد شیطانی را از دست شیاطین نجات دهد. از این تیم خواستند بیایند و تلاش کنند و این دختر را آزاد کنند. تیم با یک شرط موافقت کردند، یعنی قبل از آمدن یک هفته تمام روزه بگیرند و نماز بخوانند. به لطف خدا، به نام قدرتمند عیسی، آنها توانستند به شیاطین دستور دهند که ترک کنند و دیگر برنگردند.

صبح همان روزی که من به دیدنش رفته بودم، هیئتی از روستای مسلمانی که دختر را از دست شیاطین نجات داد، آمده بود. آنها نماینده حدود صد خانواده بودند. روستاییان تمام شب را بیدار مانده بودند و درباره ناتوانی اسلام و قدرت و عشقی که در مسیحیت یافتند بحث می کردند. در اوایل صبح، روستاییان مسلمان تصمیم گرفتند که تمام روستایشان می خواهد مسیحی شود، و رهبران خود را فرستادند تا به تیم بگویند که می خواهند یاد بگیرند چگونه مسیحی شوند. می توانید تصور کنید که مسلمانان از آزادی دخترشان چقدر خوشحال شدند و اعضای تیم مسیحی چقدر از این پیروزی بزرگ عیسی مسیح بر شیاطین شیطان خوشحال شدند.

پاکستان

صحنه این داستان در شهر فیصل آباد (که قبلاً در زمان انگلیسی Lyallpur نامیده می شد) بود. دکتر اکبر حق، مشهورترین مبشر هند، «جشنواره های بشارت» را برگزار می کرد. همان شب اول وسط پیامش جوانی

³⁰ - قبلاً آنها را جنگ های صلیبی بشارتی می نامیدند، اما «جنگ های صلیبی» واژه ای غیرقابل قبول در جهان اسلام است.

مردی با فریاد از راهروی مرکزی چادر بزرگ آمد و در پای سکو فرو ریخت.

من مسئول مشاوره بودم. من برای آن توسط Lorne Sanny از Navigators آموزش دیده بودم، سپس به صورت قرضی به تیم Billy Graham من با تمام مطالب آنها در مورد آموزش مشاوران برای چنین جلسات بشارتی آشنا بودم. در کتابچه های آموزشی هیچ کلمه ای به نوع وضعیتی که در آن شب با آن روبرو بودیم اشاره نشده بود. در آن شرایط چه می کردید؟ من در غرب با سابقه پزشکی آموزش دیده بودم. زنگ زدم دکتر پزشک پس از معاینه مرد جوان گفت که همه علائم حیاتی او طبیعی است اما نمی داند چرا بیهوش مانده است. سپس مرد جوان را به خانه بیلاقی مأموریت چند حویلی دورتر بردیم. وقتی دکتر Haqq جلسه اش را به پایان رساند، وارد خانه شد و به من گفت: «دان، بیا اینجا. این مرد دیو دارد و ما می خواهیم دیو را بیرون کنیم.»

من به چیزی آماده گی نداشتم که چه اتفاقی افتاد³¹. دکتر Haqq ، شانه های مرد جوان را تکان داد و با صدایی آمرانه گفت: «به نام عیسی مسیح، به شما دستور می دهم از او بیرون بیایید.» صداهای بسیار غیر طبیعی و عجیبی از این مرد جوان بیرون آمد. دکتر Haqq از هر دیو (چند نفر بود) خواست تا نام خود را بگذارند، سپس یکی یکی به هر دیو دستور داد که به نام عیسی رفته و به مکانی که برای آن تعیین شده است بروند.

31- به یاد داشته باشید، انجیلی‌های secularized در مورد این نوع مطالب در کتاب مقدس می‌گذرند - آنها هرگز آن را نمی‌بینند.

بالاخره مرد جوان به عقلش رسید. دکتر حق انجیل را به وضوح برای او توضیح داد و از او پرسید که آیا از گناهان خود توبه می‌کند و آیا عیسی مسیح را به عنوان پروردگار و نجات دهنده خود می‌پذیرد؟ پس از آن، «مطالعه موردی» او را انجام دادم. "چطور به این راه رسیدی؟" مرد جوان به داستان غم‌انگیز سفر خود از مشروبات الکلی به فساد اخلاقی تا مواد مخدر و شرکت در اعمال غیبی اعتراف کرد. او در را به روی شیاطین باز کرد.

پس از معرفی مطالب تکمیلی به او، بعداً دوباره با او تماس گرفتم. او خبرنگار برجسته روزنامه مسیحی در شهر ما شد. پس از این تجربه، از خودم پرسیدم: "چرا مجبور شدم به پاکستان بیایم تا یاد بگیرم که کتاب مقدس هنجاری است و دو هزار سال بعد هنوز هم چنین چیزهایی در جهان ما اتفاق می‌افتد؟"



فصل - 14

Chapter - 14

خدمت مسیحی به شیطانی شده گان ویا (شیطان پرستان)

Christian Ministry to the Demonized

در 10-12:1 Corinthians، بحث کاملاً در مورد همه عطایای روح القدس وجود دارد. پولس نوشت: «نمی‌خواهم شما بی‌خبر باشید (آیه 1)... اکنون هدایای گوناگونی وجود دارد، اما همان روح (آیه 4)... و این همان خداست که همه آنها را در همه توانمند می‌سازد. به هر یک تجلی روح برای خیر عمومی داده شده است» (آیات 6-7). در آیه 10 می‌خوانیم: "برای دیگری توانایی تشخیص ارواح". برادران و خواهران، اگر احساس می‌کنید که این موهبت را ندارید، می‌توانید در وقت نیاز آن را از خداوند بخواهید.

همچنین در نامه اول یوحنا می‌خوانیم: «ای عزیزان، به هر روحی ایمان نیاورید، بلکه ارواح را بیازمایید تا ببینید آیا از جانب خدا هستند، زیرا پیامبران دروغین بسیاری به دنیا رفته اند. روح خدا را بدین وسیله می‌شناسید: هر روحی که اعتراف کند که عیسی مسیح در جسم آمده است از جانب خداست و هر روحی که عیسی را اعتراف نکند از خدا نیست. این روح دجال است». (1 John 4:1-3)

یک روش پیشنهادی هنگام برخورد با یک فرد شیطنانی³² هر زمان که ممکن است، و اگر وقت دارید، کامل مصرف کنید

³²این از کتاب Believe in Satan's Downfall (من به سقوط شیطان اعتقاد دارم) اثر مایکل گرین در سال 1981 اقتباس شده است.

"سابقه مورد (Case history)" شخصی که با او کار می کنید. بعداً تصویری از شکست خودم در ابتدا در گرفتن تاریخچه یک شخص و سپس آنچه که در زمان انجام این کار اتفاق افتاد را به شما ارائه خواهم داد.

در زیر توضیحاتی در مورد رفتار غیر عادی ارائه شده است:

- اولین عکس العمل زمانی است که نام عیسی مسیح را وارد مکالمه می کنید. شیاطین از نام او می ترسند. هنگام ذکر نام عیسی، عکس العمل همیشه یک پاسخ غیرمنطقی خواهد بود.

- در برخی موارد، یک فرد ممکن است قدرت غیرعادی از خود نشان دهد، مانند داستانی که قبلاً در مورد دختر سیزده ساله اهل جاوه مرکزی در اندونزی گفته شد. همچنین، قبلاً در مورد شیطان گادارنی خوانده ایم. زنجیر پاره شد. هیچ کس نتوانست او را کنترل کند.

- معمولاً سابقه ای از افراط در اعمال غیبی وجود دارد. مهم این است که سعی کنید portal اصلی را تشخیص دهید که به احتمال زیاد شیاطین از طریق آن وارد شخصی شده اند که با او سر و کار دارید.

- شیاطین می توانند در هنگام استفاده از وسایلی که به اصطلاح در جادو مورد استفاده قرار می گیرند وارد شخص شوند یا به او ظلم کنند. جادوی "سفید" یا "سیاه" فرقی نمی کند.

- همیشه به دنبال سابقه فعالیت های غیبی در خانواده، از جمله نسل های قبلی باشید. برخی ممکن است اسارت غیرعادی نسبت به یک عمل، یک ایده، یا حتی به شخص دیگری نشان دهند.

- به دنبال رفتارهای غیرعادی باشید، مانند تغییرات خلقی شدید، خلق و خوی خشن، لرزش قلب، یا حتی کف کردن دهان.
 - ممکن است تغییرات عجیبی در صدای فرد، گفتار غیرمعمول یا خنده های عجیب و غریب ایجاد شود.
 - برخی از افراد ممکن است تحت تأثیر یک ترس بی نام و نشان قرار گیرند.
 - ناتوانی کامل در دعا وجود خواهد داشت.
 - اغلب یک نگاه غیرعادی در چشمان یک فرد شیطان صفت دیده می شود، مانند نگاه لعاب یا روشنایی یا نگاه های نفرت انگیز.
 - ممکن است اجبار عجیبی برای پاره کردن لباس وجود داشته باشد، مانند مبلغ بدبختی که همسرش شیطانی شد و به تلاش برای درآوردن تمام لباس هایش ادامه داد. او نمی دانست چگونه با این موضوع کنار بیاید. بنابراین او را به آمریکا برد. در تمام راه خانه، شوهر مجبور شد با همسرش در هواپیما کشتی بگیرد، زیرا او سعی می کرد تمام لباس هایش را در بیاورد.
- چگونه خود را برای خدمت به شیطان زدگان آماده کنیم؟**

کارگر مسیحی باید کاملاً روشن باشد که عیسی واقعاً کیست. به یاد داشته باشید که تصویر قرآنی عیسی ترکیبی از دروغ های آمیخته با حقیقت است.

به گفته قرآن، عیسی تنها برای زمان خود در تاریخ پیامبر بوده است. او پسر خدا نبود. او روی صلیب نمرده؛ بنابراین، هیچ رستاخیز عیسی وجود نداشت، او بدون مرگ زنده به بهشت برده شد. مسلمانان شنیده اند که عیسی می تواند نابینایان را شفا دهد، بینایی دهد و مردگان را زنده کند، اما خدا پدر عیسی نیست. تصور می شود که روح القدس نامی برای فرشته جبرئیل باشد. خدا نمی توانست مرد شود.

عیسی خدا در قالب انسان نیست.

حتی اگر یک مسلمان عامیانه ممکن است قرآن را نداند، اما همه اینها را شفاهی شنیده است. علاوه بر این، به آنها آموخته شده است که محمد آخرین و بزرگترین پیامبر است. به آنها آموخته اند که محمد بزرگتر از عیسی است. به همین دلیل است که دوست مسلمان شما باید بفهمد که عیسی واقعاً کیست - پسر ابدی خدا، کسی که با تمام قدرت در دست راست خدا نشسته است.

پس باید دقت زیادی کرد. شخصی که به آن کمک می کنید، یا بهتر است بگوییم عیسی از طریق شما کمک می کند، ممکن است واقعاً نداند عیسی کیست. بخش اساسی خدمت شما این است که به آنها در مورد عیسی واقعی آموزش دهید. اینکه چگونه این کار را انجام می دهید یک موضوع حساسیت و وابستگی به رهبری روح القدس است. دیر یا زود، شما باید نشان دهید که عیسی در واقع پسر خداست، و او تمام اختیارات را در بهشت و روی زمین، از جمله قدرت کامل بر شیطان و شیاطین دارد.

توصیه های عملی پس از رهایی در جهان اسلام

رستگاری تنها از طریق شخصی پر از مسیح و همیشه به نام عیسی و تنها با قدرت او حاصل می شود.

در نهایت، این مسئله بین مسیح و شیطان و کسانی است که تحت کنترل شیطان هستند. هرگز به یک تکنیک یا فرمول وابسته نیست.

به داستان هفت پسر Sceva توجه کنید که در: Acts 19:13-16 ذکر شده است: «آنگاه برخی از جن گیران دوره گرد یهودی متعهد شدند که نام خداوند عیسی را بر ارواح شیطانی بخوانند و بگویند: «شما را سوگند می دهم. عیسی که پولس او را اعلام می کند.» اما روح پلید به آنها پاسخ داد: «عیسی را می شناسم و پولس را می شناسم، اما شما کی هستید؟» و مردی که روح پلید در او بود، بر آنها جهید، بر همه آنها تسلط یافت و بر آنها چیره شد. به طوری که برهنه و مجروح از خانه فرار کردند.»

اتفاق مشابهی در یک خلوتگاه کارکنان که من مسئول آن بودم اتفاق افتاد. زنی جوان در دوران کودکی در میدان مأموریت آسیب دید که پدرش را دید که به طور تصادفی موتر را روی برادر کوچکش عقب می کشد و او را می کشد. او در تمام آن سالها به خاطر تلاش نکردن برای نجات برادر کوچکش احساس گناه می کرد. علاوه بر این، او پرستاری غیر مسیحی داشت که در کودکی او را نفرین می کرد. ناگهان در خلوت ما، دیو در او ظاهر شد. دو مرد جوان فکر می کردند که این یک مورد آسان خواهد بود اما به نوبه خود مورد حمله شیطان قرار گرفتند و باید به آنها کمک کرد. بعدها مشخص شد که مردان جوان در زندگی خود گناهی داشتند که توبه نکرده و به آن

رسیدگی نشده بود. درس بزرگ این است: در این نوع خدمت، شخص باید در حضور خداوند مقدس باشد و به طور کامل از قدرت روح القدس پر شود.

همچنین، شخص باید به روی عطایای روح القدس، مانند «کلمات حکیمانه» یا «کلمات دانش» باز باشد. برخی از مردم به این بینش نبوی یا شهودی می گویند. و به هر حال باید خود را برای نماز آماده کرد، ترجیحاً با دیگران.

و وقتی صحبت از دعا شد، باید شما دیگران در خدمت دعا کنید. همیشه به یاد داشته باشید که مسیح پیروز است. در حین کار با شخص، باید کاملاً از حضور، قدرت و عشق مسیح متقاعد شوید.

بدون شک، زمانی که شخص توسط روح هدایت می شود، می توان درجا با شیطان برخورد کرد. نمونه ای از این را در زندگی پولس می بینیم:

وقتی به نمازخانه می رفتیم با کنیزکی مواجه شدیم که روحیه فالگیری داشت و با فال گرفتن برای صاحبانش سود زیادی به ارمغان می آورد. او به دنبال ما و پولس رفت و فریاد زد: «این مردان بندگان خدای متعال هستند که راه نجات را به شما اعلام می کنند.» و او این کار را برای چندین روز ادامه داد. پولس که به شدت آزرده شده بود، برگشت و به روح گفت: «به نام عیسی مسیح به تو دستور می دهم که از او بیرون آی.» و در همان ساعت بیرون آمد. (Acts 16:15-18)

به دو چیز توجه کنید: آنچه دختر گفت درست بود، اما اینکه چگونه گفت شیطانی بود، و پل مستقیماً با روح شیطانی (دیو) صحبت کرد و نه با دختر.

اما در موارد دیگری که شواهد دیرینه ای از شیطان سازی وجود دارد، می خواهیم رویکردی را پیشنهاد کنم که از دیگران آموخته ام:

- در صورت امکان و اگر فرد منطقی است، از او در رهایی پیشنهادی همکاری بخواهید.

- مجدداً، اگر شخص از این ستم شیطانی آگاه است، او را تشویق کنید که بخواهد از این «روح آشنا» رهایی یابد.

- با کاوش دقیق تاریخچه فرد، سعی کنید هر گونه تجربه غیبی که در گذشته با آن درگیر بوده است را کشف کنید. این می تواند شامل بازدید از فال گیران، بازی با کارت های تاروت، اجازه دادن به کسی برای هیپنوتیزم کردن آنها، یا انجام یک تجربه معلق و غیره باشد.

- هنگامی که چنین تاریخچه غیبی را کشف می کنید، شخص باید هدایت شود تا به روح عذاب آور فرمان دهد که به نام خداوند عیسی مسیح ترک کند. در غیر این صورت هیچ اتفاقی نمی افتد

- اگر سابقه گناه اعتراف نشده وجود دارد، همه آن باید آشکارا آشکار شود، توبه شود، و در حضور خداوند اعتراف شود تا بخشش و پاکسازی از گناه شناخته شده دریافت شود. بارها سابقه زخم، خشم، کینه یا عدم بخشش وجود دارد که دری را به روی

هجوم شیطان می گشاید. هر چقدر هم که شرم آور باشد باید با آن برخورد کرد. «اگر گناه را در دل خود می‌داشتم، خداوند گوش نمی‌داد»، و «به گناه خود (Psalm 66:18) نزد تو اعتراف کردم و گناه خود را نپوشاندم. گفتم: «خطای خود را نزد خداوند اعتراف خواهم کرد» و تو گناه گناه من را بخشیدی» (Psalm 32:5)

- اگر ترس دخیل است باید به این نکته اشاره کرد که خوف گناه است. معمولاً ناشی از احساس گناه یا تجربیات وحشتناک آسیب زا است. مهم نیست که چگونه به وجود آمده، گناه است. برعکس توکل به خداست.
- در طول مصاحبه، شما باید به نام قدرتمند عیسی ادعای قدرت و محافظت از خود و فرد مبتلا را داشته باشید.
- هنگامی که زمان مناسب است، به هر شیطان فرمان دهید تا خود را نشان دهد. یا شما یا فرد مبتلا باید به دیو فرمان دهید که به نام قدرتمند عیسی رفته و دیگر برنگردد.
- شما باید برای هر چیزی آماده باشید. به عنوان مثال، از حال رفتن، حرکات عجیب بدن، نگاه های وحشیانه، حالت های حيله گرانه در صورت، یا حتی کف کردن دهان.
- باید از اقتدار خود در عیسی مطمئن باشید. در امر خروج دیو فرمانبر و پیگیر باشید. همیشه از نام عیسی استفاده کنید و «خون او را دعا کنید». منظورم این است که ما باید بگوییم که "به نام عیسی و به قدرت خون او..."

- برای زمان طولانی آماده باشید. در برخی موارد، ممکن است مجبور شوید به تعویق بیفتید و روز بعد دوباره ملاقات کنید.
- اگر مواردی مانند تعویذ که آیات قرآن در آن وجود داشته باشد، باید توسط فرد مصیبت دیده صرف نظر کند و توسط آن از بین برود.
دست او، به هر شیطانی که با آن می آید دستور می دهد که آنجا را ترک کند.
- باید از قدرت و پیروزی عیسی به نام او کاملاً مطمئن باشید. جلال از آن اوست نه ما. هرگز به جلال او دست نزنید. تو بنده او هستی. اختیار با شما نیست
- هنگامی که دیو عذاب‌دهنده مصیبت دیده را ترک می‌کند، آن را می‌شناسد.
- همیشه آگاه باشید، ممکن است بیش از یک شیطان درگیر باشد. اگر چنین است، باید با همه آنها کنار بیایید تا زمانی که هیچ کدام باقی نماند.
- این تجربیات تحویل گرفتن می تواند از نظر احساسی خسته کننده باشد.

- باید برای زمانی از آسایش، حمایت محبت آمیز آماده شوید، و در وعده های خدا غوطه ور شوید، همانطور که فرد اکنون آزاد شده بهبود می یابد. در صورت نیاز، ممکن است به تغذیه فیزیکی نیاز داشته باشد.

- در صورت امکان، بعد از آن مراقبت های شبانی را انجام دهید، و اگر شخص به آن نیاز دارد و پذیرای آن است، به شاگردی مداوم پیشنهاد دهید. اگر فرد دوباره متولد نشد، باید انجیل را به وضوح توضیح دهید و درخواست توبه و ایمان به عیسی مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده کنید.

بله، این مطمئناً چیزهای زیادی برای به خاطر سپردن و انجام دادن است. اما مهم نیست که دشمن چقدر قوی است، مسیح از هر نظر و در همه زمان ها پیروز است. به همین دلیل است که می خواهم این فصل را با وعده های تشویق کننده و تقویت کننده زیر به پایان برسانم:

«این چیزها را به شما گفتم تا در من آرامش داشته باشید. در دنیا مصیبت خواهید داشت. اما دل کن من بر جهان غلبه کردم». (John 16:33)

«خداوند را طلبیدم و او مرا اجابت کرد و مرا از همه ترس هایم نجات داد. کسانی که به او می نگرند درخشنده اند و چهره هایشان هرگز شرمنده نخواهد شد.»

(Psalm 34:4-5).

«منتظر خداوند باشید. قوی باش و بگذار قلبت شجاعت بگیرد. منتظر خداوند باشید»

(Psalm 27:14).

«خداوند نزدیک است. برای هیچ چیز مضطرب نباشید، بلکه در هر کاری با دعا و نیایش و شکرگزاری، خواسته های خود را به خدا نشان دهید. و صلح خدا که از هر فهمی برتر است، دلها و افکار شما را در مسیح عیسی حفظ خواهد کرد... من می توانم همه چیز را بوسیله او که مرا تقویت می کند انجام دهم»

(Philippians 4:5b-7, 13).

«[خداوند] گفته است: «هرگز شما را ترک نمیکنم و تنها نمی گذارم.» پس می توانیم با اطمینان بگوییم: «خداوند یاور من است. من نمی ترسم؛ انسان با من چه می تواند بکند؟»

(Hebrews 13:5b-6).



فصل – پانزدهم

Chapter 15

لمس شفابخش عیسی

Jesus' Healing Touch

دوستان مسلمان ما ممکن است بدانند که عیسی برای شفای جذام، بینایی بخشیدن به نابینایان و اینکه می‌توانست مردگان را زنده کند، قدرت خاصی داشت. در قرآن دو آیه وجود دارد که این را بیان می‌کند: 5:113 ق و 3:49 ق. اما حتی اگر آنها قرآن را نخوانند، این دانش رایج در میان مسلمانان عادی است.

برای آماده شدن برای یک خدمت شفا در میان مسلمانان عامیانه، خوب است که به خوبی از آنچه کلام خدا در مورد شفا و به ویژه در مورد عیسی و شفا می‌گوید آگاه باشید. بیایید با سخنان خداوند در دوران موسی شروع کنیم: "من خداوند، شفا دهنده شما هستم. (Exodus 15:26)

در مزمور داوود آمده است: "ای جان من خداوند را برکت بده که همه بیماریهای تو را شفا می دهد" (Psalm 103:2-3).

این نبوت در مورد عیسی از اشعیای نبی وجود دارد: «همانا او غم و اندوه ما را بر دوش گرفته است. با این حال او را مضروب و مصیبت دیده می دانستیم. اما او به خاطر گناهان ما سوراخ شد.

او به خاطر گناهان ما زیر فشار قرار گرفت.

عذابی که ما را به آرامش رساند و با جراحات او شفا یافتیم.». (Isaiah 53:4-5).

این نقل قول ها از موسی، داوود و اشعیا صدها سال قبل از اینکه عیسی از آسمان فرود آمد تا آنها را برآورده کند، بیان شد.

32- حدود 1000 ق.م.

33- حدود 700 ق.م.

اکنون بیایید خدمت عیسی را در روزهایی که او بر روی زمین راه می‌رفت، بررسی کنیم:

- "و در تمام جلیل رفت و در کنیسه های آنها تعلیم داد و انجیل ملکوت را اعلام کرد و هر بیماری و هر مصیبت را در میان مردم شفا داد." (Matthew 4:23) معرفی پادشاهی خدا توسط پادشاه با شفا مشخص می شود.

- یک جذامی در حال صحبت کردن است: «خداوندا، اگر بخواهی، می‌توانی دوباره مرا پاک کنی.» و عیسی دست خود را دراز کرد و او را لمس کرد و گفت: «می‌خواهم. پاک باش.» و جذام او بلافاصله پاک شد.» (Matthew 8:2-3) عیسی همیشه آماده برای شفا است.

یک صدساله در حال صحبت کردن است: "خداوندا، خدمتکار من فلج در خانه دراز کشیده است و به شدت رنج می برد." و [عیسی] به او گفت: "من می آیم و او را شفا می دهم." اما مرد صدساله در جواب گفت: "خداوندا، " من سزاوار این نیستم که زیر سقف من بیایی، اما فقط کلام را بگو، و خدمتکار من شفا خواهد یافت." و عیسی به مرد صدساله گفت: «برو، چنان که ایمان آورده ای، برای تو انجام شود.» و غلام در همان لحظه شفا یافت. «(Matthew 8:6-8, 13). ایمان به عیسی برای شفا یافتن لازم است.

- «و چون عیسی وارد خانه پطرس شد، مادرشوهرش را دید که در حال تب دراز کشیده بود. دست او را لمس کرد و تب او را رها کرد و او برخاست و شروع به خدمت او کرد» (Matthew 8:14-15) عیسی سرچشمه همه شفاهای واقعی است.

- «و اینک عده ای فلجی را که بر تخت خوابیده بود نزد او آوردند. و چون عیسی ایمان آنها را دید، به فلج گفت: "ای پسرم قوی باش و جرات کن، گناهانت بخشیده شد..." "اما تا بدانی که پسر انسان بر روی زمین است که گناهان را ببخشد." فلج: برخیز، تختت را بردار و به خانه برو» (Matthew 9:2-3, 6) در این مورد، به سه چیز توجه کنید: ایمان دوستان مرد، ارتباط گناه و بیماری، و قدرت عیسی.

- «و هنگامی که عیسی از آنجا عبور می کرد، دو مرد کور به دنبال او آمدند و با صدای بلند فریاد زدند: «ای پسر داوود بر ما رحم کن.» هنگامی که او وارد خانه شد، مردان نابینا نزد او آمدند و عیسی به آنها گفت: آیا باور داری که من قادر به انجام این کار هستم؟» آنها به او گفتند: «بله، خداوندا.» سپس چشمان آنها را لمس کرد و گفت: «برحسب ایمان شما چنین شود.» و چشمانشان باز شد.

(Matthew 9:27-30a).

دوباره، عیسی به قلب مردم نگاه کرد تا ببیند آیا واقعاً برای شفا به او ایمان دارند یا خیر.

دوستان عزیز، این نمونه هایی از شفای عیسی یک جذامی، شفای یک مرد فلج از راه دور، یک زن تب دار، یک فلج با مشکل گناه و دو مرد نابینا فقط نمونه هایی از

کارهایی است که عیسی می تواند انجام دهد. در تصویر آغازین، کلام می گوید که او همه کسانی را که نزد او آمدند شفا داد.

اینها همه نمونه هایی از محبت خدا در عمل است. یوحنا رسول کسی است که چشمان ما را به این حقیقت باز کرد که خدا محبت است (1 John 4:8) و ما باید به این موقعیت ها پر از روح خدا، به ویژه با عشق نزدیک شویم.

در نقشه خدا، عیسی آمد تا کار شیطان را نابود کند. بخشی از آن طرح شفای مردم در روزهای خدمت او بر روی زمین بود. اما او همیشه شاگردانی با خود داشت. تماشا کردند و یاد گرفتند.

سپس قدرت و اقتدار خود را به نام خود به شاگردانش داد تا دو به دو بیرون بروند تا اعلام کنند که پادشاهی خدا آمده است تا مردم را شفا دهد، و هر جا که لازم باشد، دیوها را از مبتلایان بیرون کند

(Matthew 10:1; Luke 9:1- 2; Luke 10:1, 9, 17-20).

آنها مستقیماً از عیسی آموختند.

قبل از رفتن عیسی به صلیب، او توضیح داد که قرار است «وعدۀ پدر»

(John 14:26; Acts 1:4) را برای آنها، یعنی روح القدس بفرستد

سپس عیسی به صلیب رفت تا گناهان تمام جهان را در بدن خود حمل کند و برای ما گناه شد و به جای ما در غضب خدا درگذشت. عدل الهی پس از آن برآورده شد. حکم آنکوهش برای همه مؤمنان حذف شد. عیسی با مرگ خود بر روی صلیب، شیطان، "متهم برادران" را خلع سلاح کرد. (Revelation 12:10). قدرت شیطان بر مؤمنان

شکسته شد. گناه توسط خون گرانبهای عیسی، پسر خدا پرداخت شد. این اساس قدرت و قدرت عیسی برای شفا است - هم از نظر روحی و هم جسمی. پیشگویی Isaiah در مورد عیسی را به یاد بیاورید، "با جراحات او شفا یافتیم" (Isaiah 53:5). 121

خدمت شفای رسولان و دیگران در کتاب اعمال رسولان

The Healing Ministry of the Apostles and Others in the Book of Acts

عیسی به بهشت رفته است تا در دست راست پادشاهی کند

خداوند. رسولان اکنون تنها هستند. به ندرت یا آنها هستند؟! آنها اکنون روح القدس را در خود دارند - روح عیسی. آنها اکنون قدرت و عشق روح را به عنوان منبع درونی خود دارند. خود عیسی در آنها زندگی می کند. به یک معنا، آنها اکنون می توانند به

موقعیت های خود از چشم خدا نگاه کنند. بیایید فعالیت های رسولان اول در کتاب اعمال رسولان را در مورد خدمات شفای آنها مرور کنیم:

اکنون پطرس و یوحنا در ساعت دعا، ساعت نوبجه، به معبد بالا می رفتند. و مردی که از تولد لنگ بود هر روز او را نزد دروازه معبدی که دروازه زیبا نامیده می شود می خوابانند تا از کسانی که وارد معبد می شوند صدقه بخواهد. او که پطرس و یوحنا را دید که در حال رفتن به معبد هستند، درخواست کرد که صدقه بگیرد. و پطرس مانند یوحنا به او نگاه کرد و گفت: «به ما نگاه کن.» و توجه خود را به آنها معطوف کرد و انتظار داشت چیزی از آنها دریافت کند. اما پطرس گفت: «من نقره و طلا ندارم، اما آنچه دارم به شما می دهم. به نام عیسی مسیح ناصری برخیز و راه برو!» و دست راست او را گرفت و بلند کرد و بلافاصله پاها و زانوهای او قوی شد. و با سرعت برخاست و شروع به راه رفتن کرد و با آنها وارد معبد شد و راه می رفت و می پرید و خدا را ستایش می کرد. و همه مردم او را دیدند که راه می رفت و خدا را ستایش می کرد... و از شگفتی و شگفتی پر شدند. (Acts 3:1-10, 13)

توجه داشته باشید که این معجزه به نام عیسی مسیح ناصری بود. و شفا آنی بود. و مردم پر از شگفتی شدند. هنگامی که رهبران مذهبی «جسارت پطرس و یوحنا را دیدند و دریافتند که آنها افراد عادی و بی سواد هستند، شگفت زده شدند. و آنها متوجه شدند که با عیسی بوده اند.» نکته دیگری که توجه شما را جلب می کند: این قسمت می گوید که پطرس از روح القدس پر شده بود. جسارت آنها با قدرت روح القدس و این واقعیت که آنها با عیسی بودند ممکن شد.

پیتر Peter و جان John دستگیر شدند، سپس تهدید و آزاد شدند. آنها نزد دوستان خود رفتند و بلافاصله شروع به دعا کردند. در دعا‌های خود از جمله می‌گفتند: «پروردگارا، به تهدیدهای آنها بنگر و به بندگان عطا کن که سخت را با شهادت کامل به زبان آورند، در حالی که تو دستت را برای شفا دراز می‌کنی، و نشانه‌ها و معجزات انجام می‌شود. نام بنده مقدس تو عیسی» (Acts 4:29-30) درس‌های بیشتر: هرگز نترسید. با قدرت روح القدس، با شجاعت و همیشه به نام خداوند عیسی صحبت کنید.

«اکنون نشانه‌ها و معجزات [شفای] بسیاری در میان مردم به واسطه دست گذاشتن رسولان انجام شد... مردم نیز از شهرهای اطراف اورشلیم جمع شدند و بیماران و مبتلایان به ارواح ناپاک را آوردند و همه شفا یافتند.» (Acts 5:12-16) سؤال: آیا این نشان دادن محبت و قدرت خدا بخشی از معنای موعظه بشارت ملکوت بود؟ اگر چنین است، آیا این فقط توسط رسولان اتفاق افتاده است؟ من فکر نمی‌کنم. بیابید بخوانیم

Stephen رسول نبود. حتی به او هم deacon نمی‌گفتند. او به همراه دیگران برای خدمت به بیوه‌های غفلت شده انتخاب شد. «Stephen را برگزیدند، مردی سرشار از ایمان و روح القدس... و Stephen پر از فیض و قدرت، در میان مردم بود معجزات و نشانه‌های بزرگی انجام می‌داد.» (Acts 6:5b, 8) «علائم و عجایب» معمولاً به شفا و رهایی مردم از ظلم و ستم demonic اشاره دارد. اینها نشانه‌های حضور پادشاهی مسیح در جهان فیزیکی کنونی است.

«اکنون آنهایی که پراکنده بودند، برای موعظه کلام می‌رفتند. Philip به شهر سامره Samaria فرود آمد و مسیح را به آنها اعلام کرد. و انبوه مردم، وقتی کارکردهای Philip را می‌شنیدند و علایمی را که انجام می‌داد، می‌دیدند، به سخنان او توجه می‌کردند. زیرا ارواح ناپاک که با صدای بلند فریاد می‌زدند، بسیاری از آنها را که داشتند بیرون آمدند و بسیاری از فلج یا لنگ شفا یافتند.» (Acts 8:4-7) در این داستان، یادآوری این نکته مهم است که Philip ، مانند Stephen ، روی میزها منتظر می‌ماند و به بیوه زنان کمک می‌کرد. (Acts 6:5). چیزی که همه تفاوت را ایجاد می‌کند زمانی است که فرد مملو از فیض و ایمان و روح القدس است.

اکنون شاگردی در دمشق بود به نام Ananias. خداوند در رؤیا به او گفت: «Ananias... برخیز و به خیابانی که راست می‌گویند برو و در خانه یهودا مردی از طرسوس به نام شائول را بگرد... در رؤیا مردی به نام حنانيا را دیده که داخل شده و دراز کشیده است. دستانش بر او بود تا بینایی خود را به دست آورد.» رفت و Ananias وارد خانه شد. و دست بر او گذاشت و گفت: «ای برادر Saul ، خداوند عیسی که در راهی که آمدی بر تو ظاهر شد، مرا فرستاد تا بینایی خود را بازیابی و از روح القدس پر شوی.» و بلافاصله چیزی شبیه فلس از چشمانش افتاد و بینایی خود را باز یافت. (Acts 9:10-12, 17-18a)

توجه کنید که Ananias یک شاگرد معمولی دمشق بود. او رسول نبود. خدا از ایماندارانی استفاده می‌کند که پر از روح هستند و می‌توانند با رؤیایی از جانب خداوند هدایت شوند.

هنگامی که پطرس در میان همه آنها به اینجا و آنجا رفت، نزد مقدسینی که در لیدا زندگی می کردند نیز فرود آمد. در آنجا مردی به نام آئنیاس را یافت که هشت سال در بستر بود و فلج بود. و Peter به او گفت: « ، عیس Aeneas ی مسیح تو را شفا می دهد، برخیز و بسترت را مرتب کن.» و بلافاصله برخاست. و همه ساکنان لیدا و شارون او را دیدند و به خداوند بازگشتند. (Acts 9:32-35)

روح القدس گاهی در قلب یک مؤمن صحبت می کند و نشان می دهد که می خواهد شخص دیگری را شفا دهد. روح القدس می داند که او این معجزه را نه تنها برای برکت بخشیدن به شفایافته، بلکه از آن برای پیشبرد پادشاهی مسیح در میان گروه های کامل ایمانداران استفاده خواهد کرد. به یاد داشته باشید که پولس گفت: "پادشاهی خدا در گفتار نیست، بلکه در قدرت است". (1 Corinthians 4:20)

اکنون در Joppa شاگردی بود به نام Tabitha که ترجمه آن به معنای Dorcas است. او پر از کارهای خیر و صدقه بود. در آن روزگار مریض شد و درگذشت و چون او را شستند در بالاخانه گذاشتند. از آنجایی که Lydda در نزدیکی Joppa بود، شاگردان چون شنیدند Peter در آنجاست، دو مرد را نزد او فرستادند و از او خواستند: «لطفاً بی درنگ نزد ما بیا.» پس Peter برخاست و با آنها رفت. و چون رسید او را به اتاق بالا بردند. و همه بیوه ها در کنار او ایستاده بودند و گریه می کردند و tunics ها و لباس های دیگری را که Dorcus هنوز با آنها می ساخت نشان می دادند. اما پطرس همه را بیرون گذاشت و زانو زد و دعا کرد. و رو به جسد کرد و گفت: «Tabitha برخیز!» و چشمان خود را باز کرد و چون Peter را دید برخاست. و دستش را به او داد و او را بلند کرد. و قدیسان و زنان بیوه را خواند و او را زنده حاضر کرد. و

در تمام Joppa معروف شد و بسیاری به خداوند ایمان آوردند. و او روزهای زیادی را در نزد یکی از شمعونها که دباغ بود، ماند. (Acts 9:36-42)

در این حساب درس های زیادی وجود دارد. اول این که عیسی قدرت داشت مردگان را زنده کند. سپس در حالی که هنوز با آنها بود، این اختیار را به شاگردانش داد. پطرس مانند دیگران می دانست که مسیح با روح خود اکنون در او زندگی می کند.

درس دوم این است که وقتی کسی پادشاهی خدا را اعلام می کند، با مظاهر قدرت همراه است. درس سوم این بود که پطرس پس از چنین معجزه ای، عاقلانه بود که روزهای زیادی بماند تا ایمانداران جدید را در ایمان خود تأیید کند. Peter در Joppa تعطیلات نمی گذراند، او تازه ایمانداران را شاگرد می کرد!

روایت شگفت انگیزی از خدا وجود دارد که از پولس رسول در زمانی که در حضور معاون [فرماندار] قبرس بود، به شیوه ای غیرعادی استفاده کرد. جادوگری در آنجا بود که مشاور پیشکسوت بود که با پولس مخالفت می کرد.

پولس که از روح القدس پر شده بود، با دقت به [جادوگر] نگاه کرد و گفت: «ای پسر ابلیس، ای دشمن هر عدالت، پر از هر گونه نیرنگ و شرارت، از کج کردن راههای مستقیم خداوند دست برنخواهی داشت. ? و اکنون، اینک، دست خداوند بر توست، و تو کور خواهی بود و برای مدتی نمی توانی خورشید را ببینی.» فوراً غبار و تاریکی بر او فرود آمد و بیرون رفت و مردمی را جستجو کرد تا دست او را بگیرند. سپس

نایب السلطنه، چون آنچه را که رخ داده بود دید، ایمان آورد، زیرا از تعلیم خداوند شگفت زده شد. (Acts 13:9-12)

این داستان شفابخش نیست، بلکه قدرت خداوند را نه تنها در شفا دادن، بلکه در ایجاد کوری نیز نشان می دهد. توجه کنید، این توانایی پولس نبود که باعث این امر شود، بلکه خود خداوند بود که از طریق پولس کار می کرد. بنابراین، من این را مثالی از "نشانه یا شگفتی" آورده ام. این مهم است که مانند پولس، ما باید از روح القدس پر شویم.

هنگامی که Paul و Barnabas در Iconium بودند، می خوانیم: "آنها مدت زیادی در آنجا ماندند و برای خداوند با شهادت صحبت می کردند، که به کلام فیض او شهادت می داد و به دست آنها علائم و معجزات می داد." (Acts 14:3) آن «نشانه ها و شگفتی ها» به شفا و رهایی مردم از قدرت demonic اشاره دارد.

اکنون در Lystra مردی نشسته بود که نمی توانست از پاهای خود استفاده کند. او از بدو تولد معلول بود و هرگز راه نرفته بود. او به صحبت های پل گوش داد. و پولس با دقت به او نگریست و دید که ایمان به بهبودی دارد، با صدای بلند گفت: «روی پاهایت راست بایست.» و او برخاست و شروع به راه رفتن کرد. (Acts 14:8- 10).

هنگامی که مردم واکنش اشتباهی نشان دادند Paul و Barnabas را به نام خدایان بت پرست صدا کردند و خواستند برای آنها قربانی کنند، می خوانیم که چگونه این دو حواری با این وضعیت برخورد کردند: "اما هنگامی که Paul و Barnabas رسولان

این موضوع را شنیدند، جامه های خود را پاره کردند و با عجله در میان جمعیت هجوم آوردند و فریاد زدند: «ای مردان، چرا این کارها را می کنید؟ ما نیز انسانهایی هستیم که با شما همسان طبیعت هستیم و به شما مژده می دهیم که از این چیزهای بیهوده به خدای زنده روی گردانید». (Acts 14:14).

وقتی خدا از شما استفاده می کند و قدرت و قدرت خود را به نام عیسی برای شفا دادن به شما می دهد، کسانی هستند که به خدای واقعی که شفا دهنده است فکر نمی کنند، بلکه می خواهند سر شما سر و صدا به پا کنند، به اشتباه تصور می کنند که شما فردی خاص هستید و می خواهید فرقه ای را در اطراف شما تشکیل دهد. این امر جلال حق را از خدا و مسیح سلب می کند. Paul و Barnabas کار درست را انجام دادند. آنها اعتبار معجزه را به خدای واقعی معطوف کردند و به جمعیت یادآوری کردند که مانند آنها مردان عادی هستند. تنها تفاوت این است که آنها، به عنوان ایمانداران سرشار از ایمان، مملو از روح القدس بودند.

در پایان این فصل در مورد شفا و رهایی، به نمونه های خداوند عیسی، سپس دوازده حواری در روزگار عیسی، و هفتاد و دو نفری که او برای اعلام پادشاهی خدا فرستاد، همراه با «نشانه ها» اشاره کردیم. و شگفتی ها. این هفتاد و دو شاگرد معمولی بودند، مثل ما. همانطور که مسیح برخاسته در شرف بازگشت نزد پدر آسمانی و جلال بود

او قبل از شروع جهان، به رسولان یادآوری کرد که آنها را به خداوند تعلیم دهند که در روزهای آینده باید «هر چه به شما امر کرده ام مراعات کنند»

(Matthew 28:20).

خلاصه کردن همه چیزهایی که عیسی در آن سه سال آموزش داد بسیار چالش برانگیز است، اما بیایید تلاش کنیم.

او حقیقت را در مورد خدا بسیار غنی آموزش داد، اما همچنین وضعیت واقعی انسان های گمشده را که به خواست خود از خدا بیگانه شده بودند، آموخت. تمام خدمت او نشان دادن راه بازگشت به خدا بود. بله، آموزه های اخلاقی و اخلاقی وجود داشت، اما شامل قربانی محبت آمیز عیسی به عنوان پسر خدا برای گناهان تمام جهان بود. برترین عمل محبت مسیح این بود که به جای ما بر روی صلیب، در زیر خشم خدا بمیریم، و بدین ترتیب راه را برای آشتی ما با خدای پدرمان هموار کنیم.

این قربانی، که در نبوت پیشگویی شده بود، طبق نقشه پدر بود، اما عامل خیانت عیسی شیطان بود که از طریق انسانی که کاملاً در اختیار او بود کار می کرد. و بر روی صلیب بود که سرانجام عیسی قدرت شیطان را بر ما شکست. در روزهای خدمت عیسی بر روی زمین، و در انتظار پیروزی بزرگ او بر روی صلیب، عیسی اقتدار خود را برای مقاومت در برابر شیطان و رهایی مردم از او و شیاطینش حتی قبل از مصلوب شدنش اعمال کرد.

او این را به هسته درونی شاگردان خود، سپس به یک گروه بزرگتر از هفتاد و دو نفر آموزش داد، و سپس به رسولان خود دستور داد که این را به نسل های بعدی بیاموزند. در طول قرون بعدی، پادشاهی خدا دوران رشد و رکود خود را داشت. اما در چند دهه اخیر، یک انفجار واقعی از رشد کلیسا، به ویژه در نیمکره جنوبی این جهان، رخ داده است. در همین حال، کلیسای غرب، در مبارزه با اومانیسم سکولار، به دلیل غفلت

از جهان بینی کامل کتاب مقدس، دوره افول را سپری می کند. دور شدن از ماهیت فراطبیعی ملکوت خدا، بسیاری از مبلغان ما را با توجه به نقش پویایی که مسیح از طریق روح القدس به درستی در شفای الهی و رهایی از نفوذ اهریمن دارد، کور کرده است. به نظر من بدترین ناآگاهی مربوط به نقش شیطان در امور انسانها و جنگ او با کلیسا است.

این جهل باید پایان یابد. به همین دلیل این کتاب نوشته شده است. و این ما را در کنار برخی از مطالعات موردی زندگی واقعی سوق می دهد که در آنها درگیر برخوردهای مختلف قدرت بودم - مسیح در مقابل شیطان.



فصل – شانزدهم

Chapter 16

قضیه مطالعات معاصرویا مطالعات موردی فعالیت شیطانی

Contemporary Case Studies of Demonic Activity

برخی از این مطالعات موردی در کتاب قبلی من که در سال 2009 منتشر شد، به نام داستان هایی که آموزش می دهند، نوشته شده است. دیگران برای اولین بار معرفی می شوند.

شفادادن زمانی که داکتران مبلغ تسلیم شده بودند

A Healing When Missionary Doctors Had Given Up

دوستی ما از زمانی شروع شد که من در شهر جلوم Jhelum در سمت شمالی دریایی در Jhelum پنجاب پاکستان زندگی می کردم. کلیسای روبروی خیابان در سال 1868 توسط مبلغان Presbyterian در زمانی که بریتانیا بر هند حکومت می کرد، تأسیس شد. کشیش از اسلام گرویده بود و بزرگ ارشد از نسل هندو بود. اکثر اعضا از هندوی سابقه بودند. بسیاری از کسانی که در آن شرکت کردند کسانی بودند که شما ممکن است جزی مسیحیت بنامید. از جمله دستیار پست، Niamet مسیح، در اداره پست مرکز شهر بود. ما اغلب با او به صورت اجتماعی و در کلیسا ملاقات می کردیم. سرانجام، جلوم Jhelum را ترک کردیم تا در کالج مسیحی Forman در لاهور، مرکز استان تدریس کنیم. همچنین در لاهور، بیمارستان مسیحی متحد با داکتران و Methodist و Presbyterian بود.

یک روز برادر کوچکتر نیامت در خانه ما بود و از ما خواست که به بیمارستان برویم تا برای نیامت دعا کنیم. بیمارستان های آن روزها گرمایش مرکزی نداشتند. بیماران اغلب بر روی تشک های نازک در فضای باز قرار می گرفتند. نیامت را در چنین جایی در زیر نور آفتاب یافتیم. من به سختی دوست قدیمی ام را شناختم. سر و

دست ها و پاهایش به طرز عجیبی بزرگ شده بودند. دست ها و پاهایش فقط پوست و استخوان بود.

نفس نفس زدم و ازش پرسیدم چه بلایی سرش آمده ؟ او گفت: «برادر Don ، من مبتلا به سل پیشرفته در شش هستم و گرده هایم از کار افتاده اند. امروز پزشکان مبلغ به من گفته اند که نمی توانند من را نجات دهند، من می میرم. آیا برای من دعا می کنی؟» در شوک به سراغ یکی از پزشکان مبلغ رفتم تا در مورد پرونده او بپرسم. به من گفتند که او خیلی دور شده است و داروی سل او باعث از کار افتادن کلیه ها شده و داروی ادم او سل را بدتر (water retention) می کند. پزشکان به من گفتند: "ما نمی توانیم او را نجات دهیم." وقتی برگشتم پیش نیامت بشینم خیلی احساس درماندگی کردم. من خودم آموزش پزشکی دیده بودم. و اگر پزشکان گفتند که او قرار است بمیرد، خوب، همین است.

وقتی با نیامت نشسته بودم، به یاد آوردم که در دانشکده، خانم جولیان سینکلر، همسر مدیر، به این شهرت داشت که می توانست برای شفای مردم دعا کند. به نیامت گفتم می روم دانشکده تا خانم سینکلر را دعوت کنم تا با من برگردد و بعد برایش دعا کنیم. وقتی من و او روی زمین کنار نیامت نشسته بودیم، باور نداشتم که خدا می تواند او را شفا دهد. اما روح القدس آیه ای را به ذهنم آورد که حفظ کرده بودم: «پس ایمان از شنیدن می آید و شنیدن از طریق کلام مسیح». (Romans 10:17) این باعث شد که خانم سینکلر و من چندین قسمت از مسیح را که مردم را شفا می داد با صدای بلند بخوانیم. و با انجام این کار، ایمان در من متولد شد. شروع کردم به این باور که مسیح می تواند این مرد را شفا دهد!

وقتی در حال خواندن کتاب مقدس بودیم، به نیامت گفتیم که می خواهیم دعا کنیم. اما از او خواستم اول وقت نماز بخواند. وقتی شروع به دعا کرد، معلوم بود که او یک مسیحی اسمی است. من در روح ناله کردم و گفتم: "اوه، پروردگارا، اینجا قرار نیست هیچ اتفاقی بیفتد." سپس ناگهان نیامت با صدای بلند شروع به اعتراف به گناهان خود کرد. این برای مدت طولانی ادامه داشت. تصویری که نصیبم شد این بود که نیامت احساس می کرد در لبه صخره ای آماده سقوط در آتش جهنم است و این آخرین فرصت او برای رسیدن به حق با خدا بود. همانطور که او دعا می کرد، من واقعاً به این باور رسیدم که خداوند می تواند این مرد را شفا دهد. وقتی نماز نیامت تمام شد، انجیل را با دقت برای او توضیح دادیم و از او پرسیدیم که آیا اکنون عیسی مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود می پذیرد. او آماده بود و این کار را کرد.

سپس به او گفتم: اکنون می رویم نماز بخوانیم. دعا می کردیم که خداوند باسیل سل را از بدنش بیرون کند در حالی که دست هایمان را روی ناحیه ریه هایش می گذاریم. سپس دعا کردیم که خداوند کلیه هایش را باز کند. سپس دعا کردیم که خداوند ادم را از سر و دست و پایش ببرد. سپس از خداوند خواستیم تا عضلات دست و پاهای آتروپی شده او را بازگرداند. وقتی تمام این چیزها را به نام قدرتمند عیسی دعا می کردیم، خدا به من ایمان داد که به نیامت بگویم: «حالا خوب می شوی». بعد از کلی خوشگذرانی راه افتادیم.

سه روز بعد، دکتر مبلغ مرا به بیمارستان فراخواند و گفت: «دان، با آن مرد چه کردی؟ او خوب می شود.» به همکار پزشکیم گفتم: "دیو، اگر هرگز به آن فکر نکرده ای، فرائر از مرزهای پزشکی غربی، عیسی مسیح است و او این مرد را شفا می

دهد." مدتی طول کشید تا نیامت به طور کامل بهبود یابد. او مردی متحول شده بود. هنگامی که او به اندازه کافی خوب شد، به مقام ارشد پست ارتقا یافت و به پست جدید خود در شهر دیگری منتقل شد.

پس از آن، از خودم پرسیدم: "چرا باید به پاکستان می آمدم تا یاد بگیرم که خداوند عیسی مسیح می تواند مردم را شفا دهد؟" جواب؟ تأثیر «secular humanism» بر ایمان من به من آموخت که این چیزها امروز اتفاق نمی افتد. خدا را ستایش کنید که عیسی امروز حکومت می کند و کاملاً قادر به شفا است.

اعمال غیبی در میان دانشجویان مدرسه علوم دینی در گوجرانوالا **Gujranwala** ،
پاکستان

Occultic Practices Among Seminary Students in Gujranwala, Pakistan

این تکلیف من برای هر یک از شصت شاگردم بود: «این آخر هفته وقتی به خانه می روید و به کلیساهایتان می روید، از خانواده و اعضای کلیسای خود سؤال کنید که آیا شواهدی از اعمال غیبی در میان اعضای جماعت وجود دارد یا خیر.»

در کمال تعجب من، هر دانش آموزی یا در خانواده خود یا در زندگی اعضای کلیسای خود، یا در هر دو، چیزی از اعمال غیبی پیدا کرد. فاجعه این بود که مسیحیان با محیط همسایگان مسلمان خود سازگار شده بودند. در زیر نمونه هایی از آنچه دانش آموزان من کشف کردند فهرست شده است:

- در یک خانه "مسیحی" محرابی با عود سوزاندن قبل از عکس یک مرد "مقدس" مسلمان به نام "پیر" وجود داشت. خانواده گفتند: ما به خدا و این مرد مقدس ایمان داریم. این همان تالیف عقاید مختلف است. آنها با خداوند راه نمی رفتند.

- یک دانش آموز بسیار باهوش گزارش داد که پدرش با ارواح اجداد مرده ارتباط برقرار می کرد.

قسمیکه در نتیجه، آنها در خانواده خود به شیاطین مبتلا شدند تا اینکه پدر مسیحی شد و از ارتباط با شیاطین دست کشید.

- یکی دیگر از دانش آموزان گفت: «پدرم سر مزار مردگان می رفت. وقتی شش ساله بودم، جادوگری آمد و در من زندگی کرد. مادرم یک مسیحی قوی را می شناخت که آمد و دعا کرد و جادوگر مرا ترک کرد. ما برای پدرم دعا کردیم که از زیارت قبرها منصرف شود. انجام داد و دریا فت که مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده اومیباشد.»

- از دانش آموز دیگری، «در سرک من، چند خانواده مسیحی در مقبره مرد مقدسی که دارای قدرت خاصی در معجزه بود، عبادت کردند. آنها هر سال تولد او را با رقصیدن و طبله زدن جشن می گیرند.»

- «پدرم دوستی داشت که شعبده باز بود. مردم برای نصیحت نزد او می آمدند و او چیزی روی کاغذ می نوشت و می گفت برو خانه و کاغذ را در یک گیلان آب بگذار و آب را بنوش، مشکلاتت برطرف می شود. ما برای پدرم دعا کردیم و او ایمان آورد و مرد جادوگر را رها کرد.»

- «مردم به حرم مرد مقدسی می روند که روغنی را که برایش می آورند برکت می دهد. این روغن برای افرادی که مشکل دارند استفاده می شود و باعث بهبود آنها می شود. او انسان مقدس مسیحی نبود.»

- «یک بار در یک مراسم عبادت مسیحی، روح بدی بر مردی وارد شد که باعث آشفته گی شدید شد. کشیش ارشد برای مرد دعا کرد و روح بد مرد را ترک کرد.

- «مردم مسیحی به سراغ مردی می روند که برای پول جادو می کند. همه فرزندانم جن زده اند. مسیحیان نمی دانستند چگونه شیاطین را وادار به ترک کودکان کنند.»

- «مردی در کلیسا بود که دیو داشت و هیچکس نمی توانست به او کمک کند. کشیش از تمام جماعت خواست که چند روز نماز بخوانند و دیو بیرون آمد و کاملاً آزاد شد.

در اینجا من از فهرست کردن آنچه سایر دانش آموزان گزارش کردند، دست می کشم، زیرا بدیهی بود که مسیحیان در جامعه ای زندگی می کردند که از این اعمال غیبی، به ویژه مشکل شیطان سازی، اشباع شده بود. این به وضوح به این واقعیت اشاره می

کند که شاگردی مناسب در کلیساها انجام نشده است. اگر شما، به عنوان یک کارگر مسیحی غربی، آمادگی مقابله با این نوع اعمال را نداشته باشید، ادامه خواهند داد و شما به عنوان نماینده مسیح ناکارآمد خواهید بود. کلام خدا تعلیم داده نشده است و «مسیحیان» واقعاً از کلام و روح زاده نشده اند. در غیاب روح القدس در زندگی این مؤمنان اسمی، شیطان و شیاطین زندگی این به اصطلاح مسیحیان را آزار می دهند. در پاکستان، در غیاب تعالیم خوب و محکم کتاب مقدس و عدم تاکید بر تبدیل واقعی و پر شدن روح القدس، کلیسا کلیسا نیست.

فقط یک نظر دیگر در اینجا: وقتی مسلمانان نمی توانند با خدای واقعی ارتباط برقرار کنند، برای پاسخ به نیازهای خود به دنیای ارواح دیگر روی می آورند. در نتیجه، در پاکستان منظره‌ای را خواهید دید که پر از زیارتگاه‌های مختلف «قدیس‌ها» به نام «پیر» است. مردم برای کمک به این امامزاده ها هجوم می آورند. و در سایر کشورهای مسلمان نیز همین را خواهید یافت. مجدداً سخنان عیسی را به خاطر بیاورید: "وقتی جمعیت را دید، بر آنها دلسوزی کرد، زیرا آنها مانند گوسفندان بدون شبان آزار و اذیت و درمانده بودند" (Matthew 9:36) خواننده عزیز، من دعا می کنم که شما نیز مانند عیسی حساس باشید و با شفقت او متاثر شوید و خود را آماده کنید تا با قدرت روح القدس و به نام خداوند عیسی به آنها خدمت کنید.

قضیه فالگیرکولی یا (کوچی)

این داستان در یک منطقه مسلمان نشین یک کشور غیر اسلامی اتفاق می افتد. من یک سخنران مهمان در یک کلیسای مسیحی بودم که کشیش از من خواست تا با یکی از مردان جوانشان که قبلاً شاهدی قوی مسیحی داشت، اما اکنون به قدری دچار اختلال

در گفتار شده بود که نمی‌توانست حرف خود را بدون آن بیان کند، برخورد کنم. لکننت وحشتناک این آن نوع مبلغ ای نبود که من دنبالش بودم. اما کشیش بسیار پیگیر بود. بالاخره قبول کردم برای آن جوان دعا کنم. اما قبل از اینکه نماز بخوانم و با مشقت فراوان سابقه پرونده او را گرفتم.

در این ماجرا چند عامل وجود داشت: یک اتفاق بد اخلاقی رخ داد. زمانی بود که پدر مرد جوان او را با خود به ملاقات یک فالگیر کولی برد. آنها به اتاقی با پرده های سنگین رفتند و خانمی پشت میزی نشسته بود که یک کره شیشه ای رنگی جلوی او بود. بعد از اینکه نشستند و قبل از اینکه آینده‌شان را بگویند، با دقت به پدر نگاه کرد و با صدایی قوی گفت: آیا به من اعتماد داری؟ پدر با ملایمت گفت: بله. سپس رو به مرد جوان کرد و با همان شدت از او پرسید: آیا به من اعتماد داری؟ و او گفت: "بله." سپس او چیزهایی را پیشگویی کرد که قرار بود در آینده اتفاق بیفتد. در این نقطه از گفتگوی ما، مرد جوان خوش فکر شد و گفت: "و بسیاری از این چیزها محقق شد." زیر طلسم او بود.

وقتی پرسیدم که لکننت از چه زمانی شروع شد، او داستان زیر را نقل کرد: «یک روز گروهی از سربازان به روستای ما آمدند و مردم محلی به آنها مشروبات الکلی دادند. وقتی کاملاً مست شدند، تصمیم گرفتند همه بچه هایی را که در حال دویدن بودند بکشند. شروع به تیراندازی کردند. به داخل مزارع ذرت دویدم و خودم را روی زمین انداختم. گلوله ها روی سرم سوت می زدند و ساقه های ذرت را می بریدند. آنقدر ترسیده بودم که کنترل تمام عملکردهای بدن را از دست دادم.»

ما یکایک به موارد زیر میپردازیم:

- اعتراف به واقعه غیر اخلاقی او شد و از پروردگار طلب بخشش کرد و دریافت کرد.

- با اساس ترس برخورد کردیم. به او یادآوری کردم که ترس گناه است - فراموش کردن توکل به خداوند، مهم نیست که چه باشد. سپس از خداوند خواست که او را به خاطر عدم اعتماد در زمان بحران ببخشد و خداوند او را بخشید. و بعد به سر اصل مطلب رسیدیم.

- در ماجرای فالگیر کولی به این نکته اشاره کردم که وقتی او گفت که به او اعتماد دارد، در واقع اعتماد خود را از خداوند به روح (دیو) که از طریق او کار می کرد منتقل کرد. مرد جوان فهمید. توبه کرده بود. به او گفتم: «چون تو مؤمن هستی، مسیح در تو زندگی می کند. بعد از اینکه برای این گناه آمرزش خواستی - و بخشیده خواهی شد - به نام قدرتمند عیسی شیطانی که تو را آزار می دهد دستور می دهی که برو و دیگر برنگرد. پس از مدتی تردید، با نگاه های غیر عادی در چشمانش، موافقت کرد. او دعای قوی اعتراف، توبه، و تأیید مجدد ایمان خود به خداوند خواند. سپس به روح شکنجه دستور داد که برود و دیگر برنگردد.

پس از دعا، و پس از فرمان رفتن روح به نام عیسی، می توانستید احساس آرامش و آرامشی را که بر او وارد شده بود ببینید. لبخندی زد و بعد شروع به صحبت عادی و بدون لکنت کرد. جلال همه برای عیسی برای چنین پیروزی بر شیطان.

قضیه مقبره های پادشاهان زنده

The Case of the Tombs of the Living Kings

سال ها پیش از یک مرکز زیارتی مسلمانان واقع در حاشیه شهر سمرقند در ازبکستان بازدید کردیم. ما یک زن راهنمای سفر روسی داشتیم که تظاهر به بی خدایی می کرد. پدرش از مقامات کمونیست در دولت اتحاد جماهیر شوروی بود. اما او مجذوب آنچه در این امامزاده می گذرد بود. این یک ساختمان کم ارتفاع و طولانی بود که بر روی یک تپه قرار داشت. در هر اتاق از این بنا یک قبر تا کمر با درب گرد بر روی هر قبر وجود داشت. هر دو مسلمان ازبک و قرقیز، زن و مرد، در صف منتظر ماندند تا نوبت به اتاق پادشاه مرده مورد علاقه خود بروند. حتی برخی به همه اتاق ها رفتند.

الکساندرا³⁷ Alexandra، راهنمای سفر ما، به شدت تماشا می کرد که مسافری به اتاق می روند و دعای خود را به روح پادشاه خوب می رسانند.

سپس دستانشان را روی پلک‌های قبر می‌مالید و دست‌هایشان را روی صورت و سینه/سینه‌شان می‌مالید تا در پاسخ دعای روح، برکه (برکت) را دریافت کند. ساشا³⁸ Sasha کاملاً مبهوت و مجذوب چیزی بود که تماشا می‌کرد. به او گفتم: "ساشا Sasha، میفهمی اینجا چه کار می‌کنند؟" او پاسخ داد: "نمی‌دانم." سپس به او توضیح دادم که این افراد ناامید نمی‌دانند برای دریافت پاسخ به نیازهای مختلف زندگی خود به کجا مراجعه کنند.

رهبران مسلمانان به آنها گفته اند که خدا دور است، و بنابراین آنها برای کمک به دنیای ارواح روی می‌آورند. سپس به ساشا Sasha گفتم: "آیا غم انگیز نیست که آنها باید به محل مردگان بیایند تا با ارواح "احساس" خود به جای خدای زنده ارتباط برقرار کنند. او گفت: "خوشحالم که این را گفتی. من به زنده ها اعتقاد دارم نه مرده ها." که منجر به گفتگو در مورد خدا شد.

سپس او ما را به منطقه دیگری هدایت کرد که در آن ساختمان بزرگی وجود داشت که در آن یک مقبره وجود داشت - مقبره مشهورترین فاتح مسلمان تاریخ، Tamerlane (1336-1403)، که از نوادگان مستقیم مشهورترین اجدادش، چنگیز

خان بود. داخل این ساختمان بزرگ مقبره در یک قفس برنجی استادانه محصور شده بود. زائران به محفظه برنجی می‌آمدند و آن را لمس می‌کردند یا می‌بوسیدند و در آنجا دعای خیر می‌کردند. در کمال تعجب، راهنمای سفر "بی خدا" ما به سمت کباب پز برنجی رفت و انگشت او را روی آن لمس کرد. به او گفتم: "ساشا، چه کار می‌کنی؟" او پاسخ داد: "من می‌دانم که اینجا قدرت زیادی وجود دارد و می‌خواهم این محوطه آرامگاه را لمس کنم و نیرو را دریافت کنم."

38 نام مستعار الکساندرا

39 حدود 1158-1227، مؤسس امپراتوری مغول.

سپس برای او توضیح دادم که قدرت خوب، قدرت روح القدس خدای واقعی، در دسترس کسانی است که به عیسی مسیح ایمان دارند. و "قدرتی" که او در این مقبره احساس کرد از جانب خدا نبود، بلکه از شیطان بود. پس از آن، خلاصه‌ای از انجیل عیسی مسیح در همان محل مقبره ارائه شد. من هرگز نمی‌دانم که آیا ساشا به مسیح ایمان واقعی پیدا کرده است یا نه، اما می‌دانم که این "یک قرار الهی" بود که توسط خود خداوند به نفع این گوسفند گمشده اش ترتیب داده شد - "بی خدا" که می‌خواست با او در تماس باشد. قدرت ماوراء طبیعی. من بارها برای او دعا کرده‌ام که به عیسی مسیح، پادشاه پادشاهان، کسی که قدرت مقدس را به ایمانداران می‌دهد، ایمان نجات‌بخش پیدا کند.

قضیه یا پرونده یک زن مذهبی مسلمان در یک مقبره مقدس در جاوه Java ، اندونزی

The Case of the Religious Muslim Woman at a Tomb of a Saint in Java, Indonesia

در جزیره جاوه در اندونزی، شنیدیم که سه زیارتگاه مهم وجود دارد - یکی در جاوه غربی، یکی در جاوه مرکزی و دیگری در جاوه شرقی. ما از یکی در جاوا شرقی بازدید کردیم. در آنجا مقبره یک «قدیس» مرده را بر روی تپه ای از زمین ساخته دست بشر با گل های زیبا که در طبقات از سطح زمین تا بالا مرتب شده بودند، یافتیم. یک حصار فلزی کوچک به ارتفاع حدود یک فوت وجود داشت که توده ای از گل ها را در اطراف تپه ای دوازده فوتی مربعی محصور کرده بود. زمانی که به زیارت حرم رفتیم، بانوی مسلمانی را دیدیم که لباس محافظه کارانه پوشیده بود و چادری روی سرش گذاشته بود. او رو به قبر روی زمین نشسته بود و قرآنی باز در دامنش داشت. او آن را با صدای بلند می خواند و به طور دوره ای دعا های خصوصی خود را به روح فرضی «قدیس» می کرد. این یک نمونه رایج از تلفیقی است، یعنی آمیختن اسلام ارتدوکس با یک عمل اسلامی عامیانه.

اگر شما یک زن مبلغ مسیحی بودید که به زبان محلی صحبت می کرد و از آنچه دیدید با دلسوزی متاثر می شدید، چه می کردید؟ از آنجایی که ما هر دو مرد بودیم، با احتیاط این را از دور مشاهده می کردیم، نمی توانستیم کاری انجام دهیم. آیا می خواهی کنارش بنشینی و تشویقش کنی که به تو بگوید چه چیزی در دلش بود؟ آیا حاضرید توضیح دهید که چگونه عیسی که در بهشت است (و همه مسلمانان معتقدند عیسی از

The Case of Iranian Muslim Converts Who Were Not Growing in the
Lord صلیب زنده به بهشت برده شد) می تواند شفیع او باشد؟ در مورد آن فکر کنید.
روح القدس شما را در چنین برخوردهایی راهنمایی خواهد کرد.

قضیه یا پرونده مسلمان ایرانی که در پروردگار رشد نمی کردند

The Case of Iranian Muslim Converts Who Were Not Growing in the Lord

این اتفاق در کشوری مجاور ایران که پناهجویان به آنجا گریخته بودند، رخ داد. حدود بیست نفر از آنها در کلاس زبان انگلیسی که توسط مبلغان غربی تدریس می شد ثبت نام کرده بودند. قطعات کتاب مقدس به عنوان بخشی از دوره مورد استفاده قرار گرفت. در مقطعی، مردان جوان مسلمان ایرانی انجیل را «شنیدند» و ایمان خود را به مسیح اعلام کردند. اما افسوس که آنها با مطالعه کلام خدا رشد نمی کردند.

اگرچه از من دعوت شده بود تا در مورد روش‌های بهتر شاگردی صحبت کنم، اما تمام صبح را صرف آموزش «اسلام خیابان» کردم، یعنی آنچه مسلمانان در زندگی روزمره خود انجام می‌دهند. یکی از مبلغان در واقع با انزجار از کلاس بیرون رفت. در پایان درس چهار ساعته، رهبر پرسید: «چرا وقت ما را در آموزش این همه «غیبت اسلامی عامیانه» به ما تلف کردید؟ ما از شما دعوت کردیم که روش بهتری برای شاگردسازی به ما بیاموزید.»

من پاسخ دادم: «ببین، من باید به شهر دیگری بروم و یک شب آنجا خواهم بود. در حالی که من رفته‌ام، از شما می‌خواهم که با هر یک از «تبدیل شدگان» خود مصاحبه کنید و سؤالات زیر را از آنها بپرسید:

- «آیا هنوز قفسه ای می پوشی که در آن آیه قرآنی در بالای بازو یا گردنت است؟»

- "آیا تا به حال به درخت مقدسی رفته اید و دعای خود را در یک کاغذ یا پارچه به شاخه ای از درخت گره زده اید، زیرا فکر می کنید روحی در آنجا وجود دارد که می تواند به شما کمک کند؟"

آیا تا به حال به زیارت مردی «مقدس» در حرم رفته اید و در ازای «برکت» یا نصیحت به او پولی می دهید یا نوعی «قربانی» یا هدیه می دهید؟

- «آیا تا به حال برای یک مرده به روح دعا کرده اید؟ قبر "قدیس"؟»

- "آیا تا به حال پیش یک فالگیر رفته اید و به او پول می دهید تا فال خود را بگوید؟"

این نوع سوالاتی که ممکن است بپرسید پایانی ندارد.

روز بعد برگشتم تا از رهبر بپرسم که گروه مبلغان چه چیزی متوجه شدند. پاسخ بسیار هشیار کننده بود. حقیقت این بود که آنها هرگز از «نوکیشان» خود درباره نوع چیزهای غیبی که قبل از اظهار ایمان به عیسی درگیر بودند، نپرسیده بودند.

دوستان عزیز، زمانی که شما دعوت به توبه می کنید، ممکن است مجبور باشید در یافتن اینکه دقیقاً از چه اعمال یا عقایدی توبه می کنند، بسیار پافشاری کنید. همه این اعمال غیبی گناه است. آنها ممکن است درگیر دنیای ارواح «دیگر» بوده باشند. این اقدامات باید اعتراف و توبه شود و هر اقلام مرتبط با آنها باید توسط کاربر با دست خود از بین برود. درس بزرگ: یک ایماندار جدید به مسیح باید با تمام تجربیات قبلی در دنیای روح "دیگر" فاصله بگیرد.

قضیه درخت مقدس در قرقیزستان

The Case of the Sacred Tree in Kyrgyzstan

قرقیزستان کشوری بسیار زیبا و کوهستانی در مرز چین است. مسیرهای پیاده روی عالی در میان دره ها وجود دارد. یکی از دوستانم از من دعوت کرد تا در مسیری که خارج از پایتخت بیشکک بود پیاده روی کنم. پس از رانندگی کوتاهی به سمت کوهستان، ماشین خود را در بیشه ای از درختان گل دوست داشتی پارک کردیم. مسیر در کنار یک نهر درخشان و روان بود. پس از حدود یک مایل پیاده روی، به یک پیچ در مسیر رسیدیم، و در آنجا، در حدود پنجاه فوتی مسیر، این درخت بزرگ و پربرگ بود که صدها تکه پارچه کوچک روی آن بسته شده بود. از همراهم خواستم داستان این درخت «مقدس» را برایم تعریف کند.

به گفته او قبلاً «مرد مقدسی» زیر آن درخت زندگی می کرد. او در ازای مبلغی اندک نصیحت می کرد، برای حاجت شما دعا می کرد یا حتی بر شما نبوت می کرد و سپس شما را با «برکت» خود می فرستاد. سرانجام او مرد و یکی از شاگردانش به درخواست «مرد مقدس» در حال مرگ، او را در جایی زیر سایه آن درخت دفن کرد. مسلمانان محلی قرقیزستان معتقدند روح این مرد مقدس در آن درخت معلق است - که

روح او می تواند درخواست های دعا را که روی آن تکه های کوچک پارچه نوشته شده است بخواند و به آنها پاسخ دهد.

رفیقم اظهار داشت که این درخت مقدس بسیار معروف است و مسلمانان از دور و نزدیک می آیند تا درخواست های خود را به آن درخت گره بزنند.

دوست عزیز، مسلمانان نیازمند از این باورند که شفاعت روح این "قدیس" واقعاً می تواند دعای آنها را مستجاب کند. آیا شما شفیع هستید؟ به یاد داشته باشید، مسلمانان معتقدند که عیسی هرگز نمرده، بلکه زنده به بهشت برده شده است. و مسلمانان نیز معتقدند که چون شما مسیحی هستید، با عیسی در ارتباط هستید و او دعای شما را برای آنها می شنود و اجابت می کند. چگونه می خواهید یک وزارتخانه با این مسلمانان عامیانه ایجاد کنید؟

قضیه یا پرونده کتاب های ممنوعه در یک کشور خاورمیانه

The Case of the Forbidden Books in a Middle Eastern Country

از یکی از شاگردان سابقم دعوت نامه ای آمد تا بیاید و چند روزی را با او در یک کشور خاورمیانه سپری کند. خیلی در خیابان بودیم. کم کم متوجه اتفاقات غیبی در شهرش شدم. سپس شنیدم که انواع کتاب های عربی در مورد اعمال غیبی را می توان مخفیانه با هماهنگی خاصی از طریق دوستان مورد اعتماد محلی خریداری کرد. انجام آن به دلایل امنیتی زمان بر بود. اینطوری اتفاق افتاد

در یک روز معین در یک خیابان خاص (اگرچه بیشتر شبیه کوچه‌ای بود که مردم در آن راه می‌رفتند، بدون تردد ماشین)، دو آقای میانسال را پیدا کردیم که لباس‌های مناسبی به تن داشتند و پشت میز نشسته بودند و چای می‌نوشیدند. ما به آنها ملحق شدیم. سر چای پرسیدند دنبال چه می‌گردیم؟ با علامت آنها، دیوار آجری جامد روبروی باز شد و درهای لولا باز شد و یک کتابفروشی مخفی با صدها کتاب عربی جلد شومیز را آشکار کرد. خادم شروع به آوردن کتاب به کتاب در مورد انواع اعمال غیبی کرد.

من حدود صد تا از آنها را نگاه کردم، سپس ده تا از آنها را انتخاب کردم و آنها را به قیمت هر کتاب ده دلار خریدم. بعد از اینکه وسایلشان را جمع کردند، از آن دو آقا مرخصی گرفتیم و با عجله به خانه رفتیم. آنها را به یک مسیحی محلی دوزبانه دادم و از او خواستم آن کتاب‌ها را ورق بزند و در یکی دو جمله به انگلیسی بنویسد که هر کتاب در مورد چیست. روز بعد او کتاب‌ها را با خلاصه‌ای از هر کدام پس داد. روی جلد هر یک از آنها آثار هنری زیبایی از آنچه کتاب قرار بود آموزش دهد، داشت. مثل نگاه کردن به یک فیلم ترسناک بود که من هرگز انجامش نمی‌دهم. چگونه شیاطین را فراخوانی کنیم. نحوه اخراج شیاطین؛ چگونه به دشمنان خود نفرین کنید. چگونه "چشم بد" را روی رقیب خود قرار دهید. نحوه ارتباط با مردگان؛ نحوه تعبیر خواب؛ کتاب‌های جادوی سیاه و غیره

با به دست آوردن اطلاعاتی که می‌خواستم، ترتیبی دادم که هر ده کتاب در آتش سوزانده شوند و به نام عیسی از هر شری که با آنها می‌آمد چشم‌پوشی کردم. من نمی‌توانستم باور کنم که این اتفاق در مرکز شهر پایتخت کشور در حال وقوع است. روز بعد به

همان خیابانی که روز قبل بودیم رفتیم. دیوار بدون درز به نظر می رسید. اگرچه این اتفاق هرگز نیفتاد. چه شاهکاری از فریب - همان جا در قلب شهر.

پس از ترک آن کشور به پاکستان عزیزم پرواز کردم. به شهری رفتم که حوزه علمیه در آنجا تدریس می کردم. از یکی از شاگردانم که موتور اسکوتر داشت، خواستم که به بازار اردو برود و ببیند آیا غرفه‌هایی با کتاب‌هایی در مورد اعمال غیبی وجود دارد یا خیر. وقتی برگشت، گفت: «همه چیز در فضای باز است. چندین غرفه کتاب وجود دارد که این نوع کتاب‌ها را به زبان اردو می‌فروشند و بسیار پرتعداد هستند و مشتریان زیادی دارند.»

دوستان عزیز، ممکن است در سطحی سطحی از جامعه با دوستان مسلمان نسبتاً "خوب" کار کرده باشید. شاید هرگز به ذهنتان خطور نکرده باشد که این نوع فعالیت‌های غیبی همیشه در میان مردم عادی جریان دارد. دوباره صحنه‌ای از زندگی عیسی را به یاد بیاورید: «وقتی او جمعیت را دید، بر آنها دلسوزی کرد، زیرا آنها مانند گوسفندان بی‌شبان آزار و اذیت و درمانده بودند. سپس به شاگردان خود گفت: خرمن فراوان است، اما کارگران اندک. پس از خداوند درو صمیمانه دعا کنید تا کارگران را به درو بفرستد» (Matthew 9:36-38)

مورد یا قضیه عجیب زمانی که خداوند سر «عیسی» را از تن جدا کرد

این داستان مربوط به یک کشور مسلمان نیست، بلکه مربوط به کشوری است که مبلغان را به کشورهای مسلمان، برزیل می فرستد. این اتفاق در شهر Catanduva رخ داد. تیم ما برای یک جلسه جوانان آنجا بود که در آن جوانان ایماندار مسیحی را برای رفتن به جهان اسلام به چالش می کشیدیم.

بعد از ظهر اول، در اوقات فراغت، پیاده به سمت پارک مرکزی رفتم. در یک طرف کلیسای جامع کاتولیک رومی چشمگیر بود. سه طرف دیگر پارک مملو از مغازه های زیادی بود که یکی در کنار دیگری پر از انواع لوازم غیبت بود. در حین قدم زدن در اطراف میدان، ناگهان مردانی برهنه با بدن های رنگ آمیزی شده در شهر "خطا" می کردند. چه معرفی برای شهری که به عنوان مرکز غیبی آن قسمت از برزیل شناخته می شد.

آن شب در جلسه جوانان، آنچه را که دیده بودم برای حضار بازگو کردم. صبح روز بعد، جوانان بنرها و پرچم های مسیحی درست کردند و در اطراف آن میدان راهپیمایی کردند و در گوشه و کنار انجیل را موعظه کردند و سپس در مقابل هر مغازه ای دعا کردند که خداوند کسب و کارشان را ببندد. در آن شب، پس از پایان جلسه عادی، جوانان تا نیمه شب در آنجا ماندند و از خداوند خواستند تا قدرت عظیم خود را به مردم بت پرست آن شهر نشان دهد.

در ساعات اولیه بامداد، باران شدید همراه با رعد و برق و برق بارید. با رعد و برق شدیدی که خانه را تکان داد و تختم را روی زمین پرتاب کرد از خواب بیدار شدم. همه ما حدود ساعت چهار صبح بیدار بودیم. سپس در ساعت 6:00 صبح، صدای فریاد در آشپزخانه را شنیدیم: «خدا سر عیسی را از تن جدا کرد! خدا سر عیسی را

از تن جدا کرده است!» گورستان محلی بر روی تپه ای مشرف به شهر است. در بالای تپه مجسمه غول پیکر "عیسی" با دستان دراز بود. این توتم مقدس برای همه این «مسیحیان» بت پرست بود که در مرکز غیبی استان و شهر گرفتار این اعمال شیطانی شده بودند. آنها فکر می کردند تا زمانی که «عیسی» با دستان دراز بر شهر آنجا بود، این «مسیحیان» بت پرست در اعمال بت پرستانه خود در امان بودند. خداوند در اجابت دعای آن جوانان مشتاقی که نصف شب دعا می کردند تا خداوند قدرت عظیم خود را به نمایش بگذارد. او به مجسمه سنگی «عیسی» ضربه زد و سرش را از مجسمه زد. چه درس قدرتمندی برای این جوانان مسیحی گرانقدر که در فکر تبدیل شدن به مبلغان در جهان اسلام بودند. خدا کنترل دارد!

قضیه یا پرونده خانه های جن زده در مسقط، Muscat عمان Oman و جلوم Jhelum ، پاکستان

The Case of the Haunted Houses in Muscat, Oman and Jhelum, Pakistan

خواهر مبلغ فقید ما، Vivienne Stacey ، که مدیر مرکز آموزشی متحد کتاب مقدس برای زنان در مجتمع ما در گوجرانوالا Gujranwala ، پاکستان بود، راه سختی را برای مقابله با مشکل برخی از مردم با شیاطین آموخت. پس از آن، او یک کتاب کوچک شگفت انگیز با عنوان مسیح برتر بر شیطان نوشت. در آن یک داستان شگفت انگیز از خانه جن زده در اس Muscat ت. زمانی که مبلغان برای اولین بار به آمدند، البته Muscat باید مکانی برای زندگی پیدا می کردند. خانه ای برای اجاره پیدا کردند. مسلمانان محلی گفتند که خانه خالی از سکنه بود. مبلغان این ایده را مسخره کردند. با این حال عجیب است، نسل به نسل، هرکسی که در خانه زندگی می کرد، بیمار شد و همان طور ماند. حتی داستان یک مبلغ وجود دارد که در خانه خودکشی کرد.

در زمان ما، مبلغ فعلی که در آنجا زندگی می کرد، بیمار مزمن بود. او دوست ویوین بود. او از ویوین خواست که بیاید و بر سر آن خانه دعا کند. آنها با هم در چادری بیرون از آن خانه زندگی می کردند و روزها را به نماز می گذراندند. سپس سرانجام به آن خانه بازگشتند و هر اتاق و هر گوشه و کنار آن را غرور زدند و به نام قدرتمند عیسی به هر شیطانی که در آنجا زندگی می کرد دستور دادند که آنجا را ترک کنند و دیگر برنگردند. پس از اتمام این نوع نماز، زنان مسلمان محلی نزد آنان آمدند و گفتند: «رفتند. شیاطین رفته اند. چه کار کردین؟» خانم های مسلمان نیز گفتند: «ما فکر می کردیم شما مبلغان دیوانه هستید که آن را اجاره کرده اید. ما همیشه معتقد بودیم که جن (شیاطین) در آنجا زندگی می کنند. البته این فرصت فوق العاده ای بود برای توضیح انجیل برای زنان مسلمان محلی.

در پاکستان نیز خانواده ما تجربه مشابهی داشتند. ما را از شهر فیصل آباد به جلوم منتقل کردند. به ما یک وظیفه منحصر به فرد داده شد. ما را به یک بیمارستان کوچک و متروک منتقل کردند و از ما خواستند که آن را به یک مرکز کنفرانس مسیحی تبدیل کنیم. خانواده ما با شش فرزند ساختمان خاصی را اشغال کردند و فرزندانمان را در اتاق های جداگانه و یکی برای خودمان قرار دادند. شب اول آنجا، با دختر پنج ساله خود، روتی، تجربه بسیار عجیبی داشتیم. به طور معمول، او یک دختر کوچک بسیار شجاع بود (و هنوز هم هست). اما آن شب، پس از نماز خواندن با او و آواز خواندن و خواباندن او در رختخواب، وقتی از اتاقش بیرون رفتیم، او شروع به جیغ زدن کرد. این مثل او نبود برگشتیم و دلداریش دادیم و همین اتفاق افتاد وقتی خواستیم اتاقش را ترک کنیم. چهار پنج بار این اتفاق افتاد.

سپس به همسرم گفتم: «عزیزم، فرض کن یک بیمار مسلمان که دیو داشت در این اتاق مرده است. دیو کجا می رفت؟»

آیا به دنبال یک میزبان جدید است؟» ما فرض کردیم که این اتفاق افتاده است. بنابراین، ما شروع کردیم به دعا‌های قوی به نام قدرتمند عیسی، و به هر شیاطینی که در آن اتاق معطل شده بود دستور دادیم که دارایی ما را ترک کند و دیگر برنگردد. پس از مدتی چنین دعای شدید، بالاخره احساس آرامش کردیم. ما دوباره به روتی دلداری دادیم، او را دوست داشتیم و او بلافاصله به خواب رفت. دیگه هیچ وقت مشکلی پیش نیومد این یک درس بزرگ است: هنگام اشغال خانه ای در میدان مأموریت، برای پاکسازی دعا کنید، به خصوص اگر سابقه فعالیت غیبی در آن وجود داشته است.

مراسم "Zar" در قاهره، مصر

A "Zar" Ceremony in Cairo, Egypt

اشتیاق به تماس با قدرت، هر نوع قدرت، و تمایل زنان مسلمان به معاشرت با یکدیگر، مواد مناسبی را برای یک مهمانی زار فراهم می کند. بیایید به یکی از آنها نگاه کنیم. این یک روایت شاهد عینی از یکی از دوستان من است.

گروه خاصی از خانم ها به طور منظم در یک دوره زمانی طولانی ملاقات کرده اند. آنها در خانه "خانم" که مسئول است ملاقات می کنند. همیشه با غذا شروع می شود. در حالی که آنها با هم از غذاهای لذیذ لذت می برند، فعالیت های خانوادگی یکدیگر را دنبال می کنند. پس از یک زمان پر جنب و جوش اجتماعی، نوازندگان از راه می رسند. خانم ها همه صندلی ها و میزهای کوچک را از سر راهشان جابه جا می کنند. در حالی که نوازندگان سازهای خود را کوک می کنند، خانم ها شروع به باز کردن موهای بلند خود کرده و دایره ای تشکیل می دهند. سپس موسیقی شروع می شود. در ابتدا سرعت آهسته و ملایم است. خانم ها شروع به تاب خوردن می کنند، از کمر خم می شوند، موهایشان را به موقع با ضرب آهنگ موسیقی می چرخانند. موسیقی به دیو خاصی اختصاص دارد. موسیقی حس شیطانی دارد. به تدریج، سرعت موسیقی افزایش می یابد و یکی از خانم ها که برای این مناسبت انتخاب شده است، به وسط دایره قدم می گذارد و با شدت بیشتری نسبت به بقیه شروع به تاب خوردن می کند. سرعت موسیقی اکنون به طرز چشمگیری افزایش می یابد و زن در وسط دایره اکنون با سرعتی دیوانه وار می چرخد و این سرعت را تا زمانی که روی زمین فرو می ریزد حفظ می کند و در نتیجه یک شیطان وارد او می شود. خانم مسئول اکنون صورت خانم را روی زمین می پوشاند تا عباراتی را که روی صورتش می آید پنهان کند. اغلب جنبه اروتیک این تملک وجود دارد. هدف از این آیین محقق شده است. زن به تدریج هوشیار می شود اما اکنون شیطانی شده است.

دوست من که شاهد این بود ناگهان چنان حضور شیطانی احساس کرد که مجبور شد از جلسه فرار کند.

اکنون که شما به عنوان یک مبلغ مسیحی از چنین چیزهایی در زندگی دوستان زن مسلمان خود آگاه شده اید، برای ارائه یک جایگزین کارکردی مسیحی چه کاری انجام می دهید؟ یک گردهمایی اجتماعی؟ شیرینی با چای یا قهوه؟ زمان داستان سرایی، یا یک تجربه شخصی یا یک داستان جالب از کتاب مقدس؟ وقت نماز؟ معرفی موضوع روح القدس قدرت؟ توضیح اینکه چگونه روح خدا به مردم داده می شود؟ در مورد آن فکر کنید. این ممکن است به تدریج و در یک دوره زمانی در جلسات مکرر اتفاق بیفتد. خداوند شما را راهنمایی خواهد کرد که چه چیزی و چه زمانی به اشتراک بگذارید. شما پاسخ نیازهای آنها را دارید.

موردیاقضیه ماسک های شیطان مراکشی

The Case of the Moroccan Demon Masks

به عنوان یک سخنران مهمان، اغلب از من دعوت شده است که در یک خانه مسیحی بمانم، نه اینکه در اتاق هتل قرار بگیرم. در این مناسبت خاص، همسر زوجی که مرا به خانه خود دعوت کرده بودند، برای شفای دعا دعای ویژه ای خواستند. طبیعتاً من در مورد ماهیت بیماری او جویا شدم. او پاسخ داد که پزشکان نمی دانند چرا او بیمار مزمن است. طبق معمول یه سوال دیگه میپرسم. این بیماری چه زمانی به شما مبتلا شد؟ او پاسخ داد که از زمانی که او و همسرش از یک سفر تعطیلات به مراکش به خانه آمده اند، احساس بیماری می کند. او افزود: «فکر می کنم از مراکش به بیماری مبتلا شده ام، اما هیچ کس نتوانسته آن را تشخیص دهد». پرسیدم آیا می توانم از خانه

او عبور کنم؟ او آشکارا فردی بود که از انواع مختلف هنر قدردانی می کرد. وقتی در خانه آنها قدم می زدم، روی یک دیوار متوجه نقاب های تیره ای با عبارات عجیب و غریب روی آنها شدم. پرسیدم: «خواهر، این ماسک ها برای چیست؟ از کجا گرفتیشون؟» او گفت: "من آنها را از مراکش به خانه آوردم." پرسیدم: از آنها چه می دانی؟ او پاسخ داد: «مراکشی ها وقتی رقص شیطان را انجام می دهند، این ماسک ها را می پوشند.» پرسیدم: چرا آنها را به خانه آوردی؟ پاسخ او چیزی شبیه به این بود: "اوه، من فکر می کردم که آنها بیان جالبی از هنر محلی هستند، و آنها یک قطعه گفتگو برای صحبت در مورد سفر ما به مراکش.»

دوست، نظر شما چیست؟ آیا این آثار هنری بی ضرر از خارج از کشور است یا چیز دیگری در کار است؟ اگر به اومانیسم سکولار تمایل دارید، پاسخ شما این خواهد بود: "اوه، اینها نمونه های بی ضرری از هنر مراکشی هستند." با این حال، اگر از نظر روحی حساس هستید، باید بدانید که کلام خدا در مورد چنین چیزهایی چه می آموزد. هرگز نباید چنین چیزهایی را به خانه بیاورید. تثنیه 7:26 را بخوانید: «و چیز زشتی را به خانه خود وارد نکنید و مانند آن به هلاکت نپردازید. از آن به کلی متنفر و بیزار خواهی بود، زیرا به نابودی اختصاص دارد.»

وقتی چنین وسایلی را در زندگی یا خانه دوست خود پیدا کنید چه خواهید کرد؟ در مورد ماسک های شیطان مراکشی، به این خواهر مسیحی گفتم: «اگر می خواهی خوب شوی، به تو و شوهرت توصیه می کنم که در شومینه خود آتش بزنی و همانطور که نقاب ها را در آتش می اندازی، دستور بده. هر روح شیطانی که با آنها آمد تا به

نام عیسی رفته و دیگر برنگردد.» آنها چند روز در مورد انجام این کار بحث کردند و سپس این کار را کردند. بیماری او را رها کرد.

اینها فقط نمونه هایی از برخوردهایی است که هر روز در سراسر جهان در حال وقوع است. همانطور که مطمئناً تا کنون جمع آوری کرده اید، ناامیدی، ناتوانی و از دست دادن مسلمانان با بشارت و کار عیسی مسیح اصلاح می شود. ما واقعاً به عنوان مؤمنان و شاگردان مسیح ممتازیم که توسط روح القدس او برای کار پیروزمندانه در میان مسلمانان مجهز شویم.

پس بیاید برای کشف آنچه مسلمانان عامیانه بدون عیسی در زندگی خود با آن روبرو هستند، ادامه دهیم.



فصل - هفدهم

Chapter- 17

زندگی بدون عیسی

Life Without Jesus

هر مسلمانی ممکن است مسلمان عامیانه باشد. این ممکن است شامل یک کارگر حرفه ای با تحصیلات عالی در یک سر طیف و همسر یک کارگر روزمزد بی سواد در انتهای دیگر باشد. هر مسلمانی که از طریق هر گونه اعمال غیبی به دنبال کمک باشد، با این عنوان مطابقت دارد.

بیایید برخی از عناصر اساسی جهان بینی کتاب مقدس را که بر جهان مسلمانان عامیانه تأثیر می گذارد، مرور کنیم.

- ما با حوزه ماوراء طبیعی سروکار داریم. این شامل خدای پدر ما، خداوند عیسی مسیح، و حضور ساکن روح القدس در ایمانداران واقعی خواهد بود.

- این همچنین شامل استفاده خداوند از فرشتگان به عنوان ارواح خدمتگزار، و استفاده از رویاها، و معجزات است که اغلب در کتاب مقدس «نشانه‌ها و شگفتی‌ها» نامیده می‌شوند.

- در قسمت تاریک، جنگی را می خوانیم که مدت ها پیش در بهشت رخ داد، با زیباترین فرشتگان، کروی مسح شده، که بر ضد خدا قیام کرد و یک سوم فرشتگان را با خود برد. او با آن فرشتگان «افتاده» به زمین انداخته شد و شروع به جنگ با قوم خدا کرد.
- این دشمن را به نام های مختلف می نامند: اژدهای بزرگ، آن مار باستانی، شیطان (به معنای دشمن)، شیطان، شیطان، پدر دروغ، قاتل، کسی که تمام جهان را به بیراهه کشاند.

- عیسی شیطان را «حاکم این جهان» نامید. (John 12:21)
- پولس رسول او را «خدای این جهان» نامید. (2 Corinthians 4:4)
- پولس این را در نامه بزرگ خود به افسسیان نوشت،
"در برابر مکرهای شیطان ایستادشوید". (Ephesians 6:11)
- ما سخنان یوحنا رسول را می خوانیم، "تمام جهان در قدرت شیطان نهفته است"
(1 John 5:19).
- در فصل قبل در مورد شیاطین و کارهایی که آنها می توانند با مردم انجام دهند می خوانیم. بسیاری از ما معتقدیم که شیاطین برخی از فرشتگان هستند که در شورش بزرگ در بهشت به شیطان پیوستند و به زمین انداخته شدند.
- ما هشدار از پطرس رسول را به خاطر می آوریم، "دشمن شما، شیطان مانند شیری غرش در اطراف می چرخد و به دنبال کسی است که بلعد". (1 Peter 5:8)
- یعقوب رسول چنین گفت: "در مقابل شیطان مقاومت کنید و او از شما فرار خواهد کرد". (James 4:7)

• فقط در آخرالزمان در Revelation 20:10 داوری نهایی در مورد شیطان می خوانیم: «شیطانی که آنها را فریب داده بود به دریاچه آتش و گوگرد که در آن وحش و پیامبر دروغین بودند، انداخته شد و خواهند کرد. روز و شب تا ابد عذاب باش.» تا روز خداوند فرا رسد، شیطان همچنان در جهان است و در امور مردان و زنان و کودکان ویران میکند.

این چه ربطی به اسلام عامیانه و مسلمانان عامیانه دارد؟ بر اساس برآورد ما، حدود هشتاد و پنج درصد از کل مسلمانان، یا بیش از یک و نیم میلیارد روح (تا لحظه نگارش این مقاله) در سطوح مختلف اعمال غیبی مشغول هستند.

چه ارتباطی بین مسلمانان عامیانه و شیطان صفت وجود دارد؟ همه چیز به جایی مربوط می شود که فرد به آن اعتماد می کند. اگر از طریق پسرش عیسی مسیح به خدای پدر اعتماد نداشته باشید، خواه از آن آگاه باشید یا نه، در اردوگاه دشمن هستید. شیطان فریبکار درخشانی است. او می تواند و می کند خود را به عنوان یک فرشته نور مبدل کند. سخنان پولس رسول همانگونه که در مورد مسلمانان عامیانه به کار می رود، زنگ بیداری است: «و حتی اگر انجیل ما پوشیده باشد، بر کسانی که هلاک می شوند پوشیده است. در مورد آنها خدای این جهان ذهن کافران را کور کرده است تا آنها را از دیدن نور انجیل جلال مسیح که تصویر خداست باز دارد.»

(2 Corinthians 4:3-4)

فقط یک هشدار در اینجا: ایده زمین بی طرف بین خیر و شر یک افسانه است. شما یا با خدای واقعی در مسیح هستید یا با دشمن. اگر شما در مبارزه با این موضوع، کلماتی مانند این را به خاطر بسپارید: «زیرا اگر چه در جسم راه می رویم، بر اساس جسم جنگ نمی کنیم.»

زیرا سلاح‌های جنگی ما از بدن نیست، بلکه دارای قدرت الهی است تا سنگرها را نابود کند». (2 Corinthians 4:3-4)، و Ephesians 6:12، «زیرا ما با گوشت و خون نمی‌جنگیم، بلکه با (حاکمان روحانی، علیه مقامات (روحانی)، در برابر قدرت های کیهانی بر این تاریکی کنونی، علیه نیروهای روحانی شیطانی در مکان های بهشتی.» این پیش زمینه ای برای کارگران مسیحی است که ما وارد دنیای مسلمانان عامیانه می شویم.

در هر قلبی همیشه تلاشی برای یافتن چیزی وجود دارد که بتوان به آن اعتماد کرد - یا به خود، یا دیگران قدرتمند، یا مجموعه‌ای از باورها یا اعمال. دل‌های مسلمانان مشتاق تعلق، رابطه، کنترل است، و این نیازها، همانطور که قبلاً در این کتاب ارائه شد، بدون مسیح سیری ناپذیر هستند.

بنابراین وقتی در مورد یک مسلمان عامی صحبت می‌کنیم که در هر فعالیتی که در جستجوی برکت، قدرت، محافظت در برابر بدی، راهنمایی یا تضمین موفقیت است، غرق می‌شود و سعی می‌کند این کار را با هر وسیله‌ای جز تماس با خدای پدرمان انجام دهد، از طریق خداوند عیسی مسیح، و با قدرت روح القدس خدا، می‌دانیم که آنها در چنگال دشمن هستند. در ظاهر، برخی از این اعمال غیبی ممکن است بی‌ضرر به نظر برسند، اما در واقع، چون از جانب خدا نیستند، تحت قدرت شریر قرار می‌گیرند - آنها از پادشاهی دیگر هستند، نه از خدا. و به یاد بیاورید که پولس رسول به آگریپا پادشاه گفت وقتی آنچه عیسی درباره خدمت به غیریهودیان به او گفت: «من [عیسی] تو را می‌فرستم.

[Paul] چشمان خود را [به سوی خدای واقعی] بگشاید تا از ظلمت به روشنایی و از قدرت شیطان به سوی خدا روی آورند تا آمرزش گناهان و جایگاهی در میان کسانی که به ایمان تقدیس شده اند. در من». (Acts 26:17b-18)

یک یادآوری دیگر قبل از شروع به بررسی اعمال و اعتقادات مسلمانان عامیانه: مشکل واقعی همه ما به عنوان انسان گناه است، یعنی تلاش انسانها برای عملکرد مستقل از خدا. پس همه این عقاید و اعمال مسلمانان عامیانه گناه است و نیاز به توبه و ترک دارد. همانطور که ما به این باورها و اعمال توجه می کنیم، ما به عنوان کارگران مسیحی باید از خداوند بپرسیم که چگونه باید با دوستان و همسایگان مسلمان خود که در این تلاش های بیهوده برای کمک گرفتن گرفتار شده اند، ارتباط برقرار کنیم. توصیف عیسی در Matthew 9:36 و دعوت او در Matthew 11:28-30، باید در ذهن ما مهم باشد: "وقتی جمعیت را دید، بر آنها دلسوزی کرد، زیرا آنها آزار و اذیت و درمانده بودند، مانند گوسفندانی که بی نیاز بودند. یک شبان..." ای همه زحمتکشان و بارهای سنگین، نزد من بیایید و من به شما آرامش خواهم داد. یوغ مرا بر خود بگیرید و از من بیاموزید، زیرا من نرم و فروتن هستم و برای جان خود آرامش خواهید یافت. زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است.»

آنچه مسلمانان را به انجام اسلام عامیانه برمی انگیزد: ترس

What Motivates Muslims to Practice Folk Islam: Fear

در باغ عدن، وقتی اولین مرد و زن رابطه خود را با خدا قطع کردند، اولین واکنش آنها فرار از حضور خدا بود. ترس از مجازات و در نهایت ترس از مرگ وجود داشت. همانطور که مردم شروع به تکثیر کردند، مشکلات ترس نیز افزایش یافت. بیایید برخی از انواع را فهرست کنیم:

41 عیسی نورجهان است.

ترس از دیگران:

فرزند اول قابیل برادرش هابیل را به قتل رساند.

قضاوت:

در پایان چه اتفاقی برای من خواهد افتاد؟

بیگانگی یا طرد:

مردم ارتباط خود را با خدایی که عشق است از دست دادند. مردم تمایل به پذیرش دارند و گروهی به آن تعلق دارند.

بیماری:

ما نمی دانیم که بیماری ها چه زمانی شروع به ظهور کردند. در زمان موسی⁴²، تعداد زیادی در پنج کتاب اول کتاب مقدس ذکر شده است.

بلایای طبیعی: پدیده های آب و هوایی، زلزله، طوفان، رعد و برق، رعد و برق، برف، یخ، گرما و غیره.

مسائل مربوط به زنان: خطرات مربوط به زایمان، فاجعه در ازدواج، چند همسری و خطرات آن و سوء استفاده از سوی شوهران عصبانی.

شیاطین: ما دقیقاً نمی دانیم که آنها برای اولین بار چه زمانی خود را نشان دادند، اما از آنجایی که آنها در روزهای عیسی حضور داشتند، پس می توان فرض کرد که آنها از آغاز زمان حضور داشتند. همانطور که قبلاً توضیح دادیم، شیاطین به مردم ظلم می کنند، آنها را کنترل می کنند، یا خود را در اشیاء جاندار یا بی جان نشان می دهند.

شیطان: این کلمه در باغ عدن ذکر شده است. آگاهی از تفاوت بین خیر و شر بخشی از خلقت اولیه بود: از شر باید اجتناب کرد. خوب باید جستجو می شد شر در تصادفات ظاهر می شود،

بدبختی، بدبختی، قحطی، خشکسالی، جنگ و در نهایت جنگ. در برخی از اشکال اسلام عامیانه این عقیده وجود دارد که وقتی شخصی به دنیا می‌آید، روحی آشنا به نام قرینه با شخص متولد می‌شود و آن روح همیشه در تلاش است که شخص را به بدی وادار کند.

چشم بد:

زمانی که اسلام خلق شد، این یک ترس رایج بود. ریشه در حسادت و کینه توزی داشت.

مشکلات در روابط انسانی: این شامل عشق، ازدواج، طلاق، تهمت، حسادت، توهین، و احساس انتقام و بسیاری دیگر می شود.

لیست مطمئناً جامع نیست. همانطور که دوستان و همسایگان مسلمان ما به دنبال پاسخ به این نیازها هستند، شما طیف وسیعی از کارهایی را مشاهده خواهید کرد که مردم برای دریافت "حمایت" در برابر این چیزهایی که از آنها می ترسند، انجام می دهند. به عنوان مثال، ممکن است طلسم، طلسم با آیات قرآن یا نام پیامبران و طلسم بخرند، همه آنها فکر می کردند که قدرت محافظتی در آنها وجود دارد. قرآن‌های مینیاتوری را می بینید که از آینه عقب در ماشین آویزان شده‌اند، وقتی وارد خانه می شوید قرآنی را بالای درب خانه یا قرآنی را زیر بالش یا بالای تخت خواب می بینید. برای محافظت فرضی، ممکن است مراسمی حتی شامل قربانی کردن حیوانات نیز وجود داشته باشد.

در مورد «چشم بد»، ممکن است مهره‌های آبی را ببینید که روی پتوی یک نوزاد تازه متولد شده یا مهره‌ای آبی رنگ که در «دست فاطمه» جاسازی شده است، روی صندوق‌های پستی نقاشی شده یا به عنوان دستگیره‌های درب حک شده است.

⁴⁰- این یکی از نیرنگ های شیطان است، یعنی به جای قبول مسئولیت گناه خود، «روح آشنا» را سرزنش می کند.

خانه ای برای "محافظت" آنها از "چشم بد". هیچ پایانی برای دستگاه ها و آیین ها وجود ندارد

که مردم برای محافظت از کسی که می ترسد اختراع می کنند. فرد با اعتماد به این اقلام یا تشریفات، با اعتماد به این اعمال، به جای اعتماد به خدای واقعی، دری را به روی قدرت اهریمنی باز کرده است.

مسلمانان عامیانه با نیازهای اصلی انسانی افرادی که در تلاشند تا زمانی که با خدای واقعی ارتباط ندارند، به پاسخ آنها دست و پنجه نرم کنند. در زیر برخی از نیازهای برجسته ای که مسلمانان عامیانه احساس می کنند آورده شده است:

تضمین محافظت در برابر همه دسته از چیزهایی که باعث ترس می شوند.

نیاز به راهنمایی در دنیایی که آشفته به نظر می رسد.

تلاش برای برقراری ارتباط با منبعی از قدرت زمانی که فرد احساس درماندگی یا ناتوانی می کند.

جستجوی چیزهایی که باعث می شود فرد احساس کند در مواجهه با بی معنای اهمیت دارد.

جستجوی امنیت در مواجهه با آینده ای نامعلوم.

ایجاد رابطه با یک فرد یا آیینی که به جای ناامیدی حس امید می دهد.

به دنبال خدایی (یا روحی) هستید که به جای خدایی غیرشخصی و دوردست، به انسان احساس صمیمیت با چیزی که در آنجاست می دهد.

آرزوی راهی برای دریافت آمرزش گناهان.

با توجه به این موضوع، خاطره ای از اتفاقی که بیرون دروازه اقامتگاه ما در جلوم پاکستان افتاد به ذهن متبادر می شود: این عید بود که مسلمانان یک گوسفند یا بز یا حتی یک شتر را به یاد تلاش ابراهیم برای قربانی کردن پسرش می کشند. اسحاق در شهر ما مسلمانان گوسفندان را در ناودان خیابان می کشند. در حالی که مردی بیرون دروازه ما گوسفندی را می کشت، زن مسلمانی با عجله از جا بلند شد و انگشت خود را در خونی که از گوسفند بیرون می جوید فرو برد و انگشت خون آلودش را به زبانش کشید. از خواهر مسیحی مان، بورکیت بی بی، پرسیدم که چرا این کار را کرد. آن خانم پاسخ داد: آه، همه می دانند که اگر انگشتت را در آن خون جاری فرو کنی و به زبانت بکشی، خداوند همه گناهانت را می بخشد. علاوه بر این، من فیلم هایی از مسلمانان در هنگام کشتن یک شتر در مراکش در روز عید دیده ام.

ببینید، این دقیقاً همان چیزی است که من می خواهم به آن اشاره کنم. می دانیم که کتاب مقدس می گوید که "بدون ریختن خون آمرزش گناهان وجود ندارد" (عبرانیان 9:22)

ب). به نظر می رسد جای خالی پر نشده در قلب انسان، حس غریزی و غریزی خدا را دارد که به نوعی خون تفاوتی در مورد گناه ایجاد می کند. این گشایشی فوق العاده برای بحث در مورد اینکه چرا این همه خون در اسلام وجود دارد، اما هیچ درمانی برای گناه وجود ندارد - فقط کارهای خوب.

44- مسلمانان ادعا می کنند که اسماعیل بوده است.

45- برای اطلاعات بیشتر، لطفاً دنباله خون: قربانی در قرآن و انجیل—از آدم تا عرش، 2018، نوشته دان مک کوری را بخوانید.

سنگینی بر کارهای بد هیچ راه حلی برای خود آثار "بد" وجود ندارد. هاللوویا، ما نجات دهنده ای داریم که تمام مجازات های گناه ما را از بین برد، و نیاز به مجموعه ای مرموز و ناشناخته از ترازوهای «خوب در مقابل بد» را برای سنجش عملکرد ما به عنوان وسیله ای برای تضمین زندگی ابدی از بین برد!

مسلمانان عامیانه به طور غم انگیزی به دنبال پاسخ هایی در دنیای روحی دیگر برای چالش های روزمره هستند، به عنوان مثال:

«با چه کسی ازدواج کنم؟ آیا هر دوی ما زیر ستاره هایی به دنیا آمده ایم که فال نیک دارند؟»

سربازی بروم یا وارد دانشگاه شوم؟

یک علامت ماورایی به من بده.»

«چه روزی باید سفر کنم؟ برخی از روزها "خوش شانس" هستند، برخی دیگر بد خواهند بود.»

"چگونه در امتحانم موفق خواهم شد؟ اعداد جادویی برای گذاشتن روی کاغذ وجود دارد.»

"کجا باید زندگی کنم؟"

این موقعیت های رایج که در آن باید تصمیم گیری شود پایانی ندارد. اعمال غیبی ظاهراً به این سؤالات پاسخ می دهد که چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، چرا و کجا. از آنجایی که بسیاری از ما در مکاتب اومانیستی سکولار بزرگ شده ایم، پاسخ منطقی ساده است. اما برای کسانی که در فضای معنوی ناآشنا زندگی می کنند، ایده های غربی ما از منطق بخشی از تصویر نیست. اجازه دهید یک تصویر دیگر را به اشتراک بگذارم.

من در خانه ای بودم که مادرش به طور مزمز بیمار بود و هیچ دکتری نتوانست دلیل آن را بفهمد. دختر به من گفت که مادر دو گلدان چینی دارد - یکی برای سلامتی و دیگری برای ثروت. مادر آنها را از مغازه ای خریده بود که چنین چیزهای قدرتمندی را می فروخت. بعد از شام از مادر خواستم این گلدان ها را سر میز بیاورد. به او پیشنهاد دادم که اگر می خواهد خوب شود، باید این گلدان ها را با دستان خود نابود کند و از هر روحی که به نام عیسی با آنها آمده است دست بکشد. مادر این دو گلدان را در آغوش خود جمع کرد و گفت که هیچ کس قرار نیست کاری برای «گرانبها، گرانبهاش» انجام دهد. آن مادر هرگز خوب نشد.

زن دیگری برای شفا و رهایی از ترسی بی نام نزد من آمد. پس از بازجویی دقیق، او اعتراف کرد که در استفاده از تابلوی Ouija شرکت داشته است، جایی که مسئول از

یک روح دعوت کرد که بیاید و از طریق هیئت مدیره Ouija پاسخ دهد. زن تحت تأثیر قرار گرفت که بسیاری از این «پیش‌گویی‌ها» به حقیقت پیوست. او فکر می‌کرد که این یک بازی اجتماعی بی‌ضرر است، بدون اینکه متوجه شود که یک روح واقعی، یک روح شیطانی فراخوانده شده است. از او خواستم که از هر روحی که از آن تجربه هیئت مدیره او بجا به او سرکوب می‌کرده چشم‌پوشی کند و به او فرمان دهم که به نام قدرتمند عیسی رفته و دیگر برنگردد. او به درستی از این مشارکت پشیمان شد و به هر روحی که هنوز او را عذاب می‌داد دستور داد به نام عیسی آنجا را ترک کنند. احساس ترس ظالمانه‌ای که قبلاً فوراً او را ترک می‌کرد و در طول ماه‌های بعد از مشکل پزشکی خود کاملاً بهبود یافت.

دوستان عزیز، این تصاویر و بسیاری موارد دیگر که در فصول قبلی به اشتراک گذاشته شده‌اند، تنها نمونه‌هایی از آنچه در بین دوستان و همسایگان خود در جهان اسلام خواهید یافت. اگر به منطقه یا مردمی می‌روید که ایده‌های Secular غربی آنها را تحت تأثیر قرار نداده است، موقعیت‌های فراوانی را خواهید دید که شامل اعمال غیبی است. در برخی جوامع، ممکن است مواردی مانند موارد زیر را ببینید:

- مراسم حفاظتی در هر مرحله از زندگی - حاملگی، تولد، ختنه، بلوغ، ازدواج، مرگ و حتی پس از مرگ، چهل روز، صد روز، یک سال بعد.
- آداب و رسومی که برای روزهای خاص در تقویم قمری ابداع می‌شود، مانند جشن عید فطر بعد از ماه رمضان.
- جشن بزرگ (عید قربان) تلاش ابراهیم برای قربانی کردن پسرش که در آن خداوند جانشینی عنایت کرد.
- جشن تولد و تاریخ وفات محمد.

- جشن سال نو (برای شیعیان).
- جشن «شب قدر»، زمانی که ظاهراً قرآن نزد محمد آمده است.
- جشن شبی که ظاهراً محمد به بهشت رفت و برگشت، همه در یک شب.
- جشن تولد مشهور «قدیس‌ها»، معمولاً در یک زیارتگاه مفصل.
- تلاش زیاد برای کسب برکت (baraka) در مکان‌های خاص مانند دریاچه‌ها، چشمه‌ها، درختان، کوه‌ها، غارها و غیره.

⁴⁶ - یک ماه روزه از طلوع تا غروب آفتاب.

- بسیاری از وسایل و مراسم مختلف برای به دست آوردن محافظت در برابر شیاطین از هر نوع.
- در میان دستورات صوفیانه عرفا، مناسک طولانی و جامعی برای دستیابی به فنای نفس و دستیابی به «وحدت» با «خدا» توسعه یافته است. من تجربه ای را به یاد می آورم که هنگام پیاده روی با گروهی از مردان دانشگاه در کوهستان داشتیم. ما در یک شب بسیار تاریک گم شدیم. ساعت دو نیمه شب بود که به یک کابین بزرگ در اعماق جنگل در میانه ناکجاآباد برخورد کردیم. صدای شعار شنیدیم. وقتی از یکی از پنجره

ها به داخل نگاه کردیم، حدود بیست مرد را دیدیم که به صورت دایره ای روی زمین نشسته بودند. آنها به عقب و جلو می چرخیدند و عبارت "الله" ("خدا است") را تکرار می کردند. ما فهمیدیم که این برای ساعت‌ها ادامه داشت و در پایان این تکان دادن به این طرف و آن طرف، مردان معمولاً در حالت خلسه به زمین می‌افتند. رهبرشان به آنها می گفت که اکنون به "اتحاد با خدا" دست یافته اند.

دوستان عزیز، امیدوارم چنین صحنه هایی شما را سرشار از رحم کند برای مردان و زنانی مانند اینها که ناامیدانه در تلاش برای یافتن خدا هستند - و می دانید که وقتی پاسخ واقعی را دارید - عیسی را در جای اشتباهی جستجو می کنند.

اکنون زمان آن فرا رسیده است که به حقیقت، راه و زندگی بنگریم - پاسخی به تمام تلاش‌های دلخراشی که بسیاری از مسلمانان عوام در تلاش برای کشف آنها از راه‌های بسیار شیطانی و فریبکارانه هستند



فصل - هجدهم

Chapter- 18

فقط عیسی می تواند قلب یک مسلمان عامی را راضی کند

Only Jesus Can Satisfy a Folk Muslim's Heart

بیایید به صحنه ای از زندگی عیسی نگاه کنیم. خدمت عیسی در بدن انسانی او رو به پایان بود. قرار بود ماموریت او در اوج بزرگی انجام شود، نه با ورود پیروزمندانه به اورشلیم، بلکه در یک اعدام بی رحمانه بر روی صلیب رومی. با نزدیک شدن به آخرین هفته زندگی خود در زمین، او می دانست که قرار است چه اتفاقی برای او بیفتد. قدرت روم با یک پادشاه شرور و گروهی مرتد از رهبران مذهبی و حتی مردم در خیابان ها توطئه می کند تا او را روی صلیب بکشند. اما عیسی همچنین می دانست که چهل سال پس از مرگ او قرار است چه اتفاقی برای اورشلیم بیفتد - اورشلیم باید نابود شود. نحوه برخورد عیسی با این آینده نگری بسیار روشنگر است.

در آغاز آخرین هفته زندگی او بر روی زمین، در بدن انسانی خود، هنگامی که او در پرتو مرگ قریب الوقوع خود به اورشلیم نزدیک شد، در Luke 19:41-42 می خوانیم: «و چون نزدیک شد و شهر را دید، گریست. آن را می گفت: «کاش شما، حتی شما، چیزهایی را که باعث صلح می شود، در این روز می دانستید! اما اکنون آنها از چشم شما پنهان شده اند.» او اهمیت داد! او همیشه به فکر مردم بود.

یوحنا، نزدیکترین شاگرد او، که در آخرین شام به سینه او تکیه داده بود، درباره او گفت: "خدا عشق است" ما آن را در این قطعه مکرر می بینیم که در منطقه جلیل

غیریهودیان گفته می شود، "وقتی جمعیت را دید، بر آنها دلسوزی کرد، زیرا آنها مانند گوسفندان بی شبان آزار و اذیت و درمانده بودند". (1 John 4:8, 16)

دوستان عزیز، اجازه دهید قلب مسیح در شما بکوبد تا از وضعیت اسف بار مسلمانانی که در میان آنها زندگی و حرکت خواهید کرد آگاه شوید. به تمام موقعیت هایی که قبلاً در این کتاب توضیح داده ایم فکر کنید:

- مسیح در حال شفای مردی در لاهور پاکستان، محکوم به مرگ و ترس از جهنم.
- مرد جوان شده در جلسه بشارت در فیصل آباد، پاکستان، از پنج دیو رهایی یافت و کاملاً به مسیح تبدیل شد.
- زن با گناه اعتراف نشده که تحت تأثیر یک روح قرار گرفته بود، در یک جلسه هیئت مدیره Ouija حضور پیدا کرد. و چگونه او هم از نظر جسمی و هم از ترس غیرمنطقی از طریق عیسی شفا یافت، هنگامی که به گناهان خود اعتراف کرد و بخشیده شد.
- مرد جوان ساکن منطقه مسلمان نشین کشور گرجستان Georgia که با اعتراف به بداخلاقی و گناه خود در تسلیم روح خود به یک دیو در فالگیر کولی، از دیو لکنت شفا یافت.

- چگونه دختر پنج ساله خود من از یک روح عذاب آور نجات یافت وقتی که ما به یک بیمارستان سابق نقل مکان کردیم که در آن یک بیمار شیطان صفت در آن مرده بود. و چگونه وقتی به دیو دستور دادیم که به نام عیسی برود، رفت و دیگر برنگشت.
- جوانان تبدیل شده ایرانی که تنها زمانی شروع به رشد معنوی کردند که از اشیای غیبی که هنوز به تن داشتند دست کشیدند.
- تبدیل شده گان در قرقیزستان که تمام اشیای غیبی را که پوشیده بودند یا در خانه هایشان داشتند سوزاندند و چقدر مملو از شادی وصف ناپذیر بودند.
- زن کمونیست در ازبکستان شوروی که به دنبال قدرت در مقبره Tamerlane بود و برای اولین بار در زندگی خود بشارت قدرت واقعی را شنید که از حضور ساکن روح خدا ناشی می شود.
- به کسانی فکر کنید که خداوند آنها را در مقبره داخل مسجد الحسینی در قاهره لمس نکرده است. بگذارید روح القدس شما را راهنمایی کند که در پاسخ به نیاز آشکار کسانی که در مکان نامناسب به دنبال کمک هستند، چه کاری انجام دهید.
- اجازه دهید شفقت مسیح قلب شما را برای صف های بی پایان زائران در مقابر "شاهان زنده" در سمرقند، ازبکستان، و در زیارتگاه های مشابه در سراسر جهان اسلام پر کند.

و به آن شصت طلبه جوان در مدرسه دینی فکر کید که رفتارهای غیبی را در خانواده خود یا کلیساهایشان در گوجرانوالا کشف کردند.

پاکستان. خدا را شکر می کنم که مرا راهنمایی کرد تا آنها را باز کنم

به این فکر می کنند که در خانواده ها و کلیساهای خود چه کنند تا از تمام اعمال شیطانی که از همسایگان مسلمان خود در اطراف خود کشف کرده بودند، چشم پوشی کنند.

- یا به کسانی در اردن و پاکستان فکر کنید که آن کتاب های شنیع در مورد هنرهای تاریک را می خرند و یاد می گیرند که اعمال شیطانی را انجام دهند.

- و به آن بانوی مسلمان ناامید که به سوی بره قربانی شتافت تا خون آن را به زبانش بکشد تا آمرزش گناهانش را دریافت کند.

نمونه های بالا فقط مجموعه کوچکی از کسانی هستند که خداوند عیسی از طریق کارگران مسیحی مانند من و شما به آنها کمک کرده است. ما همچنین باید به انبوهی بیاندیشیم که دست نیافتنی و در چنگال قدرت شیطانی هستند که در سرگشتگی خود برای «کمک» به جهان ارواح دیگر روی آورده اند.

جلال مسیح این است که با یک عمل قهرمانانه از خودگذشتگی داوطلبانه خود بر روی صلیب، دری را برای بخشش برای همه کسانی که صدای او را می شنوند گشود. من

هرگز مسلمانی را ندیده ام، چه یک مسلمان ارتدکس و چه مسلمان عامیانه، که نگران این سوال نباشد که "وقتی بمیرم کجا خواهم رفت؟"

در غرب، درصد فزاینده ای از افرادی وجود دارند که خود را ملحد می نامند. به عنوان مثال، در یک نقطه افراطی، سوئد قرار دارد که در آن درصد آتئیست ها هفتاد و نه درصد است، در حالی که در آمریکا، درصد آتئیست ها سی و نه درصد است و در حال رشد است. زندگی یک مسلمان معمولی با آنچه شما از آن آمده اید بسیار متفاوت است.

برای آنها، اسلام به فرهنگ بنیادی تبدیل شده است که تقریباً بر همه جنبه های زندگی آنها از جمله حکومت، پوشش، روابط، تحصیل، تجارت، سرنوشت، سرنوشت و غیره تأثیر گذاشته و شکل داده است.

در اسلام ارتدکس، بر اساس تعالیم قرآن، ترس از روز قیامت دائماً می کوبد. وقتی صدها، اگر نگوییم هزاران مسلمان می بینید که به شکلی منظم روبه روی مکه صف کشیده اند و نمازهای واجب خود را می خوانند، فکر می کنند برای روز قیامت شایستگی دارند. در مورد اسلام روزمره، این نگرانی این است که «آیا قربانی ها یا حتی خون قربانی ها می تواند آمرزش گناهانم را برای من تضمین کند؟»

کارگر مسیحی عزیز، مواظب باشید، مبدا تبدیل به یک غربی بی احساس شوید و به همسایگان مسلمان عامیانه خود با بی تفاوتی نگاه کنید. به یاد داشته باشید، شما اکنون به عیسی تعلق دارید. پولس رسول این را به خوبی گفت: "یا نمی دانید که بدن شما معبد روح القدس در درون شما است که از جانب خدا دارید؟ تو مال خودت نیستی، اما با بهایی آورده شدی. پس با بدن خود خدا را جلال دهید»

(1 Corinthians 6:19-20).

او خطاب به ایمانداران غلاطیه نوشت: «دیگر من زندگی نمی‌کنم، بلکه مسیح هستم که در من زندگی می‌کند. و زندگی را که اکنون در جسم می‌گذرانم، با ایمان به پسر خدا می‌گذرانم که مرا دوست داشت و خود را برای من فدا کرد». (Galatians 2:20).

وقتی به عیسی روی می‌آوریم، توضیح او درباره هدف پدر (و همچنین هدف مسیح) در این آیات آمده است: «هر که احکام من را دارد و آنها را نگاه می‌دارد، اوست که مرا دوست دارد. و هر که مرا دوست بدارد، پدرم او را دوست خواهد داشت، و من او را دوست خواهم داشت و خود را به او نشان خواهم داد،» یعنی برای او واقعی‌تر شوم. (John 14:21) در همان زمان او گفت: "اگر کسی مرا دوست داشته باشد، کلام من را حفظ خواهد کرد و پدر من او را دوست خواهد داشت و ما نزد او خواهیم آمد و خانه خود را با او خواهیم ساخت". (John 14:23).

در فصل 15 یوحنا، عیسی از استعاره متفاوتی برای توضیح همان واقعیت استفاده می‌کند، او گفت: "من تاک هستم، شما شاخه‌ها. هر که در من بماند و من در او باشد، اوست که ثمره بسیار می‌دهد، زیرا بدون من کاری نمی‌توانید انجام دهید» (John 15:5).

و بعداً در یوحنا 15، عیسی گفت: "شما مرا انتخاب نکردید، بلکه من شما را برگزیدم و قرار دادم که بروید و میوه بیایورید و میوه شما باقی بماند، تا هر چه به نام من از پدر بخواهید، او باشد. آن را به تو بدهم". (John 15:16).

بیابید لحظه ای توقف کنیم و سعی کنیم بفهمیم که این آموزه های خداوند عیسی و پولس رسول چقدر رادیکال هستند. عیسی خون خود را بر روی صلیب برای ما ریخت. ما هیچ امیدی به آینده خود نداشتیم زیرا در برابر خدای مقدس گناه کرده بودیم و نتیجه آن مرگ روحی و جسمی بود. خدا در عشق خود پسر خود را به عنوان بره خدا فرستاد که با ریختن خون خود برای ما گناه جهان را از بین می برد. عیسی با تبدیل شدن به گناه برای ما، خشم خدا را بر روی صلیب تحمل کرد. و در روزگار موسی 1400 سال قبل، خداوند نازل کرد: «زیرا حیات جسم در خون است و من آن را برای شما در قربانگاه دادم تا برای جانهای شما کفاره کنم، زیرا این خون است که باعث می شود. کفاره زندگی». (Leviticus 17:11)

زندگی ای که داده شد، زندگی خداوند عیسی بود. خون او برای کفاره ما داده شد. در عهد جدید، نویسنده کتاب عبرانیان نوشت: "بدون ریختن خون، آمرزش گناهان نیست" (Hebrews 9:22b). به این معنا، ما توسط خون عیسی «خریده شده ایم». ما از او هستیم و خوشبختانه چنین است. ما در اصل برای معاشرت با خدا طراحی شده بودیم، مشارکتی چنان صمیمی که بدن ما را معبدی برای روح القدس می نامند. و حتی بیشتر، با فرض اینکه ما مطیع اراده او هستیم، پدر و پسر انتخاب کرده اند که خانه خود را در ما بسازند. به عبارت دیگر، خدا که عشق است، به عنوان پدر، پسر و روح، در یگانگی منحصر به فرد خود، ما را برای مشارکت صمیمی با او طراحی کرد. در این صورت، او قلب، عشق و نقشه خود را به قلب و ذهن و روح ما می بخشد. او تصمیم گرفته است که با ما و از طریق ما برای نجات هر چه بیشتر افراد کار کند.

علاوه بر این، آموخته ایم که «خدا هر نیاز شما را برحسب ثروت خود در جلال در مسیح عیسی برآورده خواهد کرد» (Philippians 4:19) به این فکر نکنید که این برای

یک مسلمان عامیانه چه معنایی دارد. در مسیح، او هر منبعی را دارد که نیاز داشته باشد. مسیح شفیع ماست. او گفت: «بخواید تا به شما داده شود. بگرد و پیدا خواهی کرد؛ بکوبید و به روی شما گشوده خواهد شد». (Matthew 7:7)

او همچنین ما را دعوت می‌کند تا نگرانی‌هایمان را بر او خالی کنیم. این کلمات زیر را به دل بگیرید: «بیایید نزد من، ای همه زحمتکشان و گران بارها، و من به شما آرامش خواهم داد. یوغ مرا بر خود بگیرید و از من بیاموزید، زیرا من نرم و فروتن هستم و برای جان خود آرامش خواهید یافت. زیرا یوغ من آسان و بار من سبک است» (Matthew 11:28-30). علاوه بر این، این کلمات از طریق پطرس رسول در

1 Peter 5:7 ، "تمام نگرانی‌های خود را بر او بیاندازید، زیرا او به شما اهمیت می‌دهد."

سخنان فراق او خطاب به پیروانش را به خاطر بسپارید: «تمام قدرت در آسمان و زمین به من داده شده است. پس بروید و همه امتها را شاگرد کنید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنها بیاموزید که همه آنچه را که به شما امر کرده‌ام رعایت کنند. و اینک من همیشه تا آخر الزمان با شما هستم»

(Matthew 28:18b-20).

همه منابع خود خدا از آن ماست که در میان دوستان و همسایگان مسلمان خود زندگی و حرکت می‌کنیم. در دسترس آنها باشد. آنها به شما نیاز دارند.

پس از مطالعه این کتاب، از شما دعوت می‌کنیم در این دو دعا با ما همراه باشید:

دعایی برای خوانندگان

پروردگارا، ما با خوشحالی دعوت تو را در زندگی خود می پذیریم. ما بسیار سپاسگزاریم، ای پدر، که تو پسر یگانه خود، عیسی را فرستادی تا ما را جستجو کند و ما را بیابد. به راستی ای عیسی، تو همان شبان نیکی هستی که جانت را برای ما، گوسفند گمشده ات، دادی. تو ما را پیدا کردی ما به خون تو پاک شدیم. تو نیز ما را از روح خود پر کردی. شما ما را به خانواده پدر آسمانی خود بازگردانید. قلب ما پر از شادی است. ما دعا می کنیم که از ما برای کمک به آوردن گوسفندان خود که مسلمانان عامیانه نامیده ایم استفاده کنید. عشق شما بسیار فراگیر است باشد که ما با همین عشق لبریز شویم و برای آوردن این گوسفندان به گله بهشتی شما همدل باشیم. به نام عیسی، پسر شما، خداوند ما، آمین.

دعایی برای دوستان و همسایگان مسلمانان ای پدر بهشتی، ما تو را دوست داریم. ما نمی توانیم به اندازه کافی از شما برای این نجات بزرگی که از طریق عیسی، پسر شما دریافت کرده ایم، تشکر کنیم. بله، گناهان ما با خون گرانبهای او شسته شده است. ما روح القدس تو را دریافت کرده ایم که ما را از محبت تو پر کرده است. و اکنون ای پدر، ما از دوستان و همسایگان مسلمان خود می خواهیم که همان نعمت هایی را که بر ما نازل کردی، بدانند. لطفاً از ما برای به اشتراک گذاشتن خبرهای خوب با آنها استفاده کنید. قدم های ما را درست هدایت کن بگذارید همیشه در شناخت خود، پدر، پسر و روح، مثمر ثمر باشیم. بگذارید جلال روزافزون دریافت کنید، همانطور که ما در برداشت این ارواح ارزشمند جمع می شویم. نام تو تا ابدالابد مبارک باد. ما همه اینها را به نام گرانقدر عیسی، آمین می خواهیم.



ضمیمه الف جغرافیایی قرآنی

وقبله های اولیه اسلامی

Appendix A Quranic Geography and Early Islamic Qiblas

در فصل 15 اشاره کردم که در مورد اینکه مرکز جغرافیایی اولیه اسلام کجا بوده است - پترا یا مکه - اختلاف نظر وجود دارد. دو کتاب مهم از دن گیلسون وجود دارد که با جزئیات به این موضوع می پردازند.

دن گیلسون در کتاب جغرافیای قرآنی (2001) نشان می دهد که ارجاعات جغرافیایی در قرآن با ویژگی های جغرافیایی مکه در عربستان سعودی تناسب ندارد. برعکس، آنها کاملاً منطقه جغرافیایی شهر پترا در نبطیان را توصیف می کنند که ویرانه های آن در کشور امروزی اردن است.

در کتاب دن گیلسون، قبله های اولیه قرآنی (2017)، تحقیقات درخشان او نشان می دهد که اولین مساجد ساخته شده در مناطق مختلف خاورمیانه به سمت پترا بوده است. به هر حال، قبله، برآمدگی معماری مدور ساخته شده در دیواری است که در جهت پترا است. و این وضعیت در نود سال اول تاریخ اسلام بود. در جریان جنگ داخلی اسلام در آن زمان، بین قبیله حاکم بنی امیه و رقبای آنها، عباسیان، تغییر شدیدی در رژیم ها صورت گرفت. قبیله پیروز عباسیان کسانی بودند که مسیری را که همه مسلمانان هنگام ادای نماز رسمی خود از پترا تا مکه تازه تاسیس شده با آن روبرو می شدند، تغییر دادند. عباسیان تاریخ را بازنویسی کردند تا بگویند اسلام از مکه شروع شد.

این دو کتاب آثار علمی درجه یک هستند و برای کسانی که مایلند در مورد تاریخ اولیه اسلام مطالعه کنند بسیار توصیه می شود. آنها در Amazon.com در دسترس هستند.



مراجع کتاب مقدس

(به ترتیب عددی و حروف الفبا ذکر شده است)

1 Chronicles 11:1-20:8	27
1 Chronicles 21:1	30
1 Corinthians 4:20	93
1 Corinthians 6:19	93
1 Corinthians 6:19-20	40
1 Corinthians 9:19-23	57
1 Corinthians 9:22	57
1 Corinthians 10:11	17

1 Corinthians 10:19-21	33
1 Corinthians 11:7	33
1 Corinthians 12:1-10	111
1 Corinthians 15:54	94
1 John 2:22-23	48
1 John 3:8b	19
1 John 3:17-18	53
1 John 4:1-3	111
1 John 4:8	12 5
1 John 4:8, 16	174
1 John 4:11	53
1 John 5:19	159

1 Peter 2:16b-17a		54
1 Peter 3:18		40
1 Peter 5:8		160
1 Peter 5:8-9a	98	
1 Samuel 15:23	30	
1 Samuel 28	30	
1 Thessalonians 2:8		55
1 Timothy 2:3b, 4		54
2 Chronicles 33:3-6		30
2 Corinthians 3:6		73

2 Corinthians 4:3-4	16 0
2 Corinthians 4:4	94
	156
2 Corinthians 5:17	91
2 Corinthians 10:3-4	90
2 Corinthians 11:14-15	39
2 Corinthians 11:14-15a	77
2 Kings 17:17	21
2 Peter 3:9	47
2 Timothy 2:24-26	48
2 Timothy 3:5	36
Acts 1:4	120

Acts 1:8	32, 89
Acts 2:4	90
Acts 3:1-10, 13	121
Acts 4:12	31, 77
Acts 4:23-24, 29-31	50
Acts 4:24, 29-31	90
Acts 4:29-30	122
Acts 5:12, 16	122
Acts 6:5b, 8	123
Acts 6:8	90
Acts 8:4-7	123
Acts 8:5-7	22
Acts 9	65
Acts 9:10-12, 17-18a	124

Acts 9:32-35	124
Acts 9:36-42	125
Acts 13:9-12	126
Acts 14:3	126
Acts 14:8-10	127
Acts 14:14	127
Acts 16:15-18	112
Acts 17:16-17, 22, 26a, 28-30	49
Acts 19:13-16	111
Acts 19:18-20	22
Acts 26:17b-18	159
Acts 26:18	26, 39, 93
Acts 26:29	47
Colossians 1:16	101

Colossians 1:27b-29	48
Colossians 2:15	103
Colossians 4:6	48
Deuteronomy 4:19	20
Deuteronomy 7:26	153
Deuteronomy 7:5	20
Deuteronomy 16:21	20
Deuteronomy 32:6	14
Ecclesiastes 1:9	23
Ecclesiastes 3:11	xii
Ephesians 6:11	156
Ephesians 6:12	158

Ephesians 6:12-13	88
Ephesians 6:18	45
Exodus 3:7-12:42	14
Exodus 7:11	20
Exodus 7-12	20
Exodus 15:26	117
Ezekiel 36:27	88
Galatians 2:20	173
Galatians 4:29	70
Genesis 3	24
Genesis 3:1-24	15
Genesis 3:5	91

Genesis 4:8	67
Genesis 6	24
Genesis 6:5, 11b	67
Genesis 9:6	46
Genesis 11	24
Genesis 11:7-9	67
Genesis 12	14
Genesis 17:15-21	70
Genesis 21:8-14	70
Genesis 31:19	20
Genesis 41:8	20
Hebrews 9:22b Hebrews 10:19, 22 32 Hebrews 13:5b-6	121
Isaiah 25:8	91

Isaiah 53:4-5	118
Isaiah 53:5	120
James 4:7	156
James 4:7-8a	95
Job 1:6-12	20
Joel 2:28	88
John 2:24-25	9
John 3:16	10
John 3:16-17	28
John 3:16-17a	47
John 6:37, 44a	64
John 6:40	47

John 8:12	26
John 8:44	10
John 12:21	156
John 12:31	39, 94
John 12:32	58
John 13:2, 27	22, 95
John 13:35	45
John 14:6	31, 77
John 14:14	43
John 14:21	174
John 14:23	174
John 14:26	120
John 15:5	42, 174
John 15:7	44
John 15:16	174

John 16:33	116
Joshua 1:9	65
Leviticus 17:11	5, 68, 174
Luke 4:18-19	26
Luke 4:21	26
Luke 4:22	48
Luke 4:33-36	99
Luke 4:35	102
Luke 8:27-35	99
Luke 9:1-2	89, 120
Luke 10:1, 9, 17	89
Luke 10:1, 9, 17-20	120
Luke 10:17, 19a	102

Luke 13:10-13, 16	100
Luke 13:11-13,16	22
Luke 16:19-26	46
Luke 19:41-42	169
Luke 24:49	89
Mark 1:23-26	99
Mark 1:25, 34	102
Mark 5:2-15	99
Mark 7:25-30	97
Mark 7:30	102
Mark 9:17-29	98
Mark 9:25	102
Mark 9:29	102

Matthew 3:16-17	17
Matthew 4:1	18
Matthew 4:1-11	18
Matthew 4:8-9	94
Matthew 4:17	25
Matthew 4:23	7, 29, 118
Matthew 4:23-24	10
Matthew 5:44	45
Matthew 7:7	175
Matthew 8:2-3	118
Matthew 8:6-8, 13	118
Matthew 8:14-15	119
Matthew 8:16	21, 102

Matthew 9:2-3, 6	119
Matthew 9:27-30a	119
Matthew 9:32-33a	97
Matthew 9:35-38	28
Matthew 9:36	, 159, 170
Matthew 9:36-38	147
Matthew 10:1	120
Matthew 11:28-30	175
Matthew 12:22	97
Matthew 12:28	102
Matthew 12:30	95
Matthew 15:28	102
Matthew 17:14-20a	98
Matthew 17:16	92

Matthew 17:16-20a	89
Matthew 17:18	102
Matthew 17:20	102
Matthew 18:19	44
Matthew 19:26	50
Matthew 22:39	45
Matthew 25:34-36	45
Matthew 28:18-20	88
Matthew 28:18b-20	176
Matthew 28:19-20	93
Matthew 28:20	101, 128
Philippians 2:3	47
Philippians 4:19	175
Philippians 4:5b-7, 13	116

Proverbs 1:23	88
Psalm 2	15
Psalm 27:14	116
Psalm 32:5	113
Psalm 34:4-5	116
Psalm 66:18	113
Psalm 103:2-3	117
Psalm 121:4b	17
Revelation 12	13
Revelation 12:7-17	1
Revelation 12:10	94, 120
Revelation 20:10	157

Romans 8:2-27	90
Romans 10:1-4	44
Romans 10:17	92, 132
Romans 15:4	17
Zechariah 4:6	88



مراجع قرآنی

Q. 2:87 37 Q. 3:31 71 Q. 3:32 71 Q. 3:49 117 Q. 4:14
72 Q. 4:157 36 Q. 4:171 37 Q. 4:80 72 Q. 5:54a 70 Q.
5:113 117 Q. 61:6 71 Q. 7:188b 70 Q. 9:30 37 Q. 10:54 37 Q.
12:2a 70
Q. 19:88-92 36 Q. 22:37 37 Q. 33:21 71 Q. 33:40 71
Q. 41:44 70



مطالب توصیه شده

آدنی، میریام، دختران اسلام: ساختن پل با زنان مسلمان، مطبوعات InterVarsity،
Downers Grove
ایلینوی، 2002.

اندرسون، نیل تی.، اسارت شکن: غلبه بر افکار منفی، احساسات غیرمنطقی و گناهان
معمولی، ناشران Harvest House، یوجین، اورگان، 2000.

باومن، ریچارد، فولکلور، نمایش های فرهنگی و سرگرمی های مردمی، انتشارات دانشگاه
آکسفورد، نیویورک، نیویورک، 1992.

بیات، مژده و محمدعلی جمنیا، قصه هایی از سرزمین صوفیان، انتشارات شامبالا، بوستون،
ماساچوست، 1994.

بوید، گریگوری ای.، خدا در جنگ: کتاب مقدس و معنوی
.Conflict, InterVarsity Press, Downers Grove, Illinois, 1997

براون، ربکا و دانیل یودر، نفرین های شکست ناپذیر: منابع پنهان مشکل در زندگی مسیحی،
ویتاکر هاوس، نیو کنزینگتون، پنسیلوانیا، 1995.

ایلینوی، 1875.
Bubek، Mark I. The Adversary، Moody Press، شیکاگو،

برنت، دیوید، قدرت های غیرزمینی: دیدگاه مسیحی در دین اولیه و عامیانه، MARC،
ساسکس شرقی، بریتانیا، 1988.

کیت، مری آن، و کارول داوونی، از ترس تا ایمان: زنان مسلمان و مسیحی، کتابخانه ویلیام
کری، پاسادنا، کالیفرنیا، 2002.

دیکاسون، سی فرد، تسخیر شیطان و مسیحیان، کتابهای کراس وی، ویتون، ایلینوی، 1987.

دویل، تام، با گرگ وبستر، رویاها و رؤیاها: آیا عیسی در حال بیداری جهان اسلام است؟
توماس نلسون، نشویل، تنسی، 2012.

السعداوی، نوال، چهره پنهان حوا، مطبوعات زد، لندن، بریتانیا، 1980.

فادیم، جیمز و رابرت فراگر، ویرایش‌ها، عرفان اساسی، هارپر، سانفرانسیسکو، کالیفرنیا،
1997.

گاریسون، دیوید، باد در خانه اسلام: چگونه خداوند مسلمانان را در سراسر جهان به ایمان به
عیسی مسیح می‌کشاند، منابع WIGTake، بنای یادبود، کلرادو، 2014.

گرین، مایکل، من به سقوط شیطان اعتقاد دارم، میخانه Eerdmans. شرکت، گرند راپیدز،
میشیگان، 1991.

هاموند، فرانک و ایسا می، خوک‌ها در سالن، کتاب‌های ضربه، شرکت، کرکوود، میسوری،
1973.

هیبرت، پل، «برخورد با قدرت و اسلام عامیانه» در مسلمانان و مسیحیان در جاده امائوس،
ویرایش. جی. دادلی وودبری، MARC، مونرویا، کالیفرنیا، 1989.

هاسکینز، ادوارد جی.، ذهن یک مسلمان: آنچه هر مسیحی باید درباره سنت‌های اسلامی
بداند، داوسون مدیا، کلرادو اسپرینگز، کلرادو، 2011.

کوخ، کورت ای.، بین مسیح و شیطان، انتشارات کرگل، گراند راپیدز، 1971.

کوه، داگلاس، شفای اعتیاد جنسی، سنگاپور، 2010.

کرافت، چارلز اچ.، مقابله با مسیحیت بی قدرت، کتابهای انتخابی، گراند راپیدز، میشیگان، 2002.

کرافت، چارلز اچ.، شکست دادن فرشتگان تاریک: شکستن ظلم شیطانی در زندگی مؤمن، کتاب های سلطنتی، ونتورا، کالیفرنیا، 1992.

کرافت، مارگریت جی.، درک قدرت معنوی: بعد فراموش شده مأموریت و وزارت متقابل فرهنگی، ماریکنول، نیویورک، 1995.

کرونک، ریک، رویاها و رؤیاها: سفر معجزه آسای مسلمانان به عیسی، تصویر سرنوشت اروپا، سن جیووانی تیتینو، ایتالیا، 2010.

لنینگ، لری جی، برکت در مسجد و مأموریت، ویلیام کتابخانه کری، پاسادنا،

عشق، ریک، مسلمانان، جادو و پادشاهی خدا: کاشت کلیسا در میان مسلمانان عامیانه، کتابخانه ویلیام کری، پاسادنا، کالیفرنیا، 2000.

عشق، فران و جلتا اکهارت، خدمت به زنان مسلمان: آرزوی خواهر خوانده شدن آنها. کتابخانه ویلیام کری، پاسادنا، کالیفرنیا، 2000.

مارتین، ای جی، ویرایش، جایی که کلیسایی وجود نداشت: کارت پستال‌هایی از پیروان عیسی در جهان اسلام، انتشارات آموزش با هم، 2010.

مک کوری، دان، شفای خانواده شکسته ابراهیم: زندگی جدید برای مسلمانان، خدمات به مسلمانان، کلرادو اسپرینگز، کلرادو، 2011.

مکنات، فرانسیس، رهایی از ارواح شیطانی: راهنمای عملی، کتاب‌های انتخابی، گرند ریپیدز، میشیگان، 1995.

مک نات، فرانسیس، شفا، هودر و استاتون، لندن، بریتانیا، 1988.

مورفی، اد، کتاب راهنمای جنگ معنوی، انتشارات توماس نلسون، نشویل، تنسی، 2003 (نسخه اصلاح شده و به روز شده).

ماسک، بیل ای.، «اسلام عامه پسند: گرسنگی قلب»، 172-183، مکاری، دان، انجیل و اسلام: خلاصه، نسخه خلاصه شده، MARC، مونروویا،

کالیفرنیا، 1979

ماسک، بیل ای.، چهره نادیده اسلام: اشتراک انجیل با مسلمانان عادی، MARC، ساسکس شرقی، بریتانیا، 1989. پرشال، فیل، پل هایی به اسلام: دیدگاه مسیحی در مورد اسلام عامیانه، خانه کتاب بیکر، گراند ریپدز، میشیگان، 1989.

پرشال، فیل، درون جامعه: درک مسلمانان از طریق سنت هایشان، کتاب های بیکر، گراند ریپدز، میشیگان، 1994.

پن لوئیس، جسی و ایوانز، رابرت، جنگ با مقدسین، برادران مارشال، لندن، بریتانیا، 1912.

پیرس، چاک دی، و ربکا واگنر سیتسما، رهایی از خانه شما از تاریکی معنوی، انتشارات واگنر، کلرادو اسپرینگز، کلرادو، 2000.

کشیش، داگ، مسیرهای لغزنده در تاریکی (مقالاتی در مورد سنکریتیسم نوشته آلن تیپت)، کتابخانه ویلیام کری، پاسادنا، کالیفرنیا، 2014.

رابینسون، استوارت، مساجد و معجزات: افشای اسلام و فیض خدا، قسمت 3، 233-319، انتشارات سیتی هاروست، کوه بالای گراوات، استرالیا، 2004 (ویرایش دوم).

استیسی، ویوین، مسیح برتر بر شیطان: جنگ معنوی، دین عامیانه و غیبت، مسیحی اشعات خانا، لاهور، پاکستان، 1986.

سوارتلی، کیث، مواجهه با جهان اسلام (تجدیدنظر شده)، رسانه های پایین، Wheat Ridge، کلرادو، 2014.

تروسدیل، جری، حرکات معجزه آسا، توماس نلسون، نشویل، تنسی، 2012.
آنگر، مریل اف، شیاطین در جهان امروز: مطالعه ای از غیبت در پرتو کلام خدا، خانه تندیل، ویتون، 1971.

آنگر، مریل اف. چه شیاطین می توانند با مقدسین انجام دهند، مودی پرس، شیکاگو، ایلینوی، 1991.

Communicating Christ in Animistic Contexts، Gailyn، Van Rheenen، Grand Rapids، Baker Book House، میشیگان، 1991.

واگنر، سی پیتر، رویارویی با قدرتها: چگونه کلیسای عهد جدید قدرت جنگ معنوی سطح استراتژیک را تجربه کرد، انتشارات ریگال، ونتورا، کالیفرنیا، 1996.

واگنر، سی. پیتر، و اف. داگلاس پنویر، ویرایشگران، "ارتباط وزارتخانه های قدرت برای مسلمانان عامیانه"، در

کشتی با فرشتگان تاریک، رگال پرس، ونتورا،

کالیفرنیا، 1990.

Warner, Timothy, Spiritual Warfare: Victory Over the Powers of This Dark
.World, Crossway Books, Wheaton, Illinois, 1991

وایت، توماس، شکستن سنگرها: چگونه جنگ معنوی اسیران را آزاد می کند، انتشارات خدمتکار، آن آربور، میشیگان، 1993.

ویمپر، جان، و کوین اسپرینگر، قدرت شفا، هارپر، سانفرانسیسکو، کالیفرنیا، 1987.

زومر، ساموئل ام.، تأثیر آنیمیزم بر اسلام: گزارشی از خرافات رایج، چاپ مک میلان، نیویورک، نیویورک، 1920.